٧٨٦

۱۱ هو علی ۱۱۰

۱۲۱

هذا کتاب مستطاب

فتح‌الغرایب

در اسرار علوم غریبه

در بیان طالع‌نامه زنان و مردان

در بیان طالع‌نامه بیماران

در بیان اسرار هفتادو دو دیو

در بیان طالع‌نامه کواکب و ستارگان

در بیان باطل‌السحر و احضار ارواح و جن

هفت پریان و موکلین و تسخیرات

تألیف:

شیخ امام معین‌الدین ابو عبدالله محمّد

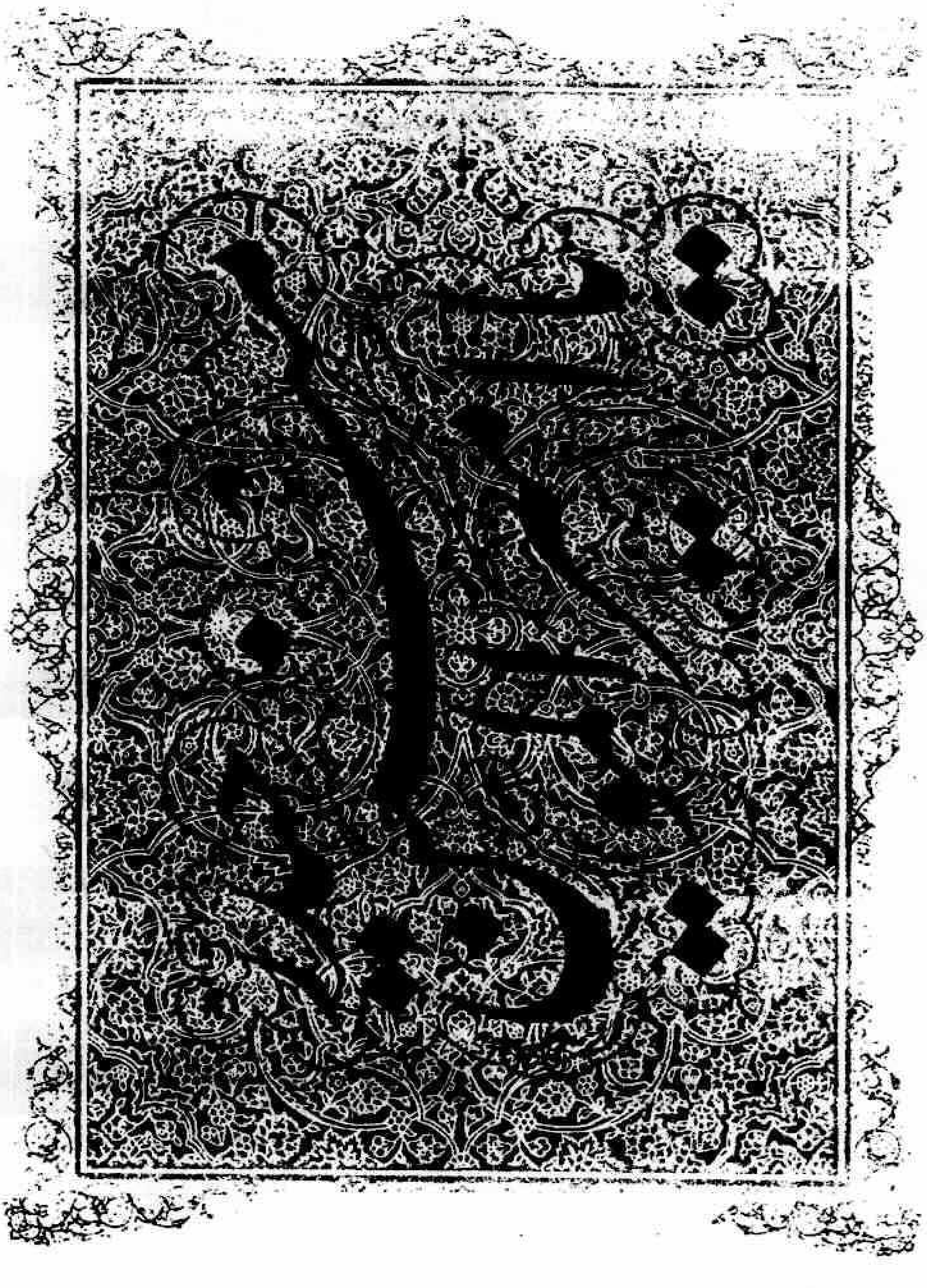
معروف به مبارکشاه بلخی

ابجد هوز حطی کلمن

(۱) (۲) (۳) (۴) (۵) (۶) (۷) (۸) (۹) (۱۰) (۲۰) (۳۰) (۴۰) (۵۰)

سعفص قرشت ثخذ ضظغ

(۶۰) (۷۰) (۸۰) (۹۰) (۱۰۰) (۲۰۰) (۳۰۰) (۴۰۰) (۵۰۰) (۶۰۰) (۷۰۰) (۸۰۰) (۹۰۰) (۱۰۰۰)



بسم الله الرحمن الرحیم

الحمد لله رب العالمین والصلواة والسلام علی خیر خلقه محمد و آله
اجمعین اما بعد این کتاب دعاهای است از قول امام بحق جعفر صادق
علیه السلام که طالع نامه مرد و زن و همه کارها [illegible] و حسابات خوشی
و دیگر از کل دعاهای خیر و شر اگر خواسته باشی که بدانی
که طالع مرد و زن در کدام برج باشد باید که نام هر دو را
با ابجد صغیر حساب کنند یعنی نام او و مادر او را العدد بعد طرح
نماید دوازده دوازده طرح کنند آنچه باقی ماند ببینند به
کدام برج میباشد اما اسامی بروج این است

۱ حمل ۲ ثور ۳ جوزا ۴ سرطان ۵ اسد ۶ سنبله ۷ میزان
۸ عقرب ۹ قوس ۱۰ جدی ۱۱ دلو ۱۲ حوت حساب ابجد

حرف	ا	ب	ج	د	ه	و	ز	ح	ط
کبیر	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹
صغیر	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹
عشرات	ی	ک	ل	م	ن	س	ع	ف	ص
کبیر	۱۰	۲۰	۳۰	۴۰	۵۰	۶۰	۷۰	۸۰	۹۰
صغیر	۱۰	۸	۶	۴	۲	ساقط	۱۰	۸	۶
مئات	ق	ر	ش	ت	ث	خ	ذ	ض	ظ
کبیر	۱۰۰	۲۰۰	۳۰۰	۴۰۰	۵۰۰	۶۰۰	۷۰۰	۸۰۰	۹۰۰
صغیر	۴	۸	ساقط	۴	۸	ساقط	۴	۸	ساقط
الوف	غ	لا	فتبارک الله احسن الخالقین						
کبیر	۱۰۰۰	۳۱							
صغیر	۴	۷							

طالع حمل هر کس که بر طالع حمل باشد در سه وجه است اگر وجه
اول آمده باشد سفید روی و دراز اندام و بلند بالا و درست گوی و سبز چشم و خندان
روی باشد اگر بوجه دویم آمده باشد صاحب طالع او مریخ است سرخ رو و نیکو چهره
و شیرین زبان باشد و میل بر زوی زند و اگر بوجه سیم آمده باشد نظر به عطارد دوست
کند و کوتاه و پیوسته ابرو و میانه بالا باشد و خانه‌اش گشوده باشد و صحبت
کند که مال بسیار بدست آورد اما وفا نکند هر چند که عمر او زیاده شود
مالش بسیار تر شود اما از خویشان کم عزت بود هر چند نیکویی کند مردم

بر پیدا رند و خانهٔ برادران جوزا باشد خیر بینند و خانهٔ مادر و پدر سرطان

باشد در پیش ایشان عزیز بود و از دوستان راحت یابد و خانهٔ فرزندان

او در اسد باشد نه اولاد در طالع دارد پسر او از دختر بیشتر باشد اما بعضی

از اولادش با خطر باشند و خانهٔ بیماری او سنبله باشد از جهت گرمی

و خشکی و خانهٔ دشمنان او حوت است دشمن زیر دست او باشد اما صاحب طالع

سفر بسیار کند باز بوطن آید و دائم عاشق صفت باشد سه زن یا هفت

در طالع دارد و طالع زنان او قوس باشد با او سازگار باشند و از حیوانات سم

شکافته او را خوب آید و زراعت و درخت نشاندن در دست او مبارک باشد

ماه نو نظر بر شمشیر کند روز دوشنبه او را نیکو باشد و کاری طلب کند

تمام شود رنگ سبز دوست داشته باشد و قران او در برج ... و ... کشیده

و ... باشد چون بمیرد عمرش به صد بیست سال برسد والله اعلم

طالع ثور چنین مردم طالع ثور ... باشد روز او ... میانه

باشد اگر نوجه اول آید زهره دست نیکو روی و گشاده دندان

بالا و پیش ... چشم باشد و اگر نوجه دوم آید کشیده روی و دست

سیستی

بینی و سفید پوست بود و اگر بوجه سیم تولد یافته باشد
مریخ است سرخ رنگ و میل بسبزی زند و چهار شانه و دلیر باشد
و این مثال با خاکی است و صاحب این طالع در خرید بنیه
اشتراک کردن منفعت بیند و مال بسیار بدست آورد و خانه
جوزا باشد مداخل کم و خرج زیاد دارد و خانه برادر دختش سرطان
باشد منفعت کم بیند اما در پیش مادر و پدر عزیز بود و خانه
فرزندش سنبله باشد فرزندش بسیار باشد دخترش از پسر
بیشتر بود و خانه زنانش ثور بود چهار زن در طالع وی باشد
و زنی خواهد که بطالع قوس باشد تا با و سازگار باشد و بیماری وی از جگر و
دل باشد اما مرد حسد است و فراخ دل باشد و خانه سفرش جدی باشد
سفر او بصوب مغرب کار بسیار بود و صاحب این طالع هر چه با مردم خوبی
کند بد بیند و کم عزت پیش قوم خویش خود باشد فکر و اندیشه بسیار کند
اما فراموش کار باشد بر درخت نرود که رحمت با و رسد و از حیوانات
اسب او را سازگار باشد و روز ضعفش یار او را نیکو باشد حرام ...

امر بشان زد و این روزها روز شنبه و جمعه او را خوب باشد هر کاری که
در این روزها بکند نیکو بود و صاحب این طالع باید لی طومار نباشد که
قضائی بدو رسد باید که زیر درخت سبز نخوابد بزحمت بیفتد و چون ماه
نو ببیند نظر بر گیاه سبز کند و در پیش بزرگ کند و در دست چپ او اثر
فراخ کرد ما گاو او دختر بر آید چون درخت بوشد باید سر مه باشد و نگین
انگشتر فیروزه کند تا او را سازگار باشد و صاحب این طالع زیارتی در
طالع دارد و قران او در هشت سالگی و هفده سالگی و شش سالگی باشد چون
چون از این قران بگذرد عمر او به کوشش ال رسد و الله اعلم طالع جوزا
چون کسی به طالع خود از مادر بزاید او را نیز سه وجه باشد وجه اول عطارد
گندم گون بالا بلند سیاه چشم بود و اگر وجه دوم آمده باشد مریخ سرخ
رنگ و چشم سبز و زرد موی باشد و وجه سیم او دانست فراخ سینه کوتاه بالا
خندان روی بخشنده باشد و از خردگی کار او بالا گیرد و خانه مال
سرطان باشد مال بسیاری جمع کند اما زود تلف گردد خانه سیوم دلو
بود به سفر سوی مغرب او را سازگار باشد و خانه دشمن او ثور باشد بسیار
کرد

کسان با او دشمنی کنند اما بسیار نکنند و خانه برادرانش سعد باشند [illegible]

و خانه مادر و پدرش حوطت باشد و خانه فرزندش میران کم باشد و بعضی

بسبب نظر بد باید علاج کند و بیماری او از سودا باشد باید دایم همیشه

خون کم کند که بیماری بهم رساند اما بدانکه هر که در طالع جوزا

باشد بهروزی است چرا که این ستاره متغیر است و مردی باشد

رحم دل و اندر چهل سالی به مرتبه بزرگی رسد از دنیا [illegible] متغیر را کو [illegible]

و مردی است گشاده دل اول زن بیوه نصیب او گردد از سه زن

او و [illegible] او بود اندر فصلها بهار و اندر ماهها رجب و اندر روزها جمعه او را بیماری

بود و حیوانهای نرینه او را نکوتر باشد از معامله کردن و درخت [illegible]

منفعت بیند و درخت سفید او را مبارک است قران او و زینه

و دولت و [illegible] و چهل [illegible] باشد چون نکند و عمر او به [illegible] رسد

سال یکصد [illegible] باید داد تا او را [illegible] باشد والله اعلم طالع

سرطان بدان مردی که بطالع سرطان است او را [illegible] اگر

به ساعت [illegible] باشد گرد و سفید پوست [illegible]

روی او اگر بوجه زهره آمده باشد خوبروی و نیکو چشم و شیرین زبان باشد

و اگر بوجه عطارد است زیرک و دانا و خواننده باشد و این طالع از حق

متغیر است قوتش بسیار رود و بدو مبارک باشد نشانی در جانب چپ صورت

او باشد و آن نشان دولت او بود و مردم رحیم دل و خندان رو و دیر کینه

باشد و نان ده باشد اگر خدمت بزرگان کند عزیز و کامکار باشد

اما زود خشم گردد و زود صلح کند هرچند که سن او بالا گردد مالش زیاده

شود باید شراکت با کسی کند که صفرت سپید و بر درخت زود که او را اسم

بود از برادر و اقربا خیره سپید و در چشم بلا رسد و خانه سفر

سفر جانب مغرب او را سازگار باشد و از زن در طالع دارد از روزها

جمعه او را نیکو بود و باقی روزها را او گیس باشد هر ماه نو سپند نظر برات کشند

تا مبارک باشد و لباس سفید باید پوشید و نگین انگشتر خود را عقیق کند

اما [illegible] باید دعای نادعلی را همراه کند تا کار او بلا گیرد

عمر طبیعی او در ... نه سال و بیست و سه سال که یک باشد هر از این سالها بگذرد

عمر او هشتاد و هفت سال رسد والله اعلم طالع سرطان مردمی که

طالع اسد باشد او را سه وجه است وجه اول که آفتاب در وی باشد
سرخ رنگ و نیکو چهره و قوی هیکل باشد و اگر بوجه دویم تولد یابد
مریخ در وی است بزرگ اندام و کوتاه گردن و سنگین خواب باشد و اگر بوجه سیم
آمده باشد ترس انگیز و خوش آواز باشد مرد درست گو و سخاوت دار
باشد و نشانی در جانب راست او باشد آن نشان دولت او باشد
مال بسیاری در دست آورد و اما بآسانی از دست بیرون کند و خانهٔ پدر
و مادر او عقرب باشد در نزد مادر و پدر عزیز بود و باید از مردی سفید و سرخ
چهره حذر کند که مبادا در حق او بدی کند در زیان و ضیان او را بیم است
باید که لی تعوید و طمار باشد خانهٔ سفرش مشرق باشد مال بسیار بدست
آورد و خانهٔ نان او دلو باشد سه زن در طالع او بود و از زن اول
مراد بیند و خانهٔ فرزندانش قوس باشد بیشتر اولادش نرینه باشد و مرگ
او در آب است و خانهٔ دشمنانش سرطان باشد دشمن بسیار دارد اما کاری نتوانند
کرد باید دعای زبان بند با خود داشته باشد تا از زبان ایشان ضرر نیابد اما هرگاه
این طالع از زوال درد چشم و درد ناخن باشد نیک تجربه [illegible] باشد

درخت نخواهد که ضرر رسیند و جامه کبود او را نیکو باشد نگین انگشتر را

فیروزه کند و قران وی در ۱۱ سالگی و ۱۹ سالگی و بیست سالگی بود چون از این

فراغت کند و عمرش به نود سال رسد والله اعلم طالع سنبله

هر مردی که بطالع سنبله باشد بر سه وجه است اول عطار رو [illegible]

کند میانه قد [illegible] سیاه چشم و کوتاه گردن اگر وجه دوم متولد شده باشد

[illegible] سرخ رو و سفید اندام چهار شانه و وجه سیم سبزه و درشت [illegible]

باشد مرد دوست زن دوست و در سینه نشانی علامه دارد [illegible]

و خوی او نیک باشد و دولتمند باشد صاحب طالع کار بهتر دست و کار [illegible] باشد

باشد بسیار در پیش والیان نشیند و در دنیا [illegible] دوست دارد و خانه زنان

عقرب باشد سه زن در طالع دارد زن او فرمان بردار او باشد خانه

فرزندانش جوزا است فرزند او بسیار بود اما بیشتر دختر باشد از خانه

[illegible] دشمن او باشد اما ظفر نیابد باید از و حذر نماید از [illegible]

تا [illegible] را در خواب نبیند و از ماهها ماه شوال او را نیکو بود و از روزها

روز چهارشنبه او را [illegible] باشد و از [illegible] و بهار

وبسیاری سختی در طفلی کشد و قران او در سالگی و سیزده سالگی

و هجده سالگی و سی شش سالگی بود چون از اینها بگذرد به هشتاد رسد

ان شاء الله تعالی   طالع میزان برج بادی و خانه زهره

بود آن مردی که بطالع میزان متولد شده باشد او در صورت

اگر نوجه اول است سیاه چرده و دانا و زیرک و حرفه پیشه باشد

اگر نوجه دویم آمده باشد نویسنده و خواننده باشد سیم پیش

چشم و سوزند بود و سفر کردن را دوست دارد و ملول

گردد از بسیار دوستی [illegible] اما باید تنها سفر نماید و [illegible] نکند

اگر با کسی شریک شود ضرر رسد و میل کند که مردی باشد غضبناک

از گندم [illegible] بهره یابد و خانه زن او عقرب باشد از زن

کم رضا است و زن در طالع وی بود زن هم او را [illegible] کند

و خانه فرزند او میزان باشد آخر عمر [illegible] و پاسه او [illegible] با دیگران

زبان [illegible] سخن گوید [illegible] ماه رجب از روز شنبه او [illegible] خوب

باشد چون ماه نو ببیند نظر بر سینه خود کند قران او در سالگی و [illegible]

و چهارده و چهل سالگی باشد چون ازین بگذرد عمر او بصد سال رسد
والله اعلم طالع عقرب بر کسی که طالع او عقرب باشد مردی باشد بلند بالا سیاه چشم
و خوب روی باشد اگر بچه دیم باشد گرد رو و خوش سخن و میانه بالا
و خانه مادر و پدر او دلو باشد پیش مادر و پدر عمر باشد خانه فرزندش
بود اما بیشتر اولادش دختر باشد و خانه زنان او عقرب باشد
اگر زن اول بمیرد سه زن دیگر خواهد و بسیار در خواب ترسد و در بلندی
بیفتد و از زخم چشم رحم او را بیم بود باید که تعویذ طومار بندد مردی صادق
القول و بی کینه باشد و از ماه‌ها رجب و از ماهها ماه شعبان او را
نیکو باشد و همیشه زندگانی بر وی خوش گذرد و سورت الله بشعر
خانه دشمنان او حمل باشد اما از زنی بدی بیند جادو در باره او کنند
باید که از و حذر کند همیشه جامه کبود پوشد نگین انگشتر عقیق
از حیوانات گزینه او را بسیار خوب باشد و قران او در ریر سالگی
و ۱۲ ساله و سی و شش ساله که باشد چون از اینها بگذرد عمر او بهشتاد
هشت سال رسد والله اعلم طالع قوس مردی که طالع او قوس

قوس باشد بر سه وجه است نیکو و خوش و شیرین زبان باشد و چهره
افتاب سفید پوست نیکو صورت دراز بالا و جسم مرد و زیرک
و دانا و نویسنده باشد و خوش طبع باشد و در کارها جهد بسیار کند هر چه
دارد همه را در راه خدا صرف نماید و یک چیز روزی او گردد یا در این
دنیا کاری کند که ثواب بجز درسته باشد چرا که مرد راست گوی است
از راستی کار او بالا گیرد و خانه زنان او عقرب باشد و دو ضرر در طالع
دارد و خانه پدر و مادر او میزان باشد و در بیرون شان عمر بود و خانه
بیماری او ثور بود چون بیمار شود بسیار طول کشد و مرگ او از [illegible]
از خون کردن عاقل نباشد و از حیوانات همه قسم او را خوب بود و از
سالها سال نیک که پارسی نیل گویند از ماهها ربیع الاول و تند روز ما
او را خوب بود و فرزندان او در سه [illegible] و بیست [illegible] باشد [illegible]
بصد و بیست برسد ان شاء الله تعالی طالع جدی مردی که طالع
باشد [illegible] که او را [illegible] سه وجه باشد اگر [illegible] اول باشد بلند بالا
و سیاه چهره و سبزه باشد اگر [illegible] باشد [illegible]

گونه گرد و رو کوتاه بالا سخن گو باشد اگر سیم آمیخته باشد منشی کار است
مستور و دراز بینی کوتاه گردن موی زرد باشد و خانه مالش دلو است
گرد کند اما برکت نیابد و خانه برادرانش او ثور باشد میان ایشان دوستی
او جدایی افتد و خانه مادر و پدر او جوزا باشد لیکن بسیار نیستند
خانه زنانش سنبله باشد چهار زن بر طالع وی باشد از زنان
خوشی نبیند بکند میراث بسیار یابد و خانه فرزندانش ثور است
بیشتر اولاد وی پسر نیست خانه بیماری او سنبله باشد بیماری اولاد
گرمی و حرارت بود خانه مرگش میزان است مرگ او از زهر و شکم است و خانه
سفرش حمل است سفر کردن او را نیک بود روزها روز شنبه او را
نیکو بود در پیش بزرگان کند و بر دست راست قبول کرد تا مراد
او حاصل بود در عرض ماه چهار دینار باید صدقه بدهد تا کار او بالا
گیرد قران او در ده سالگی نه سالگی و هجده سالگی و صد سالگی بود چون
عمرش از این نگذرد به نود سال برسد ان شاء الله طالع دلو
مردی که طالع دلو باشد بر سه وجه است اول نیکو و سیاه موی بزرگ

بزرگ اندام و پارسا باشد و چهره دویم آمده باشد موی زرد و میش

چشم و نشانی و ابروان او باشد و چهره سیم مردی بزرگ و دانا و خردمند

بود اما صاحب این طالع از سقطها بدو رسد باید که بی تعویذ و طومار نباشد

تا از شر او ایمن باشد مال بسیار جمع کند همه را خورد و پریشان و تباه و خانه

فرزندان او صدی باشد از اولاد ضرر بیند و خانه مادر و پدر او ثور باشد

و حسن مادر و پدر کم از پیچ بود و خانه زنان او دلو باشد زن او در

نکاح او در آورد زن اول پارسا و سازگار باشد و خانه فرزندان او حوت

باشد دختر او از پسر بیشتر شود و مرگ او به تیغ باشد زنی از خاندانی

بزرگ بخواهد به سبب او در مشقت افتد و تن بیدا کند هلاکت رسد

با بدنامان و دشمنان او بی باشد تا از شر ایشان ایمن گردد و بدیار

به دولت رسد چون عمر او بالا گیرد کار بیش عمر او برسد و تا

سال قوی بیل و از ماهها ماه قربان از روزها جمعه او را نیکو باشد

چون ماه نو خواهد بیند نظر بروی سبز یا بالغ کند و جامه سپید نو پوشد

نگین انگشتری یاقوت کند قران او در مه فصل و با نیمه سال که و لو تیغ سال گی

و نورده سالگی چون از آنجا بگذرد به صفا مقصد رسد ان شاء الله تعالی

طالع حوت مردی که طالع حوت باشد بر سه وجه است اول

سرخ روی و سیاه چرده باشد وجه دویم سبزه و آسیا دوست ولد و فرزندان

باشد وجه سیم زیرک و دانا و نویسنده و خوش طبع باشد و خانه فرزند

قوس باشد در آنها خیر بینند و خانه عمرش سنبله بود و سعر او بهمت جمله

سازگار بود و میل کند که کاری از پادشاهان بسیار کند اما از بزرگی

صاحب دولت باشد و خانه دشمنانش قوس باشد و دشمن بسیار و ولد

دزدیشان با بد حذر کرد و خانه یاران او مریخ باشد بیماری

او در سردی و صحت باشد و در طرف ناخوشی و سختی گشته

و خانه زنان او سرطان باشد چهار زن در طالع وی باشد

از هر زن میراث یابد و با زنان صحبت بسیار کند و بیمار اسیر

باشد زراعت کردن و درخت نشاندن دوست او خوش باشد

باید بعوید و طول زندگی یابد تا از همه بلا با ایمن باشد و ...

دانده و زنا بچه و در شیشه او را نیکو باشد و در ستون ... او را

ماوینه او را بسیار کار باشد چون جامه نو پوشد قرمز بود

دیگری دختر عشق کند قران وی در ... ساله و هیچ ... پاکی و ...

و پنجاه و سه ساله که پانزده چهل از زن تا کند و عمر او بنود سال رسد الا الله تعالی

طالع نامه زنان

طالع حمل هر آن زنی که بطالع حمل آید پر سینه و ... اسب

کندم گون باریک میان و خوش عیش باشد عجب باشد که از شوهر

اول جدا شود و بسیار اندیشه مند باشد و اگر جدا شود هر اول جدا

بسیار گناه و مکر خواهد رسید و بر سینه او خالی باشد و چه دوم

سفید رو و باریک قد گربه چشم میانه بالا باشند و چه سیم

سبز رنگ و بانمک باشد اما زن وفاداری بود هر حاجت که از

خدا بخواهد رفته باید طالع فرزندانش بسیار باشد اما کم ماند ...

بسته کرده باید علاج کند تا اولاد او از زحمت ایمن بود و از جامه‌ها

... سرخ او را خوب باشد و از روزها روز سه شنبه او را بسیار

و چیزها ... کس را خورده ... وطن بغربت ...

باید که بطالع اسد باشد تا با او سازگار باشد و زنی کوتاه بالا

سرخ موی و زرد موی و دندان پیش او دو دهن او معیوب بود باشد

تا باشد که شوهر با او دوست بود اما در دل دشمن او است

باید صاحب الطالع از او حذر کند که مبادا در حق او بدی کند

آتش زحمت بوی رسد و از روز چهارشنبه حذر کند که روز نحس او

بود چون بنزد کسی بحاجت رود باید به دست چپ قرار کرد تا مراد

شود و باید دعای زبان بند با خود داشته باشد تا از شر آن

ایمن گردد هرگاه که طالع ثور بود همان زن که بطالع ثور زاید

بر آید زن نیکو روی و خوش خلق باشد اما مال خود را همه کس ببخشد

و هرچه دارد خورد و بر سر آن کند در پیش بوند و خوش سخن باشد

زنی میانه بالا کمر باریک دراز مو باشد و در روی او اثر داشته باشد

و با شوهر مدارا کند که او را دوست دارد و گاهی با او باشد تا از راه

فرزند دست دلیل کند که فرزند بیاورد کم ماند مگر سه ولد

روز تا روز آدینه ولد با هلال ماه رجب او را نیکو بود و اگر تقویم

شوهر کند بهتر باشد و در هر خانه که او باشد انخانه بیعت

و دایم لذو در و سو و شقیقه و در د چشم نالان باشد صلحا گفته اند

که اگر خواهران باشد این دعا را نوشته با خود دارد اثر است

بسم الله الرحمن الرحیم یا حنان یا منان

یا دیان یا برهان یا سبحان یا سلطان یا

هو یا اله الا هو ۱۸۱ ۹ ۱۱۱۱ ۹ ۱۱۹ ۱۲ ۱۲ ۹

ع ۱۱۱ ۸ع ۱۱۱ ۱۱۲ دطه ح ح ۱۱ ۴

۴ ۲۲ ۵ طالع جوزا هر آن زنی که در

طالع جوزا باشد بر سه وجه بهت وجه اول سفید روی باشد

اما اندک بر زور زند و نیکو خو و شیر مکین باشد و وجه دوم سبز

رنگ نیکو رو سیاه چشم بود و وجه سیم بیند جانت سیاه مو

یا بر ره یا بر بدن یا دست چپ نشانی باشد و آن نشان

نشانه ملک بختی او باشد اما شوهر دوست باشد و لذو روزی فرزند

مند بود و سعی کند که ده فرزند در طالع وی باشد هر

با مردم خوئی کند و بسیار رنج باید که بی باطل آسیب نباشد و دیگر
او را شوهری باید کردن و طالع او با وی باشد تا با او بسازد کار
کند بیماری او اندر شکم و صفرا بود باید همیشه چون کم کند درد و از
سر و شقیقه همیشه رنجه باشد و دلیل کند که وی نکاح در طالع
وی باشد در روز شنبه و روز چهارشنبه او را خوب بود و از روز دوشنبه
و سه شنبه حذر کند که او را از دو چیز آفت باشد بسیار نظر بر وی طفلی
تا بالغ کند قران او در هشت سالگی و سیزده سالگی و نوزده سالگی
باشد چون از اینها بگذرد عمر او به هشتاد برسد ان شاء الله تعالی

طالع سرطان هر آن زن که به طالع سرطان زاید بدان که
سرطان برج آبی است و طبیعت او سرد و تر است بر سه وجه است
وجه اول زن چهره درست سرخ و سفید نرم و گوشت باشد وجه دوم
گندم گون [illegible] و چشم سیاه چشم نیکو و شرمگین باشد و وجه سیم آنکه با
گردن و سفید صورت شکسته موی فراخ سینه بود و هر چه
در دل داشته باشد بر زبان بیاورد و مادر ده فرزند باشد و [illegible]

کند که زن چابک و نیکوکار بود و وی عقیم و خردمند باشد
و با مردم سازگار باشد عجب بینیت که لذت شوهر اول جدا کند
و زنی شوهر دوست باشد اما جدا و بدان طالع با هر که
نیکوئی کند بد بیند ارند خصوص دشمن وی زنی باشد که لذت مردگان
او بود بدی درباره او بسیار کند گویند که بیکه جوزد و میل شود
و در نظر شوهر بعینه باید که جادو و طلسم از هم و باطل سحر و عقد
بستان نباشد تا از شر بد کو ایمن گردد اما و میل کند که گاه گاه
بسته کند و سبب او جنه باشد که در طلب آب روان رفته است
یا در زیر ناودان بشتاب کرده طفل همزاد دیش او مجروح تا
آنهم بخت او را بسته که اولاد او را مجروح نماید و مبتلا
سازد هر کسی که این نشانها از وطن شوهر شود باید علاج کند تا طلعت
او بماند و دعای ام صبیان با مشک و زعفران نوشته ...
چهل ماه نویسند نظر روی زن بالا ... کند لذتها ...
روز نامه شنبه او را نیکو ... و در جامه با رنگ ...

نمود و کوشد قران او در مقعد ستانی و با پنجاه سال [illegible] و نوزده سالی باشد چون

شد ز شفا بگذرد و بسیار رسد انشاء الله تعالی

طالع اسد

مهران زنی که در طالع اسد از مادر تولد یافته باشد او را سه چهره شد

وجه او [illegible] حرف شو نباشد در زن و اما در نیک باشد [illegible]

از مادر تولد یافته باشد تن او قوی و پیوسته ابرو بود و [illegible]

سینه او بود اگر باشد خالی سوزن کشد تا او بسیار کیا باشد

[illegible] کربه چشم و زرد موی و دندان پیش او معیوب بود

اما زنی باشد رحیم دل و مهربان و با خویشان آمد و شد کمتر کند

[illegible] رسوا کنند و بعضی از خویشان بر او حسد برند و حرف

[illegible] در باره او بسیار گویند باید که [illegible] خدای تعالی با خود در

باشد یا در سر استان [illegible] نوید و بیماری او در زرد و درد ناف

[illegible] و میل کند که یازده فرزند بیاورد اما کم یابد الا سه یا پنج

از دو زیاده نماند که در زیر ناودان آبی گرم ریخته و [illegible]

[illegible] را سوخته آهنی یا [illegible] و [illegible] که اولاد او در شکم

یاد ریه

در شکم او اصلا بدر انکه بحقه نا قص کند و اولاد او در وقت مرگ نزد

و منقبض و لاغر گردد و لرزر و زها روز یکشنبه و از ماههای ماه [illegible]

و اگر ماه و سنبله نظر به جمع کند و از رحمت او سرخ پوشد و زن

و مردی او و اولاد او گند از نظر شوهر بعقید بحدیکه خواند و نیک

باید که اسم اعظم و باطل السحر و عقد اللسان باشد و دعای

زبان بند با جمع درسته باشد و اولاد شرار استان این شعر و قرآن

او در سیاه بارکه نه سال کهی باشد چون از اینها عدد زد و عمر شش تا

هشتاد و هشت سال رسد انشاء الله طالع سنبله بهرام هر کسی

که طالع سنبله باشد سه وجه است اول اقبال باشد زر اسک

و نیکو روی و رحیم دل باشد و اگر توجه دویم متولد شده باشد

زهره است سفید روی و میانه بالا فصیح زبان فراخ روزی

سفر دوست طعام دوست کند که زن حوصله و خوش منش باشد

و اگر توجه سیم آمده باشد طالع ثمر است خوش صلح و نیکو روی

و نیکو گفتار باشد و در یکجا قرار نگیرد و پیوسته از روی او فرش

بر شوهر مبارک بود و نیک و هن باشد و بدنهی دنیا هیچ کس

دریغ ندارند و در خانه پدر و مادر بعزت بود و بنیر لند

مادر و پدر هر کس را خورده باشد اما زنی سنگین کار بود و کار

نیکو کند و میل کند که چهار ماه و بینه اورا در طالع بود لند

اولاد ما بیش و ضرر باشد و در سن اولاد و با و غم رسد

در زحمت اولاد و مالی ببیند اما خداوند این طالع را

همراه باشد روز چهارشنبه و شب یکشنبه در خطر باشد

هر کس را که این نشانه از طالع مهر بود باید علاج کند مبادا

باید این دعا را نوشته با خود دارد بسم الله الرحمن الرحیم

لا غالب و لا یصون و لا یقتدار ان الا الله

ما الکون وننزل من القرآن ما هو شفاء و رحمة

للمؤمنین و لا یزید الظالمین الا خسارا

۵۲ ۲۲ ۱۱۱۱ ۱۲ ۱۱ ۹۹۹ ۵۲ ممم ححح طو ۹

ماه... طالع میزان هر آنکه متولد شود بطالع میزان ...

از مادر متولد شود نیکو روی و سیاه چشم گندم‌گون باریک میان

بلند بالا فراخ سینه بود و میل کند که زن چشم کلان گیرد و در صلح

کند اما از مال خود بی نصیب بود و مال شوهر را آنچه دارد

و میل کند که دروغ گفتن او در سخن رود و دروغ گو را بسیار منع

کند و صاحب این طالع فرزندانش در طالع پنج بود

اما گاه گاه بسته گردد و فرزند او نشود بسبب جله و دلیل

کند که فرزندان او بسبب جله و نظر بد بسیار در رنج باشند

و بسیار آرزوه و لاغر باشند لذا جهت علاج جالینوس

حکیم معجز نماید که صاحب این طالع در گریز در لب خزینه

حمام با کفارات وان معرفت طفل بر سر آید در سیاهنده

آنهم محبت و سرایت و جله بروی اندازد که حامله شود یا آنکه

حامله شود فرزند او را در شکم ساقط کند یا در هفته و یکساله

نابود کند هر که این نشانها از وظاهر شود علاج کند و دعای

ام الصبیان کند و نه با خود دارد و صاحب طالع نشانی برگردن دارد

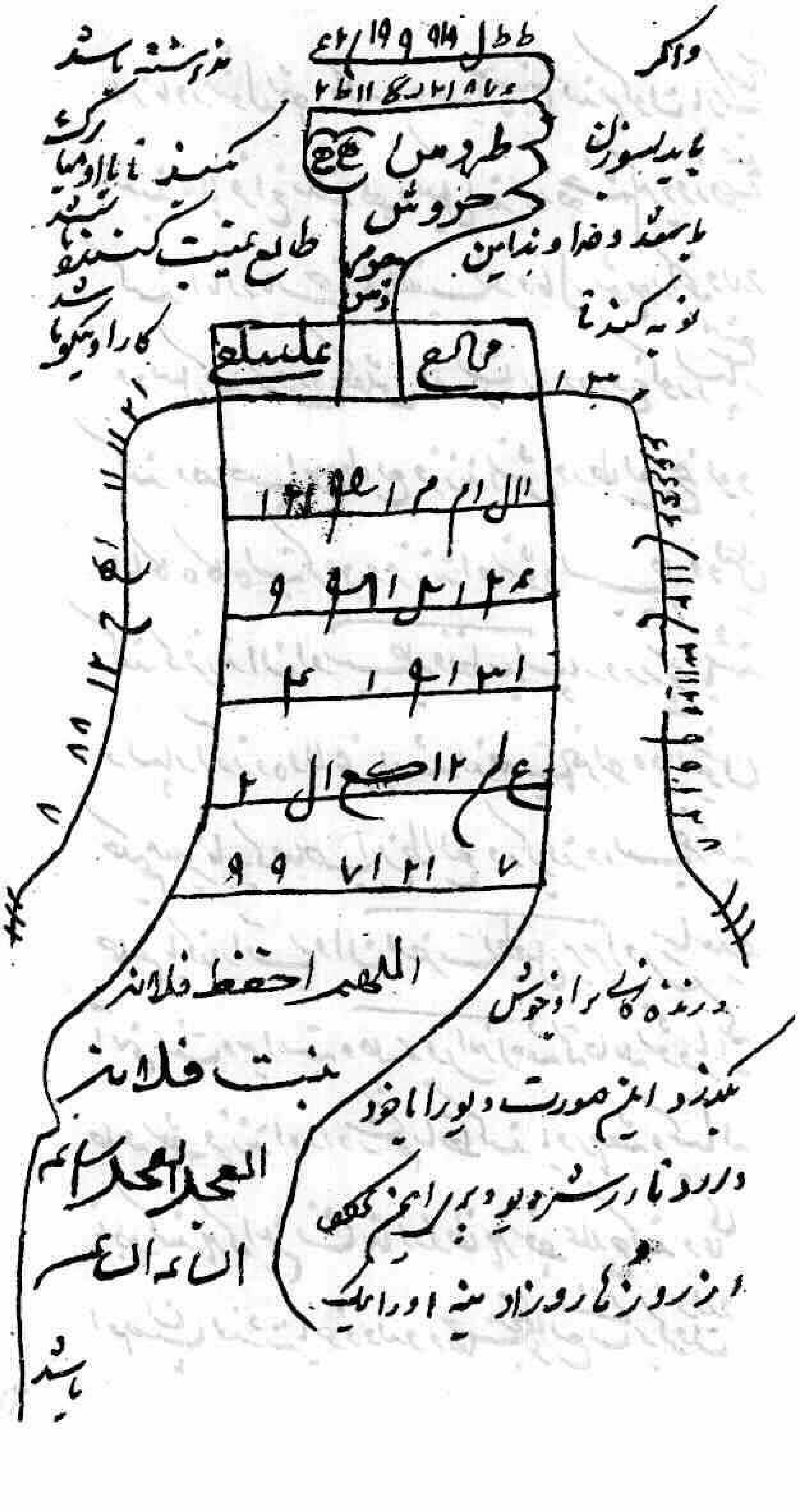
و اگر باید بسوزن باسفند و فدا و ندا این توبه کنند تا

مقرر شته باشد

کنند تا با او مهربان شود

طالع غیبت کنند و

کار او نیکو باشد



درنده های برا و خوش

کنند و این صورت دیو را با خود

در روز نارنج ...

از روز های روز ادینه او را یک

باشد

باشد و لذا ماهی ماه رجب او را سازد و ماه نوروز گردون

نزدیک ماه لقا بینند و قِران او در هفت سالگی و نوزده سالگی

و بیست و نه سالگی بهم حتم گردد و عمر او هفتاد و هفت سال رسد

بعون الله تعالی طالع عقرب بدان رسنکه در طالع عقرب

در مادر متولد شده باشد او را سه وجه باشد وجه اول آمده باشد

مریخ است سرخ روی و بلند اندام و نیکو روی و نیکو خوی و گرد چشم

باشد اگر بوجه دوم آمده باشد مشتری باشد گندم گون سیاه

چشم شیرین زبان باشد و اگر بوجه سیم آمده باشد زهره بود

دراز روی و نیکو قد و قامت بلند و راست گو را دوست

دارنده باشد و میل کند که ده فرزند بیاورد و زیرک فرزند

بماند و لذا فرزند غم بیند و بعضی که با این طالع

باشد که فرزند نیاورند علاج باید کرد تا فرزند آورد و سخت طبیعت

در کرم و سخت و دشمن بسیار دارد و اما ظفر نیابند

همیشه باید این طلسم ماهی سیاه با خود دارد تا از شر دشمنان

دیدگویان ایمن باشد و در نظرها محبوب

کفش وزن سرخ رو و زرد چشم

در بابا او جادو کنند و [illegible]

[illegible] در بابا او بسیار گوید

با طلب السحر و عقد [illegible]

نیز با خود دارد

تا از شر او ایمن باشد

و دیگر از دروغ و بهتان

خود نگاه دارد و در خانه

که آن زن باشد [illegible] ریسمنت و بارکت

باشد و هر فرزندی که از او بوجود آید

فرمش بر مادر و پدر مبارک باشد و دیگر

از نگاه اول بگذرد و یکی کار و دیگر [illegible]

طالع ولدی [illegible] سال او بسی رسد کار او بالا گیرد



و میل کند که مال زیاد بدست او آید همه را بخورد
دوست دهد چنین ماه نویسند نظر بروی دختر نابالغ
نماید تا او مبارک باشد و بهتر از روزها روز یکشنبه
او را سازگار باشد و قران او در دو سالگی و نه
سالگی و بیست و سه سالگی و سی و چهار سالگی بود و چون از
اینها بگذرد عمر او بنود و سال رسد ان شاء الله تعالی
طالع قوس هر که در طالع قوس بود از مادر متولد شده باشد
او را سه وجه است اول مریخ است سرخ و سفید
و تمام بالا و ابرو پیوسته باشد اگر بوجه دوم آمده
باشد عطارد است سر بزرگ بود و بسیار شیرین سخن و خرد
مند بود اما بسیار بزرگ قالب بود و ملامت کشد که غم بسیار
خورد اما خون او را غلبه بکند و سختی در طفلیت کشیده
در زیر کمر مثل ... و اگر بوجه سیم آمده باشد آفتاب است
سخن شنو نباشد و لذت سادات و علما و فضلا و مشایخ کار

او بالا کند و در زیستن زحمتی باو برسد و دلیل کند که زخم

چشم کم رود و در خود صلح کند و دلیل کند که فرزندان آورد

اما کم باشند و پاسبانی باید اما گاه گاه بسته گردد و پس تحلیه

علاج باید یکی تا خوب شود اما خداوند این طالع را آدمی سخن

بسیار باشد خصوص زنی و سراجا دو گفته گوید از نظر شوهر

مفید شوند و دلیل شود باید که بی باک سحر و اسم اعظم

بیاموزد تا در سر او این باشد و او را از زور و سر و شقیقه رنجی باشد

باشد و دعای ... باید بنویسد با خود دارد و چون ماه نو

نظر بروی خود کند و در روزها روز یکشنبه او را بسیار خوش باشد

و قران او در شش سالگی و چهارده سالگی و نوزده سالگی

و چهل و چهار سالگی باشد چون از اینها بگذرد و عمرش به هشتاد

هشت سال رسد ان شاء الله تعالی طالع جدی هر که

بطالع جدی از مادر بزاید بر سه وجه باشد وجه اول سیاه گندم‌گون

چشم گندم‌گون و باریک میان باشد و اگر ... آمده باشد

باشد سرزنگ بالا بلند قد باریک باشد و اگر بهم آمده سرخ رو و زرد مو و گرد صورت بود دلیل کند که برخی چشم کند و برخی صلح کند و صاحب این طالع حلال روزی باشد و حرام او را نرسد و اگر یکدرم حرام در خانه او باشد ده درم حلال ازو ببرد و در امانت و دیانت دار باشد اما در پیش مادر و پدر بد عمر مکرم دلیل کند که فرزند بسیار دارد اما کم ماند و فرزند از سبب چشم زخم در رنج و تباه شود باید که از نظر بد بازدارد و دعای سر تا پا نوشته با خود دارد و نظر بد در بازوی اطفال بندد تا ایمن باشد و خداوند این طالع را زنی دشمن باشد و در حق او بدی کند و جادو نماید و دل سرد میان او و شوهر آرد اندر باید که عقد الملک و اسم اعظم نوشته با خود دارد و او را شوهری باید که طالع حوزا باشد تا با او سازگار باشد و دست کند که تا شوهر کند شوهر آخری با او سازگار باشد

اما خداوند این طالع در نمازگاه‌ها کم کنند باید دروغ نگویند
و نیت کنند تا کار او با تمام رسد باید کردن با پیران او
نشانی باشد و آن نشان سیاه کنی او باشد و ماه اگر بینند
نظر بود سیه تا بالغ کنند و فرزند او در سالها و بسیار سختی
و همه در سالکی و چهل و سه که بهر جنگ کند زد و همه شش نبود و نه
رسد به این سال طالع دلو هر زنی که طالع دلو
از مادر بزاید سه وجه است اگر بوجه اول از مادر متولد
شده باشد بلند بالا و سفید اندام باشد و اگر بوجه دوم
آمده باشد غلط روست گندم گون و بیشتر سخن باشد
در هر کاری باید صبر و رشته باشد و همراه او برسد اگر بوجه
سیم آمده باشد میانه بالا و چهارشانه و بلند بود و خداوند
این طالع شیرین زبان و فراخ روزی باشد و بر دست او
نشانی باشد و آن نشان سیاه کنی او باشد و در هر خانه که
او باشد آنجا نه برکت ... و در زهار و خون ریخت باد

یا د پسر و از حیوانات کژدم او را مبارک باشد و او را

شوهری باید که در طالع آبی باشد تا با او بسیار کار [illegible]

و وصل کند که دو شوهر در طالع دارد و با شوهر [illegible]

[illegible] کند [illegible] باید این طلسم با وی را در روز پنجشنبه [illegible]

و ماه اول [illegible] ماه [illegible] نوشته



با خود

دارد و در

درخت جوز یا [illegible] و

بیاویزد که [illegible]

کرد و شوهر با او [illegible] باشد و [illegible] کند

که شخصی کوتاه قد [illegible]

فربه اندام

زبان با وی دوست باشد [illegible]

دشمن او سست حاسد و در باره او کنند حرف بیهوده در
باب او بسیار گویند باید که صاحب این طالع ایمن نباشد
و دلیل کند که ده فرزند بیاورد و داغ وصلت فرزند
هم در دولت امیر المؤمنین کم بیند و در یک فرزند
نیکوئی بسیار بوی رسد و ماه نو را نظر بروی رسان
نگاه کند تا اثر آن بروی خوش باشد و اندر روز مرفه بود و [پنجشنبه]
وجه او را نیک بود و قران او در [illegible] و معده [illegible] سالگی و
سالگی بود چون بگذرد عمرش بنود سال رسد صدقه دهد
تا [illegible] ایمن باشد طالع حوت بدان که
طالع حوت از مادر متولد شده باشد برج آتش [illegible]
و جهت اول مشتری است پاکیزه و خوش دل بود و اگر
بوجه دویم آمده باشد [illegible] درست گندم گون سفید اندام
باشد و اگر بوجه سیم از مادر متولد شده باشد مریخ است [illegible]
خوش سخن میانه بالا باشد اما بدخو بود و زود خشم گیرد در غضب
مسامحه کند

و ز جهه صلح کند زنی باشد رحم دل هرچه نوید اول درشته باشد
بزبان بیاورد و او را حرام و دروغ نشمارد و میل کند
که از شوهر ارج بود و طبع وی سرد و خشک است و از روی
گرم و نرم خورند نافع است و زنی باشد نیکو اعتقاد و خجسته
و مبارک رو اما دایم در غم باشد از علما و فضلا
منفعت بدو رسد و روز دوشنبه و پنجشنبه او را نیکو بود
و میل کند که از شوهر اول جدا شود و دو شوهر دیگر
کند و مادر پانزده فرزند بود از فرزندان کم روزی باشد
و زن میانه بالا رضاء اختلاط زبان دوستی میکند
اما بدل دشمن وی باشد هر گونه او را بسیار میکند
چون ماه نو بیند نظر در آب روان کند تا برو مبارک شود
بهر در هر خانه که او باشد آنجا نه پر روزی باشد و از وطن
خود بجای دیگر رود و از روز سر رفت دارد باید دعای
نزد بندی ها چون درشته باشد و نگین انگشتر عقیق و یاقوت

کنند و در هجا مهاهفتش و خود رنگ بپوشد و قران او در سالکی

و هفت سالگی و نوزده سالگی و چهل و دو سالگی نوحون لدا

یکه زد عمر او به نود رسد ان شاء الله تعالی در باب طالع شمار

که به شود یا خطر او چگونه باشد باید که بیمار و مادر او را بحسابات :

ابجد دراورد و دوازده طرح کند و بعد از آن به

حساب کند معلوم شود حساب ابجد صغیر و کبیر

آحاد	ا	ب	ج	د	ه	و	ز	ح	ط
کبیر	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹
صغیر	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹
عشرات	ی	ک	ل	م	ن	س	ع	ف	ص
کبیر	۱۰	۲۰	۳۰	۴۰	۵۰	۶۰	۷۰	۸۰	۹۰
صغیر	۱۰	۸	۶	۴	۲	ساقط	۱۰	۸	۶
مئات	ق	ر	ش	ت	ث	خ	ذ	ض	ظ
کبیر	۱۰۰	۲۰۰	۳۰۰	۴۰۰	۵۰۰	۶۰۰	۷۰۰	۸۰۰	۹۰۰
صغیر	۳	۸	ساقط	۴	۸	ساقط	۴	۶	ساقط
الوف	غ	فتبارک الله احسن الخالقین							
کبیر	۱۱								
صغیر	۴								

حمل ثور جوزا سرطان اسد سنبله

میزان عقرب قوس جدی دلو حوت

بدانکه گویند که هرکه بطالع حمل باشد زحمت او در روز شنبه

باشد و زحمت از دیو باد رسیده باشد و نشان آن باشد

که انگشت پا بر سر اندیو نهاده و نام خدای تعالی برده اگر خواهد

از آن زحمت خلاص شود باید زهره کلاغ سیاه با آب ...

در زیر دامن او دود کنند تا ان شاء الله به شود این است

۱ ۴۸ ۸۴ ۴۸۸ ۲۳۳۱۲ ۱۲۱ ۲۴ ۳ ۱ ۷۸ ۲۱۰

طالع ثور بدانکه گویند که هرکه با بطالع باشد زحمت او

در روز سه شنبه بود و زحمت از دیو سیاه کوتاه قد سرخ موی

کافری باد رسیده و اندیو فرزندی داشته این کس پای

سر فرزندان دیو گذاشته اکنون [illegible] دایم بنالد

باید که قدری روغن قران کندم بکشند و سنبیده در زیر سر کنند و

تا صبح تصدق بمحصن مستحق دهد و چوب صندل و نیل و زعفران

دعا در زیر دامن دود کنند و تا چهارده روز قران دارد
چون گذشت چهارده روز نیکو گردد به شود بعون الله تعالی
۱۰ ۳ ۱۴ ۱۲ ۱۰ ۶ ۱۸ ۱۲ ۸۹ ۲ ۱۴۲ ۹ ۱۴ ۲ ۳ س ۱۴ ۱۴

طالع جوزا برزاد گوید که هر که در طالع جوزا باشد
هر آنکه رنج او در روز پنجشنبه باشد از دیو کافری [illegible]
بوده رسیده را آن دیو دو سر دارد و یک سر او چون سر مرغ
و سر دیگر او چون سر سگ باشد این کس بر سر آب رفته
دیو در خواب بیند یا بر سر آن گذشته و او را آزار رسانیده شاید
ایشم بادی بوی رسیده که از این جهت سخن بیهوده و هذیان
میگوید تا ده روز قران دارد اگر خواهد از این رنج خلاص
شود باید که گندم هفت خانه نمک بیاورند و او را نان کنند و بخورد
بهتر شود و شفا یابد ان شاء الله تعالی طالع سرطان برزاد گوید که
بطالع سرطان بیمار شود دلیل کند که زحمت او در روز
پنجشنبه خوابیده در زیر درخت [illegible] رو باغ او رفته

ازان سبب سرش درد میکند وچشمش باریک ومزاج او

تلخ طبع حکما فرموده اند که در روی وی سیر خشت وخیار

چنبر ودرازیانه وموبیز سیاه باشد همه را باهم بکوبد

وسه روز ناشتا بخورند وپوست را باید تا در زیر دامن

او دود کند ۱۱۰۱ سن ۷ ۱۳و ۱۰ ۱۰۵ ۲۳۴۲ ۵ ۹۱۱

طالع اسد پیر زرد گوید که هر که بطالع اسد بیمار شود

زحمت او در روز چهارشنبه باشد دزد دیوی که سر بهنگ

دیوان رست وجای او در مکان خاک روبه وخاکستر باشد

چون کسی را ببیند که طعام خورند و نام خدا تعالی نبرده باشند

اندیو زحمت با ورساننده ونشانه آن باشد که رنگ او

زرد باشد اگر خواهد که از این رنج خلاص شود باید تخم کاکنی

سفید با صبح حنا سائیده مجموع سرشته کنند و بخورند و تا کاه روزه

روز قرآن داریم این طلسم را با زعفران و سفیده تخم در زیر دامن او دود کند

۱۰۷۸ ۳۲ سن ۱۲ ۲۳ ۱۲ ۸ ۱۲ ۸

طالع سنبله برزاد گویند که هر که بطالع سنبله بیمار شود

باشد و میل کند که زحمت او در روز پنجشنبه رسیده است

و زحمت از دیو بالا بلند که جای او در کوهستان باشد

در روشنائی کار خود را با و نموده و نشان او آن باشد

که دست و لرز کند اگر خواهد که از این رنج خلاص شود باید موی

سر آدم سیاه رنگ و چوب انار با این دعا در زیر دامن او دود کند

۲۲ ۲ ۳ ۵ بحه ۱۰ ۲ ۸ ۹ ۹ ۹ ۹ [illegible]

طالع میزان هر آنکس که بطالع میزان باشد و میل کند

که زحمت او در روز آدینه پیدا شده و بکشی بر سر آب روان

رفته و با بر سر دیو گذاشته آنهم زحمت بوی سایه‌نده نشان نه

آن باشد که میلش بغذا نکشد و دایم تن او سنگین باشد اگر

خواهد که خلاص شود باید قدری خاک از چهار راه برداشته

و قدری آب از چشمه که رو بقبله باشد بردارد و خاک را

با آب مخلوط کند غسل کند بعد از آن موی سیاه با صندل

و زرنانه

در ازمانه با این طلسم در زیر دامن بچه نماید به بخور

دنه بندها عرق کنند ۴۲۱ ۸۱۲۱۲ ۸۸ ۴۲۲ ۹ ۲۵ ۴ ۵ طالع

عقرب پریزاد گوید که زحمت او در روز چهارشنبه باشد

در زدیو بگیه مقام در رهگذر خانه باشد اکنس با ترس او

گذر شده آنهم زحمت بوی ترسانیده اکنون لرزد در وجلیه

اندام نالد و حرف بیهوده بسیار گوید اگر خواهد که ازین

رنج خلاص شود باید از پنج خانه آرد و نمک بستانند

و او را سه نان کنند یکی بر سر چهار راه گذارد و یکی

سگ سیاه دهد و یکی را خورد شفا یابد و پوست نارنج

و صندل با اسفند امیزیها در زیر دامن بچه کنند

۲ ۴ ۸ ۴ ۲ ۳ ۲ ۱ ۴ ۲ ۹ ۹ ۹ ۹ ۹ ۹ ۹ ۰ ۰ ۰ ۰ ۰ ۰ ۰

طالع قوس پریزاد گوید که هر کس که در طالع قوس باشد

زحمت او در روز سه شنبه ظهر باشد در زیر درخت میوه

دارد خواسته بود از ان سنگ بران درخت انداخته

اندر بو منزل در زیر اندر زحمت در شته والبک بدان
اندر بو خورده اهم زحمت بوی بیا بنده اکنون شکم سر
و دل و ناف وی دائم درد میکند و اعضای او
سست شود اگر خواهد که ازین درد نجات یابد
برگ انگور سیاه و برگ زیتون و برزگ با اندجا
در زیر دامن دود کند به شود انشاء الله تعالی

[illegible]

طالع جدی دیگر او گوید که هر که بطالع جدی بار
شود زحمت او در روز دوشنبه پیوست و مقرر
از دیو کافری باشد اندر تو دو سر دارد چون مار
هر دو دست و پای او کشیده از آن جهت از خون و جمله اعضا
بنالد اگر خواهد ازین رنج خلاص شود باید سم خون
پوست [illegible] با این طلسم در زیر دامن دود کند که شفا

[illegible]

طالع دلو برزاد گوید هر کس که بطالع دلو متولد باشد

مضرت از دیو سیاهی باشد و مقام آن دیو در کهستر و زیر

پل و در میان طویله باشد و صاحب این طالع در اینجا ها

گذر کرده و نام خدا تعالی نبرده باشد بسبب زحمت باو رسیده

و در درد جمله اندام مینالد وقتی حال او خوش و وقتی

ناخوش باشد باید که موی بز کوهی و پوست زنج و پوست

مار با اسفند یکجا در زیر دامن او دود کنند انشاءالله شفا یابد

۲۱۰ ۱:۱ ۴۱ ۱۲ ۱۱ ای س لا ۳ ۹۹۹۹۹ ٥٥٥ ه ۱۱ ٥

طالع حوت برزاد گوید که هر کس که بطالع حوت باشد چرا که زحمت

او در روز شنبه باشد و این و این کس پا بر سر فرزند پریزاد گذاشته

که او را شکسته و دوست او را مجروح نموده آن هم زحمت باو

رسانیده نشان او آن باشد که کمر و شقیقه و دران دست

او درد میکند و دایم بنالد اگر خواهد که ازین رنج خلاص شود

باید استخوان ماهی و پوست مار با اسفند یکجا در زیر دامن کند

کند ۱۲۱۲ ۸۴ ۸ ۲۴۲ ع ۲ ۸ ۸ ۱۸ ۱ ۲۴۲ ۹۵ ع م

نقل است که هفتاد و دو دیو در نزد حضرت سلیمان علی نبینا و علیه السلام
آوردند و هر یک حضرت او دیدن که مخلوق میرسانیدند بعرض
رسانیدند و هر او دعا را آنها بنزد بحضرت عرض کردند

در فرزند هفتاد و دو دیو

دیو اول علاج جامه بریدن پاپا کردن و هر زنه که عاشق زن بچه

دیو دوم علاج زبان در آمیختن نود

دیو سیم علاج کودکان که بسیار گریه کنند

دیو چهارم علاج خون از دهن و بینی آمدن گویند

دیو پنجم علاج دست و درد و کر شدن بنی آدم

دیو ششم طپانچه زدن و هر کس عاشق و بعضی عقل گویند

دیو هفتم علاج چهارپایان مثل اسب و استر و شتر و غیر آنها

دیو هشتم علاج زنخ بدن و جمله اندام او فرسوده

دیو نهم علاج اطفال که ترسند و دهشت باشند

دیو دهم علاج نک دیوانه که ناگاه بر آدم ستوی نماید

دیو یازدهم علاج درد شکم و قولنج نماید

دیو سیزدهم علاج آدم مصروع و دیوانه نماید

دیو پانزدهم علاج زبان درد و ورم او گوید

دیو هفدهم علاج درد شقیقه و فارسی چشم گوید

دیو نوزدهم علاج کسی که همیشه رنجور باشد گوید

دیو بیست یکم علاج مار نشود کشتن و دیو [illegible] نماید

دیو بیست سیم علاج صلح میان زن و شوهر نماید

دیو دوازدهم علاج کبت در صورت زنان و کک پیش ان گوید

دیو چهاردهم علاج درد گلو و دهن گوید

دیو شانزدهم علاج سگ دیوانه گزیده گوید

دیو هیجدهم علاج او که بی عقل باشد و هزار گوید

دیو بیستم علاج باد سبش و دیوانگی نماید

دیو بیست دوم علاج تب لرزه و خیال [illegible] نماید

دیو بیست چهارم علاج زنی که بچه را در شکم ناقص کند.

دعوی بیست پنجم علاج آدم دیوانه که دشنام دهد

دعوی بیست ششم علاج درد گوش نماید

دعوی بیست هفتم علاج درد ریه [?] و درد معده نماید

دعوی بیست هشتم علاج رنج اطفال کنند

دعوی بیست نهم علاج [illegible] اطفال در روز و شب بار [?]

دعوی سی ام علاج دیوانه و مصروع که کف کند

دعوی سی و یکم علاج [illegible] و در زیر بدن اندام نماید

دعوی سی دوم علاج مفلوج و سستی اعضا نماید

دعوی سی و سوم علاج [illegible] زبان و درد گلو بود

دعوی سی چهارم علاج درد همه اندام و بدن ماند

دعوی سی پنجم علاج ریش بدن و سر آورده باشد

دعوی سی ششم علاج ضرر و هر کسیکه در خانه بیمار باشد

دعوی سی هفتم علاج کسیکه کف بر لب آورد و پیوسته هیچه دهن باز کند [?]

دعوی سی هشتم علاج طفلی که همیشه بیمار باشد و بیمار او در رنگ شد نماید

دیو سی نهم علاج درد گلو و صفرا گوید

دیو چهلم علاج ترس و خوف نماید

دیو چهل یکم علاج دل سردی و عداوت گوید

دیو چهل دوم علاج گسیختن [illegible] لبنه باشد گوید

دیو چهل سیم علاج زنانکه فرزند را حفظ کنند

دیو چهل چارم علاج [illegible] و زانو نماید

دیو چهل پنجم علاج وسوسه و بچه و [illegible]

دیو چهل ششم علاج درد و رنج میان گوسفندان

دیو چهل هفتم علاج [illegible] و سودای [illegible]

دیو چهل هشتم علاج درد [illegible] و کرده

دیو چهل نهم علاج [illegible] و [illegible]

دیو پنجاهم علاج [illegible] نماید بچه به قوت باشد

دیو پنجاه یکم علاج درد اعضای انسان

دیو پنجاه دوم علاج جنگ در میان مردمان

دو پنجاه سیم علاج ریشش
ناسور را گویند

دو پنجاه چهارم علاج خارش
چشم و اندام

دو پنجاه پنجم علاج برسیدن
و لرزیدن گوید

دو پنجاه ششم علاج درد
معده و درد شکم

دو پنجاه هفتم علاج درد دمله
هفت اندام

دو پنجاه هشتم علاج درد گوش
و درد دل گوید

دو پنجاه نهم علاج لسعه
استغراق و غشیان ها

دو شصتم علاج لسعه
نیز سبد و عبرزد

دو شصت یکم علاج دیوانه
که خود بخود بخندد

دو شصت دوم علاج ادرک
اندام او زرد شود و ملا کرد

دو شصت سیم علاج زن و شوهر
که با هم کار زنا کنند

دو شصت چهارم علاج زرد آب
و صفرا بینید

دو شصت پنجم علاج دیوانه
که دندان بهم ساید

دو شصت ششم علاج ریگ بهم موی
و ریزه و شق شدن گوید

تتمه

دیو هفتم علاج طفلیکه هر ساعت بدیک برمی کند | دیو هشتم علاج طفلیکه که گریه بسیار کنند

دیو نهم علاج کسیکه زیاده از حد لغو سخن گوید | دیو دهم علاج زنیکه حیض او بسته کند

دیو یازدهم علاج طفلیکه که شیر نخورد | دیو چهاردهم علاج نقصان بچه و همه ... دشنه باشند و ضرر بر آدم و رسیدن منفعت

والله اعلم بالصواب و علیه التکلان

باب احوال دیوهای عفاید و کاندهای اول

نقل است که او را نزد حضرت سلیمان آوردند فرمود او شصت گز طول حضرت فرمود چه نام داری و مقام تو کجا باشد و چه رحمت بمردم رسانی دیو گفت یا نبی الله ماوای من در زمین باشد و در خانهای مردم روم و کار من آنست که بروی خود بمردم نمایم تا بترسد و از خواب برپرد و سخن نا تمام گوید و جامه بر تن پاره کنند و دست پای خود را

بدبه زنان فرو کرده هر ساعت روی خود را بدو نماید تا حال

او بدتر شود و از خود بیخبر شود اگر نه علاج او بکنند

هم مرگ بچه سلیمان فرمود که ای ملعون علاج او چه بود دیو گفت

قدری سرکه با تخم مرغ باهم بیامیزند و نیم سوار از اندام او

بکشند و گلاب با بو و نیم [illegible] بگوش نشانند تا سه روز بچه ها که

بخورد بوی خوش با اسفند دود کنند و در روی سهیل باد بخورانند

که او را نافع باشد دیو دویم او را نزد حضرت سلیمان آوردند

فرمود که ای ملعون تو چه نام داری و جای تو کجا باشد دیو گفت

بردم زحمت [illegible] دیو گفت یا نبی الله نام من شماس [illegible]

و جای من در میان زنان باشد و بدی من آنست که مهر ایشان

با مهر [illegible] گرم کنم تا فعل بد بکنند و بچه دان ایشان

بسته شود و آبستن نشود سلیمان گفت ای ملعون علاج

او چه بود دیو گفت دست خرس و زهره گرگ و منقار

خروس را باهم بکوبند و روغن مخلوط نمایند در پشم شتر

شکوه برگرد چون از حیض پاک شود و ناشو هر جمع شود

وبار کرد سپاه دانه و راز یا بخ برنز و اقن جمله کنند

دیو سیم ور پیش حضرت سلیمان آوردند فرمود ای ملعون

چه نام داری مقام تو در کجا باشد دیو گفت یا نبی الله

نام من ملکوک دیو است و جای من در سر گهواره

طفلان است و کار من است که بچه که تنها باشد من او

را هم خود با بره همان بچه افکنم و باد بر روی وی دمم چنان که باد و زرد

رنگ او سیاه شود و کف بر دهان آورده اندامش بلرزد

سلیمان گفت ای ملعون علاج او چه باشد دیو گفت موی خرس

و اسفند در زیر دامن او دود کنند و مشک و نعناع و تخم کدو

و تخم خیار و انار دانه و موی سیاه معجون نموده باو دهند

شفا یابد دیو چهارم را نزد حضرت سلیمان آوردند

فرمود که ای ملعون چه نام داری و مکان تو در کجا باشد دیو

گفت نام من سحران دیو است و جای من در همه دوکان

میباشد و غذای من آن باشد که چون ناگاه بزرگ شکم کودکان
و در نظر ایشان درآیم تا بیمار شود و کف برآورد و بیهوش شود
و خون از بینی او روان شود سلیمان گفت علاج
او چه باشد دیو گفت سپندانه و پوست خایه مرغ و تخم
ریحان و آب سیر که با هم صلایه کنند و قطره‌ای از آن آب
در دهان و بینی کنند و زاغ یا مار و یا پشم بکوبند
و بر بالای دیدگان نهند که مجربست دیو پنجم
نزد حضرت حاضر کردند گفت ای ملعون چه نام داری
و مقام تو در کجا میباشد دیو گفت یا رسول الله نام من
عفریت دیو است و مقام من در خرابها میباشد هر کسی
بی نام باری تعالی نباشد مضرت باو رسانم و اگر بیمار شود و علاج
علاج نکنند و بر او نجات نباشد حضرت فرمود چه باید کرد
معالجه او را دیو گفت زهره خرگوش و زهره مرغ سیاه
مخلوط نموده در بینی چکانند و این تعویذ را نوشته بر وی بندد و

شفا یابد بسم الله الرحمن الرحیم یا نور علی النور یا ان

هو نعم النصیر و کونوا الی الله و جاء بعبد الوا حد

اللهم صل علی محمد و آل محمد یا الله الاحد

۱۱۸ ۵ ۱۱۱ ۴۴ ۹ ۴ ۵ ... ۹۱۱ ۲۲۲ ۹۹ ۹

دیو ششم در نزد حضرت سلیمان آوردند فرمود که ای ملعون

چه نام داری و مقام تو در کجا باشد دیو گفت یا نبی الله نام من

سعدان دیو است و مقام من در لب آب روان و خانهها باشد

چون مردم سر و پا برهنه از خانه بیرون روند و نام خدا تعالی

نبرند چون خواسته باشم او را هر بلا که زنم چو درد افتد و تمام

تا بترسد و بلرزد و در رنج افتد و وسوسه در دل او

افتد از عقل ناقص شود سلیمان گفت علاج او چه باشد دیو گفت تعویذ

نماید و زهره گاو با آب کاسنی در بینی چکانند و دعا تا خود

در رو بسم الله الرحمن الرحیم حرها لوطا و سعا سوال

طا و مان عماهم کوبا موصوله ائن ام عم نوبا.

و بعد الساعة اللهم یا کاشف الضر و الالم

یا خالق اللوح و القلم و القوهات علی العطاب المحق

لا اله الا الله ۷۵ ۹۰ ۹۱۹ ... ۱۲ ۹۱۹۷ ... ۴۳

۹۹۰۰۰ ... [illegible]

[illegible]

[illegible] برحمتک یا ارحم الراحمین

دیو هفتم در نزد حضرت سلیمان آوردند گفت نام

دری و جای تو در کجا باشد دیو گفت یا نبی الله نام من شمر اطراش

و مقام من در زمین شوره دار و مقابر حیوانات باشد

هر طفلی که در آنجا گذر کند چنین ضرر با ورسانم عیب و علت هوا

یکی خود بخود بخواب رود یکی بهم بهم و هذیان گوید یکی خوراک

گم کند یکی دل او بدرد آید هر حیوان یا آدمی که از من آسیب یابد

مربوط هر شهر علاج کنند گوگرد و پوست مار و زهره ...

که در زیر او دود نمایید نمک طعام بزند در دماغ حیوان نماید

و این دعا در گردن حیوان بندد نافع باشد بسم الله الرحمن الرحیم

له طاله مها طلا تمعنا سعا حواعو که اعضاته

عند اللهم اسئلك باسمائك العظیم المخزون

المکنون المطهر القدوس المبارك والحی

القیوم یا ذو الجلال والاکرام برحمتك یا الله

۷۲۸۸۲۶۴ ۵۷۲ ۲ ۴۲ ۱۸۱ عمو ۱۱ ۹۹ له ۱۱۱ ۸۸۸

والی ۸۸۸ و بحق العرش العظیم یا رحمن یا رحیم

دیو هشتم در نزد حضرت سلیمان آوردند و سوال کرد که ای ملعون

چه نام داری و مقام تو در کجا باشد دیو گفت یا رسول الله

نام من ذنوح است و مقام من در خرابها باشد ضرر من

آنست که نفس خود را بمردم دمم تا بیهوش شوند و همه اندام

ایشان درد کند سلیمان گفت که علاج او چه باشد دیو گفت

زهره گفتار و پوست آهو در زیر دامنش دود کنند و این دعا را

بر شانه گوسفند بنویسند با خود دارد و شفا یابد انشاء الله

بسم الله الرحمن الرحيم الله نور السموات
والارض مثل نوره كمشكوة فيها مصباح المصباح
في زجاجة الزجاجة كانها كوكب دري يوقد
من شجرة مباركة زيتونة لا شرقية ولا
غربية يكاد زيتها يضيء ولو لم تمسسه نار
نور على نور يهدي الله لنوره من يشاء ويضرب الله
الامثال للناس والله بكل شيء عليم

دیو نهمر در پیش حضرت سلیمان آوردند فرمود که ای [illegible]
چه نام داری و مقام تو در کجا باشد دیو گفت نام من ربیع
دیو است و جای من در کوهها و بازارها باشد چون کسی
بی نام خدای تعالی راه رود بادی در دماغ او دمم تا زبانش
ورم کند و سرش درد آید علاج او سپند و خردل سرخ
کوبیده جوشانیده در بینی او چکانند ایمن و [illegible] با خود دارد
شفا یابد بسم الله الرحمن الرحیم لا اله الا الله

جمعه

محمد رسول الله علیاً ولی الله یا قادر یا وهاب

بحق انه من سلیمان وانه بسم الله الرحمن الرحیم

دیو دهم در نزد حضرت سلیمان ع آوردند و فرمود که ای ملعون

چه نام داری و مقام تو در کجا باشد دیو گفت یا نبی الله نام

من صفران دیو است و مقام من در چشمه های آب باشد

و ضرر من آنست که روی خود با وی نمایم تا از هوش

بروند و رنگ ایشان تغییر کند سلیمان گفت علاج او چه باشد

دیو گفت مرغ سفید این دعا را بنویسد با خود دارد در شفا یابد بخور

بسم الله الرحمن الرحیم هو هو الا الی الا الا الا الا الا

عصاً عما و لا یضر مع اسمه شیئ فی الارض و لا

فی السماء وهو السمیع العلیم سبحان الله والحمد لله

و لا اله الا الله والله اکبر و لا حول و لا قوة الا

بالله العلی العظیم یا رحمن یا رحیم برحمتک یا ارحم الراحمین

۲۶ ۱۱۱ ع ۱۱۱ م یا رب دیو یازدهم

من انفسکم عزیز علیه ما عنتم حریص علیکم با
المؤمنین رؤف الرحیم فان تولوا فقل حسبی الله
لا اله الا هو علیه توکلت وهو رب العرش العظیم

دیو سیزدهم در پیش حضرت سلیمان آوردند فرمود که نام
تو چیست و ضرر تو بر بنی آدم چگونه باشد دیو گفت یا نبی الله
نام من چهارگیسو بود و مقام من در رگهای آدمی باشد
و [illegible] من این است که ناگاه آدمی [illegible] استسقا [illegible] کنم
چنانکه جامه بر تن بدرد و بیهوش شود و بار دیگر بهم رساند سلیمان گفت
علاج چه باشد دیو گفت اسم اعظم باری تعالی را بنویسند و در قدح
کرده و در آب اندازند از آن آب بدو خورانند و دعا را در سر بندد
که شفا یابد دیو چهاردهم در نزد حضرت آوردند فرمود ای ملعون
چه نام داری و مقام تو در کجا میباشد گفت یا نبی الله نام
من هزخون است و مأوای من در سر کوهها باشد و بدین من آدمی را
که زبانشان را بسته گردانم تا سخن نگویند و دو [illegible]

سلیمان گفت ای ترخان علاج او را چه باید کرد گفت زهره ماهی

و زرنیخ را در آب با نطلیم اندازند و در دماغ او چکانند

شفا یابد بعون الله تعالی ۹۲۱۲۱۳ ۹ ۱۱ ع و ۲ و ۹

۱۹۱۱۱

۱۱۱ ۴ ۱۲ ۱۱ ۹ ۹ ۹ ۹ ۱ ۹ ۱۹ ۱۱ ۵۵ ۵ ۵ ۱۱ ۱۱ ۳ ۲ ۲

دیو پانزدهم در نزد حضرت سلیمان آوردند فرمود که ای ناکار

نام داری و مقام تو در کجا میباشد دیو گفت نام من صلصال

و مقام من در آسیابها باشد و ضرر من مردم آنکه خود را مردم

نمایم تا مردم ایشان را برآورند و بیت دابر شوهران و پا

ایشان درد آید اندام گداخته و رنگ ایشان زرد و ریشه او ببرد

آید حضرت فرمود علاج او چیست دیو گفت زهره گرگ

با زهره روباه در بینی او چکانند تا نفع باشد ان شاء الله

دیو شانزدهم در نزد حضرت آوردند فرمود که ای ملعون

چه نام داری و مقام تو کجا باشد دیو گفت یا نبی الله نام من

موجودین است و جای در سر چشمهها باشد ضرر من اطفال و مردم را

دو دیگر

او نیست کتم و حرز من این است که که نفس جوزا ببردم و هم

تا چشم ایشان سرخ شود و خارش کند و آب برود و درد و سعطه

پدید آید چنانچه بی طاقت شود سلیمان فرمود علاج او چه باشد

دیو گفت باید که زهره بز و زاغ و ضفدع را در زیر سر و حنظل

محکم کنند و دعا را در موم کرده و با آب باید کند و آنرا در چشم وی

مالد و گویند که شفا یابد بسم الله الرحمن الرحیم

ا ه ااا و ااا ۹ لا و ط ط ه م ر ه ۲ ه ۱۱.۲ ۴ ۱۱۱ ۲ ۱ ۹ ۱۱۱ ۹ ۹ ۹

اا سو ۹ ح ۳ ه ه ۹ م ط ه ح لا اا و ما بانام فلان ابن فلان

دیو هفدهم نزد سلیمان آوردند حضرت فرمود ای دیو

چه گونه او میرا میری و حرز تو برا او چگونه باشد دیو گفت چون نام من ا

دیو هست و جای من جزیره ها باشد و بدی من بر آدم

السلام که چون مردم در یکجا جمع شوند عقل ایشان ببرم

تا هرزه گویند و تن ایشان درست باشد سلیمان گفت علاج

او چگونه باشد دیو گفت زهره خارپشت با نبات مصر

در سهام آهسته در بینی چکانند به شود دیو هجدهم در نزد حضرت حاضر کردند

فرمود ای ملعون چه نام داری دیو گفت نام من مرطون دیو است

و هنر من آنست که بادی دمم تا مفلوج شود و در رنج افتد

و معاش نیستند گردد سلیمان گفت علاج او چه باشد دیو گفت

زهره شتر و پیه خر گفتار را بهم بیامیزد و در بینی چکانند و بعد آن را

نوشته با خود دارد شفا یابد انشاءالله بسم الله الرحمن الرحیم

انه من سلیمان و انه بسم الله الرحمن الرحیم ان لا

تعلوا علی و اتوا مسلمین ١١٢ ٤ ٩ ٩ ٩ ٥ ٥ ٧٥ طح

١١ ١١ ٢٥ ٣ ٣ ٥ ١ برحمتک یا ارحم الراحمین

دیو نوزدهم در نزد حضرت سلیمان آوردند فرمود ای ملعون

چه نام داری و مقام تو کجاست گفت یا نبی الله نام من مازون دیو است

و مقام در گورستان باشد و هنر من بر آدمی آنست که چون مردم

بخوابند زبان ایشان را بسته گردانم سلیمان فرمود علاج او چه باشد

دیو گفت زهره گرگ با نبات بکوبند و در گوش چکانند تا بهتر شود

تا سه روز بدین موجب ادامت نمود شفا یابد دیو پلیتیم

و را نزد حضرت آوردند فرمود چه نام داری و مقام تو در کجا

در آوردند چگونه حضرت [illegible] دیو گفت یا نبی الله نام من جمهور است

و جای من همه وادی میباشد و حضرت من بر آدمی آنست که عقل

مردم را ببرد سلیمان فرمود علاج او چگونه باشد گفت زهره

مرغ سیاه با زهره روباه درهم کند و اندر غار [illegible]

گوسفند بپوشند و در زیر زمین دفن کند شفا یابد به اذن

بسم الله الرحمن الرحیم اهیا شراهیا اذونی

اصباوت ال شدای جا توالی رحمن العالمین

سراسلام مطوس [illegible] دیو هشتم را نزد حضرت سلیمان

آوردند فرمود چه نام داری مقام تو در کجا باشد گفت یا نبی

نام من [illegible] است و جای من در جزیره و [illegible]

بر آدمی [illegible] آنست که مردم را بیفشارم تا اندام ایشان [illegible]

آید [illegible] حضرت [illegible] فرمود [illegible]

بر تو باد علاج او چه باشد دیو گفت پوست نارنج در کجنیل کوبند

و کوزه آب او دهند شفا یابد و این عمارا با خود دارد

بسم الله الرحمن الرحیم بسم الله الشافی بسم الله الکافی

بسم الله المعافی بسم الله لا یضر مع اسمه شیء فی الارض

ولا فی السماء وهو السمیع العلیم

دیو بیست و دوم نزد حضرت

سلیمان آوردند گفت چه نام داری و بدی تو بر آدمی چگونه باشد و علاج

او چه باشد دیو گفت یا نبی الله نام من زیتون و دوست جای

من در همه جا باشد و بدی من اینست که اگر کسی بی نام خدا بنشیند

باشد من او را طپانچه زنم که مغز سرش آشفته شود و سرش درد آید

و فالج شود و هر چه خورد باید همه را اندازم تا هلاک شود و بعد از آن سلیمان

گفت علاج او چه باشد دیو گفت زهره خوک با چشم گرگ گوسفند

بر دماغ کشد و چیزی بر آتش اندازد و دود را بدهد و این دعا

نوشته با خود دارد شفا یابد بسم الله الرحمن الرحیم

ولا حول ولا قوة الا بالله العلی العظیم ۲۲۲۲۲۲۲۲۲۲۲ ۲۱

[illegible]

[illegible]

دیو بیست و ششم را بحضرت سلیمان آوردند فرمود چه نام

داری و چه کار تو در کی میباشد و آدمیرا چگونه میرنجانی دیو

گفت یا نبی الله نام من فرقون دیو است و دین من اینکه

نفس بر عورتان دهم تا فرزند ایشان خطا باشد و بچه

بیندازند سلیمان گفت علاج او چه باشد گفت علاج او اینکه

باید که سفند تازه بستاند که ناخن آدمی باو نرسیده باشد این

طلسم را با شیر او بنویسد و در حلقه پنهان نماید عود و صلیب

با پنج سنجد سائیده با سنبله بخور دهد ولد و بسم الله الرحمن

الرحیم قدوس قدوس هو هو هو سبوحا

بسبوحی بحلال جبرائیل و میکائیل و اسرافیل

و عزرائیل [illegible]

دیو چهلم را نزد حضرت سلیمان آوردند فرمود که ای ملعون
چه نام داری و آدمیزاد را چگونه میرنجانی دیو گفت نام من شماسل
حلوبیت و جای من در حجرها باشد و بدی من برادر و فرزند است
که هر لحظه ایشان را در وسوسه اندازم که گاه گاه کار با ساکنه
و عمه ایشان سر زند حضرت فرمود علاج او چیست دیو گفت
یا نبی الله علاج آنست که ناخن و موی سر آدمی با زیره سیاه
و تخم کتان در زیر دامن او دود کنند و اسپند عمانه انگشته با خود دارد
شفا یابد انشاء الله تعالی دیو چهل و یکم را نزد حضرت سلیمان آوردند
فرمود که ای ملعون چه نام داری و مقام تو در کجا باشد و آدمیزاد را
چگونه میرنجانی دیو گفت نام من شمعاق است و مأوای من در
پیش خانه آدمی باشد و بدی من آنست که زنان را بی عقل کنم
و ابله و نادان تا حرم نقیب آنکه از خانه برهنه بیرون روند و رسوا شوند
حضرت سلیمان گفت علاج او را چه باید کرد
دیو گفت سپند در زیر دامن او دود کنند و اسپند با سلاد در نام زرد

و ربا رو ببندد که شفا یابد هوهو هوهوهو حسبی ودا

موسی ۲ [illegible]

و دیوست هفتم در نزد حضرت سلیمان آوردند و بود نام

داری و مکان تو در کی میباشد و آدمیزاد تکوینه زحمت میرسانی

و دیو گفت یا نبی الله نام من طیطون و دیو باشد و جای من سر گهواره

اطفال است هر زنی که بچه را در گهواره اندازد

من او را زحمت رسانم که در یا ... اوقات گاه خندد

و گاه بگرید که ... پرسید که علاج چیست و دیو گفت باید چوب

صندل و برگ توت در زیر دامن او دود کنند و دعا

تعویذی را در بازو ببندد که شفا یابد و ان یکاد الذین

کفروا لیزلقونک بابصارهم لما سمعوا الذکر و یقولون

انه لمجنون و ما هو الا ذکر للعالمین و ننزل من القرآن

ما هو شفاء و رحمة للمؤمنین و لا یزید الظالمین الا

خسارا [illegible]

۱۱۲۱۲۳۳۳۳۲ ۹۹۹ ...

دیو بیست و هشتم در نزد حضرت سلیمان آوردند فرمود که تو چه نام داری
و مقام تو در کجا باشد و از آدمیزاد چگونه زحمت می‌رسانی دیو گفت نام من
سرطون دیو است مقام و جای من در همه جا باشد و بدی من
بر آدمی رسد که روی خود را بمردم نمایم تا بترسد و از خواب
جستن نماید همیشه روی ایشان زرد باشد گفت علاج چگونه باشد
دیو گفت نمک طبرزد و عدس و ریشه درخت بادام و بودنه
در زیر دامن او بخور کنند و روغن گاو سیاه و کبریت را با هم
ادویه در بینی او بچکانند دیو بیست و نهم در نزد حضرت آوردند فرمود
چه نام داری و مکان تو در کجا باشد و مضرت تو چیست دیو گفت
نام من [illegible] است و من در همه جا حاضرم کار من آنست که مردم را
دیوانه گردانم چنانکه گفته شد آوردند سلیمان گفت علاج او چه باشد
دیو گفت که شنبلیله از روغن گاو و هم بجوشانند و در بینی او بچکانند
و گشنیز و تخم کاسنی و پوست انار در زیر دامن او دود کنند مقابله شد

[illegible]

انشاءالله تعالی دیو سیام در نزد حضرت سلیمان آوردند

فرمود چه نام داری و جای تو در کجا میباشد دیو گفت

نام من زماس دیو است و جای من در خانها باشد و هنر من

همین است که خود را بمردم افکنم تا از من بترسند سلیمان گفت

علاج او کدام است دیو گفت روغن گاو و گشنیز با هم بکوبند

و در بینی او چکانند و گشنیز و پوست انار و عاقرقرحا ماز و دود گیاه

در نزد او دود کنند شفا یابد باذن الله تعالی دیو سی یکم در نزد

حضرت سلیمان آوردند فرمود چه نام داری و مکان تو کجا

میباشد و اذیت تو کدام است دیو گفت نام من ناموس دیو است

و مقام من در میان صحراهاست و هنر من این است که سایه

خود را بر سر مردم افکنم تا بترسند و بلرزند و بیهوش شوند سلیمان

گفت علاج او چه باشد دیو گفت زهره ماهی با روغن گاو

گرم کنند و در بینی او چکانند و موی بز با سفند در نزد او دود کنند

شفا یابد انشاءالله تعالی دیو سی دوم در نزد حضرت آمد گفت

ای دیو نام تو چیست و مکان تو کجاست و چه اذیت بمردم میرسانی

دیو گفت نام من مرال است و مکان من در بیابانهاست

و بدی من اینست که گلوی طفلان را بگیرم که زبان ایشان گنگ شود

و درد دل پیدا کند سلیمان گفت علاج او چه باشد دیو گفت مورد

و کلاه بادنجان و موی سر در زیر دامن او دود کنند و این دعا را

با خود دارد و شفا یابد ادحض بمعفوتك من کل

دابة و دونك انه علی دابة تبارك الله و تعالی

اکفم باسم الله العالی الله الحکیم

و بحق انه من سلیمان و انه بسم الله الرحمن

الرحیم دیوی سیم در نزد حضرت سلیمان اوردند گفت

ای پلید تو چه نام داری و مقام تو در کجا باشد و بدی

تو چه باشد دیو گفت نام من دلشنان دیو است و جای

در گورستانها باشم و بدی من این است مرد و زن را دیوانه

سازم تا اخر ایام ایشان اثر پیدا کند سلیمان گفت علاج او

چه باشد

اودچه باشد دیو گفت بنویند صینی با روغن گاو و زینی بمالند

با موی گربه سیاه و زنگار در زیر دامن او بخور کنند و اثر آن محو شود

بر خود ببندد شفا یابد یا دبطا هو یوه عمد لغشی

صمت مند حبی ملا حاله ما اسو احد بد صکل بالا

اا هو طح صح طو ها لها لعما طح طمس طود

خا طوم بنان حفظ ادوی اسد بود با لحا

و مددی بدانی بکل ملهم ساطاخ الا

دیو سی چهارم در نزد حضرت سلیمان آوردند از معون خوار

نام تو چیست و مکان تو کجاست و ضرر تو با طفل که آدم است

دیو گفت نام من طغرل است و مقام من در هوا است

و بری من آنکه که چون طفل بر سینه کشند نام خدا نشنیدی

مر او را طپانچه زنم که بیهوش شود و رنگش زرد گردد سلیمان گفت

گفت علاج او چه باشد دیو گفت یا نبی الله زرده چشم مرغ وحشی

دبه طبرزد و مار و با گل سرخ و کودک با روغن دینه

همه را بهم کشند و بجوشانند و در سرکه بیضه شتر او را تر کرده

پوست او را پاک بیضه بمالند و در آخر سینه مار و رستم کار

سوزانند و روغن کوکنار و پنبه تازه در وکنند و بر سر آلت نهند

دیو پری عجیم نزد حضرت سلیمان آوردند فرمود که ای ملعون

نام تو چیست و مکان تو کجاست و هنر تو کدام است دیو گفت

مقام من در خانها باشد و نام من قهرمس است و هنری من

این است در هر خانه که نام خدا نباشد و نماز و روزه نکنند

من در آنجا نظر کنم و خود را نزد ایشان در آرم تا از عبادت خدا

دور باشند و کار نکنند علاج او چون [illegible] شود و مثل [illegible]

با عنبر هر شب جمعه در خانه دود کنند و این دعا را در خانه نگاه دارند

این است دعا بسم الله الرحمن الرحیم اللهم انی اسئلک

برکة و رزقه و توبة قبل الموت یا هادی یا کافی

یا معافی یا ارحم الراحمین یا ولی المؤمنین یا [illegible]

المسیحی

المستغیثین لعنتی دیوی ششم نزد حضرت سلیمان آمد

فرمود نام تو چیست و مقام تو کجا باشد و بدی تو چیست گفت

یا نبی الله مقام من در کوهها و بیابانها باشد و نام من میراک دیوار

بدی من آنست که کسی که نام خدا تعالی نبرد او را هلاک کنم و در جعد

نام علاج او مغز خوش و مغز بادام و تخم خرزهره و آلو با تخم

جز در عسل آتش بیه کوفته و بیخته بخورند سم الاغ و گوسفند

با ناخن دست و پا در زیر دامن دود کنند نافع است

دیوی هفتم در نزد حضرت آوردند فرمود که ای دیو جای

تو در کجا باشد و نام تو چیست و ضرر تو بر آدمیزاده چگونه است

دیو گفت یا نبی الله نام من سندروس است و جای من

در راهها باشد بدی من آنست که چون فرزند آدمی تنها

باشد و بی حرز و نام خدا تعالی باشد من خود را بدو نمایم

تا بترسد و بلرزد سلیمان گفت علاج او چه باشد دیو گفت این

طلسم را با خون مرغ نوشته در سر چهار راه در سنگ پنهان کنند

۹ بعد از آن دیو سیم در خدمت حضرت آوردند

فرمود که ای ملعون چه نام داری و مقام تو در کجاست

دیو گفت یا نبی الله نام من کلموج است و مقام من در سر

چاهها باشد سایه خود بر سر مردم افکنم چنانچه بسیار

کم کند علاج او برگ زیره و سیاهدانه در زیر دامن او

دود کنند و امید عار را با آب بنوشند یا بدین اسمای

یا مید عی یا مید یه بلا ء اهیا شر اهیا اصباو

الـ سدای یا جنی اعلام دیو چهارم نزد حضرت

آوردند فرمود ای دیو نام تو چیست و مقام تو کجاست

و ضرر تو به مردم چه نوع است دیو گفت نام من غیران دیوار است

که مردم را بخود رنجه کنم و زن و مرد را از هم بیزار گردانم

میل به دیگران کنند و عمل بد از آنها صادر شود علاج او آن است

کاسنی یا موی گربه در خانه دود کنند یا خود دارد و تا در بستر

را نشیند این کلمات اعوذ بک لا اله الا الله محمد رسول الله

علیاً ولی الله الحجة الجبار واعوذ بک من الدنیا

والاخرة ۲۹۳۲۴۱۱۲ ۱۱۸۱۱ ۹۴۸ ۹ ۸۸ ۸۴۲۲

دیو چهل یکم در نزد حضرت آمد فرمود چه نام داری و مقام تو کجاست و چگونه ضرر میرسانی دیو گفت نام من قحطان است و مقام من در کوهها میباشد و بدی من است که زن و مرد را بسته کرده‌ام تا سخن بگویند و خاموش باشند و خنده بسیار کنند فرمود علاج او چه باشد دیو گفت چو دل صحرایی و لاله کوهی بلا در زیر دامن ایشان دود کنند و این دعا با خود دارند شفا یابند اهیا شراهیا هیا هو

۹۸۸ ۸۸ ۱۱۴۸۸ ۹۹۲۲ ۸۸۸ ۸۸

دیو چهل دویم نزد حضرت سلیمان حاضر کردند حضرت فرمود در کجا باشی و نام تو چیست و مقام و بدی تو برادمی چگونه است دیو گفت جای من در خانها باشد و نام ملمول است و کار من اینست که هر جا زن

که هر جا زن حامله بینم نفس خود را برا او دمم تا فرزند
در شکم خطا کند و بیم آن طهر که هلاک شود سلیمان گفت علاج
او چه باشد دیو گفت و دیو گفت یا بنی الله اینه عاجز خود
در دو شفا باید یا حی یا قیوم یا لا اله الا انت
سبحانک انی کنت من الظالمین
شفاء شفاء وننزل من القرآن ما هو شفاء
ورحمة للمؤمنین ولا یزید الظالمین الا خسارا
تعلموا وعلی الله توکلنا مسلمین دیو چهارم
در نزد حضرت سلیمان آوردند حضرت فرمود نام تو
و مقام تو کجا باشد و کار و ضرر تو چیست دیو گفت
مرا ... گویند مردم را که برهنه در آب روند ببینم
برایشان دست یابم و دست برایشان رسانم تا در رنج و
درد و لکن گاه درد پدید آید سلیمان گفت علاج او
چیست دیو گفت تخم کرفس و روغن کاو بکوبانند و در

بکانند در زنج باریشه کاسنی در زیر دامن او بکشند

و امید عاجلا با جود دارند شفا یابد لا هد الا الا

سد سد سبد هو هد هد سس هو وقدان ولا

حول ولا قوة الا بالله العلی العظیم

دیو چهارم

نوع حضرت آوردند فرمود نام تو چیست و مکان

تو کجاست و ضرر تو چگونه است دیو گفت یا نبی الله

نام من .... دیو است و جای این در .... گاه

باشد و کار من این است که مردم را در .... و وسوسه

اندازم تا .... باشد و در دل .... کنند و .... باشد

گویند سلیمان گفت ای ملعون علاج او را چه باید کرد

دیو گفت یا نبی الله چرک گوش با کردکان .... و خصیه

رزد آلو و تخم ریحان در زیر دامن او بکشند این دعا را

تا جهد دارند شفا یابد لا دهواه ل ه بده لهو

فهو لمکن واه طهر العبادات استدعی

استدعا اعلم ۸ع م ۹۱ ۸۱۱ع ع ۱۱۱ ۲ ع س ۹ ۹۹۲۴

۱۱ ۱۱ ۱۱ ۹ ۲۴۹ دیو چهل ششم در نزد حضرت آوردند

حضرت سلیمان فرمود ای دیو نام تو چیست و مقام

تو کجاست و ضرر تو بمردم چگونه است دیو گفت

یا نبی الله نام من مرقوریث و مکان من در ممر و رهگذر

آسیب من مردم و زن رهگذران چیز زنند مخصوص

رف و مرد در میان انسان نزاع و دل مردم را از لذّت

چنانکه از هم بیزار شوند گفت علاج چه باشد مرقود

گفت ریتو و حوت ... سفید در زیر دامن او دود

کنند و امید عار از من اجوز و از دامن شوند ...

انه من سلیمان و انه بسم الله الرحمن الرحیم

الا تعلوا علی و اتونی مسلمین ۸۹۴ط ...

دیو پنجاهم در نزد حضرت آوردند حضرت سلیمان

اورا دیدند مانند مرغی و دو سر داشت یک سر مانند کبوتر سفیدی

و سر دیگر مانند مرغ فرمود ای ملعون نام تو چیست

و جای تو در کجا باشد و بدی تو بر مردم چه باشد

دیو گفت یا نبی الله نام قمری است و جای من در بیابانها

باشد و بدی من آنست که عقل از مردم گم کنم

سلیمان گفت علاج او چه باشد دیو گفت مغز گردکان

و مغز بادام و زیره سیاه در هم سرشته بخورند

و پوست مار و خار مغیلان در زیر او دود کنند

علاج شود دیو چهل و هشتم در نزد حضرت سلیمان

اورده‌اند حضرت فرمود گفت نام تو چیست و مکان

تو کجا باشد و ضرر تو بمردم چه نوع است دیو گفت

نام من بیراس است و مکان من در سر بام است

و آدمی که بر بام صدا شنیدکه باشد چون صدا آمد سر بام

برآید من اورا بوسواس و ضعف بدا افکنم تا از بام

بزیر افتد

بیزار شوند و بیهوش شوند سلیمان گفت علاج او چه باشد

دیو گفت این دعا را بنویسند در آب بشوید و آب

در سر کنند که شفا یابد لا السهرلی و ها

سیا الشیا و صبوحا الصبوح رب الملائکة

ما الروح ۱۱۱۶۹۹۴ ۱۱۲۱۲۱۲۱۴۲۴ ۹۹۹۹۹۹۹

۱۱ ۱۱ ۱۱ ا ۶۶۶ هو هو هو هو هو هو ۶۶۶۶

۶۶۶ دددددد ۱۱۱۱۱۱ ۶۶ دیو دیگر

در نزد حضرت سلیمان آوردند حضرت فرمود نام تو چیست

و مقام تو کجاست و حرز تو چه نوع است دیو گفت

نام من طهماس است و جای من در باغها می‌باشد در سر

آب روان و بدی من آنکه در تن مردم حلول نمایم

تا کاهل شوند چنانکه نه بیارو نه تن درست باشند

سلیمان گفت علاج او چه باشد دیو گفت ریزه‌ای پاک دیگر

و حرزها با نام محمد و ح عنهم بنوشتند شفا یابند و این دعا را

با جود وارد شفا یابد یا رب یا مالک الملک

لیز لوک کوچکولی ما شاء الله کان و لا حول

و لا حول و لا قوة الا بالله العلی العظیم شهد

شهد ان لا اله الا الله و اشهد ان علیا

ولی الله یا رب العالمین دیو پنجم هم در نزد حضرت

سلیمان آوردند حضرت فرمود نام تو چیست و مسکن تو کجا

و ضرر تو چگونه است دیو گفت نام من شماس دیو است

و مقام من در دستان خانه باشد من کسی که آورده

کنه با هم نفسی باو دهم تا درد پشت و کمر پیدا کند علاج او

حنظل را در آب پزند و آب او را در او را دارم بالند خوب شود

دیو ششم ده یکم در نزد حضرت سلیمان آوردند صورت لکات

زشت و مهیب علیه گفت ای ملعون نام تو چیست

و مسکن تو کجاست و ضرر تو بمردم چگونه است دیو گفت

نام من شوشن دیو است و بدی من آنکه مردم بهم آورم

تا در میان زن و شو هر جنگ شود سلیمان گفت علاج او

او چه باشد دیو گفت در میان جنگ لا حول و لا قوة الا بالله

العلی العظیم بخواند بعد از آن بسفند و بر آتش بخور کند

و اسپند عارا در خانه پنهان کند تا ایمن باشد بفرمان الله

بسم الله الرحمن الرحیم

وان یکاد الذین کفروا لیزلقونک بابصارهم

لما سمعوا الذکر و یقولون انه لمجنون

وما هو الا ذکر للعالمین ۱۱۱۴ ۲۴۴

[illegible] ۲۲ ولا لا لا هو هو ۱۲۱ ۹۹ ۹۲۴

دیو سیاه دیدم در نزد حضرت سلیمان آوردند فرسو

ای دیو چه نام داری و مکان تو کجا ست و ضرر تو در مردم

چگونه است دیو گفت نامم فرقش دیو است و بدی

من آنست که زخم بدی در بدن مردم پیدا آوردم علاج

او اسپند عاسا با شکرعود او بخور [illegible]

و دراب اینزر دو ار زان آب کوزد و قدری بر ریش بمالد

شفا یابد ۹۲ ا ۸۸ ح ط ۹۲۲ ۸۱۲ ۴۸۴ ۴۸۴ ۸ ۸۸ ط ا م

۱۱ م م ۹۹ ۲۲۲ ۳ ۸۸ ۵ دیو نیاسیم در نزد حضرت

سلیمان آوردند حضرت فرمود علاج نام تو چیست و مکان

تو در کجاست و ضرر تو بمردم چگونه است دیو گفت نام

من زرکش دیو است و مکان من در خاکستر گاه باشد

و دیگر من دسته طفلان هر زن را بیاسیم تا همیشه اش جارش

کنند و سرخ شود علاج دسته ناخن آدم قوچ گوسفند را

در ره نیرد آتش دود کنند و اینعمار را بخود رسد شفا یابد

شراهیا الحی حق اسوه الاول والاخر

والظاهر والباطن وهو بعد شیئ م ۱۱ م

۴ ۹۹ ۷ ۸ ۸ ۲۲ ۱۱۱ دیو چهارم نزد حضرت سلیمان

آوردند حضرت فرمود نام تو چیست و مکان تو کجاست

و ضرر تو بمردم چگونه است و دیو گفت نام من قشر دیو است

و مکان من

مقام من در سر را بهما باشد و مری این دسکه چهار تا یه
بر سر مردم افکنم تا به حیوت برسند و مبرزند و بیهوش
شوند سلیمان گفت علاج او چه گونه باشد و گفت بپه
روباه با زهرهٔ روباه بابت بنیا بیند و در بینی چکانند
و اینها با خود دارند شفا باید اهمد اهمد اهمد الله
الشفاء الکافی لسنقلق اح احه ۲ ح ۱۱
حا ۸ ۱۱ ۲ ۱۱ ۴ ۲ ۱۱ ۲ ح ۱۱ ح د د هو هو هو هو
دیو بیهٔ پنجم نزد حضرت سلیمان آوردند و دو بال داشت
حضرت فرمود نام تو چیست و مکان تو کجاست و چه کنند
بمردم رسانی گفت نام سمکو رست و مقام من در
خانهای خالی باشد و ضرر من بمردم آنست که عقل از مردم
ببرم و درد شکم باو ظاهر نمایم علاج آنکه صندل
و برگ زیتون و مغز بادام و موی سری که بشانه فرود آید
در زیر دامن حقه کنند و این دعا را در زیر پا بروی است بنند

شفا یابد ۱۱۱۱۲ ۱۱۱۱۹ ۱۹۹ ۱۱۱ مو م س ه ل

ه ۲ ۱ و س ح ح ح لا دیو نیچاه ششم نزد حضرت سلیمان آمد

حضرت فرمود چه نام داری و مقام تو کجاست و ضرر تو

بمردم چیست دیو گفت یا نبی الله دیو گفت نام کهماکس دیو است

در سر کوهها مقام من است و هر کامین آنکه مردم را رنج آید

و بیمار کرد ایشان چنانچه در رنج افتد سلیمان گفت علاج او چه باشد

دیو گفت شانه گوسفند و پنبه دانه در زیر پا سوزد و دود کند و امید آن را

مشک و زعفران بنوشته با جو دو لد شفا یابد سطر این است

ا بو کا و مکا طا مو حنا هو هوا کو د سا دد سوا

ححح مسل حق سکسل عما ند ند سر سر

سر س سر س سر ۲ ۳ ۴ ۵ ۷ ۸ ۱۱۱ ۹۹۹۹ ح ح ۸

ککلا دیو نیچاه هفتم در نزد حضرت آورده‌اند حضرت فرمود

چه نام داری و مقام تو کجاست و اذیت تو بمردم چه نوع است

دیو گفت یا نبی الله نام من زعفر دیو است و مقام من

و مقام در نزدیک بنی آدم است و غرض من از اینکه دزد کوش

و درد و دل میبردم اکنون سلیمان گفت علاج او چه باشد دیو گفت

قدری اسفند و موی گربه در زیر دامنش دود کنند که

شفا یابد و دهند عاما با جود و درد یا الله یا محمد

حق تو طلا با محمد واد اود سرهد بدهاحد

شکوا بتقا افع اتع ۲۲۲ ۹۹۹ ممم

۰	۲	۰	۲	۶	۱	۲	۴	۹	۹	۲	۰	۲	۱
۲	۰	۲	۰	۳	۵	٤	۲	۲	۱	۵	۲	۴	۱

ک ۲ ۱۱ و او م ط وو الا دو دو رو دو سو ۳

دیو نهم پیش حضرت سلیمان آمد حضرت با و فرمود

چه نام داری و مقام تو کجاست و غرض و اذیت

تو مردم چه نوع است دیو گفت یا نبی الله نام من

ریماق دیو است و مقام من در گورستان ها باشد و دیدگی

من اینکه چون از گورستان ها عبور کنند زنند مردم و در ریح اندازم

پیوسته رنجور و بیتاب باشند و عبادت و طاعت حق تعالی را

لهذا دل ایشان محو گردانم علاج آن آب کاسنی را با مایه خرگوش

در بینی او چکانند و این دعا را با خود دارد به شود باسم

۱۲۳ ۱۱ ع ۱۵ ۲ ۱۱ ۱۱۹ ع ع کا م ط ا ع ع ۱۱ ع ع ع ع سو ۸

۱۲ ۲ ۱ ع ۱۱ ح ح ح ع ۲ دیو پنجم در نزد حضرت سلیمان

آوردند حضرت فرمود چه نام داری مقام لوکی

مضرت تو بمردم کدام و علاج او چیست دیو گفت نام من

کاستول است و مقام من در سقف خانه ها باشد و ضرر من

آنست که مردم را بترسانم که همیشه خائف باشند علاج آنست

که این طلسم را با خود دارد شفا یابد باذن الله ۱۱۹۲۱

۱۲۳ ۲ ع ع ۱ ۸ ۱ ۱۱۱ ۱۱۱ ک الله ۲۲ ۸۹۹۹ ۱۱ و سو لا م

دیو ششم معه را در نزد حضرت سلیمان آوردند حضرت

فرمود نام تو چیست و مکان تو کجاست و ضرر تو کدام و علاج

تو چیست دیو گفت نام من شامکوت و مکان من در محل میرز

و سست اعضا باشد و ضرر من آن است که هراسی در دل مردم اندازم

بی سبب کشند و درد گردن و سینه پیدا کنند و سبب

دختران بهم رسانید علاج چنین است و عمار انبوسید با خود دارد

الع الع الع الخ صر بمر بحم سا انحت طمعر ح

ه ٢ بمر م دام داه ح ح ح ٨ ٨ ٨ د و ه

دو ششم نزد حضرت آمد پرسید از وی چه نام داری

و مکان تو کجاست و ضرر مردم چه نوع میرسانی گفت

اوصیبت و نوکهنه نام طارف است و مقام من

در دور خانهها باشد و بدی من آن است که چشم کسی را برهنه

بینم و نام خدا بر زبان نراند باد ی بر روی دهم تا اعضای

ایشان مرده آید و خارش پیدا نماید و رخسارها او زرد

و سیاه گردد علاج او مطبوخات و منضجات مسهل

و حقنه کند و اینها را با خود دارد و شفا یابد یا نه که

٥ ۱۱ ٥ ۱۱۱ موف اصبا وک ا ذ و لح ا لا لا

ادوخ ۱۱ ۱۱ ۱۱ ۱۹ اوم ۱۲۱۲ ۱۱۱ ۱۱۱۹ ۱۱۱م

۱۱۲ ۱۱ ۱۱ ۱ ۴ ۱۱ من الله و سلاف اسله ...

محمحمحمح ا دیو شقمته ی نزد حضرت سلیمان آمد

حضرت ازو پرسید چه نام داری و مقام تو کجاست

و ضرر تو بمردم چگونه است دیو گفت یا نبی الله نام من

هزبر است و مقام من در میان رخت خواب زن و شوهر است

هرگاه بی نام خدا تعالی با هم جمع شوند در میان ایشان

جدائی اندازم و عداوت افکنم حضرت گفت علاج او چه باشد

دیو گفت هر اینرا ... با خود دارد ... شوهر او ... مهربان گردد

در ... ۹۹ ۱۱ ۱۱ ۴۲۹ ... ۱۱۱ ۹ ۸ ۱۱ ۹ ۹

۱۱ ۸ ۱۱ ۸ ... ۹۹۹ ۱۱۱ ... ۲ ۳

... ۱۱۱ ... ۱۱ ... ۱۱۱ و ح

بسم الله الرحمن الرحیم بسم الله العظیم بسم الله ... و بسم الله ...

بسم الله و بالله من ... و ما ... سعود ...

(حاشیه:) ... الله العظیم

دیو شصت و سیم نزد حضرت آوردند حضرت پرسید نام

داری و مکان تو کجاست و ضرر تو بمردم چه نوع است

دیو گفت نام من عماس دیو است و همیشه مونس آدمیزادم

ضرر من آنکه بر اندام آدمی ورم آورم که زرد آب از او

نزار و سست کند اگر علاج نکند هلاک شود سلیمان گفت علاج او

چه باشد دیو گفت یا نبی الله مغز زرد آلو و ریشه نرگس

در زیر مرد دمنش جمع کند و ابذی را با خود ولد و شفا یابد

۸۸ ۱۱۱ ۸۷ ۱۱۷ ۱۱۴۴ ۷ ۴۹ ۹ ۹ ۹ ج ۴ ۲

۲۴ ۹ ۹ ۹ ۴۴ ۱۱۱ ۹۹۹ ۱۲ ۵۵ ۸ ۴ ۹

دیو شصت و چهارم نزد حضرت سلیمان آوردند حضرت فرمود

نام تو چیست و مکان تو کجاست و بدی تو بمردم چه نوع است

دیو گفت نام من پرکوک است و مکان من در سر خاکروبه

میان خانه است و ضرر من آنست که پری بر مردم زنم که

شوند و دندان بهم سایند علاج آنکه تخم خربزه و دهند

و چوب گز در زیر دامن حه کند و اینه بیمار را با خود دارد

شفا یابد و ننزل من القرآن ما هو شفاء و رحمة

للمؤمنین و لا یزید الظالمین الا خسارا

دیو گفت پیغمبر دراز و حضرت آورد و بند حضرت فرمود

نام تو چیست و مکان تو کجاست و ضرر تو بمردم چگونه رسد

دیو گفت نام من شاهک است و مقام من در پیش خانها

باشد و ضرر من آنست که هر که طعام بسم الله نه بجا نکند زند و

من آب دهن بر او اندازم هر که از او بخورد در رنج امید

و بیمار گردد سلیمان گفت علاج او چه باشد دیو گفت آب

گز در اندام وی بمالند و این بیمار را با خود دارد شفا

یابد من سکن هو الذی لو اهیا شرا اهیا

سمعوا باذن الله ۱۱ ۱۱ ۱۱ ۱۱ ۱۱

۱۲ ۱۲ ۱۲ ۱۲ ۱۲ د ا د ا ۱۲ ۱۲ ۹ ۱۹ ۱۹ ۱۹ ۱۹ ۱۹ ۱۹

۲۲ ۹ 222 هو هو هو دیو گفت ششم نزد حضرت

حضرت سلیمان آوردند حضرت فرمود نام تو چیست و مکان
تو کجاست و ضرر تو بمردم چه نوع است دیو گفت نام
نام کارم است و مکان من در خانها باشد و ضرر من آنکه
مو را در سر انسانها بریزانم و نرویانم سلیمان گفت علاج
او چه باشد دیو گفت قدری روغن مورد و آب چغندر
بازرده تخم مرغ با هم بسایند و در سر بمالند موی برویاند

دیو شصت و هشتم را نزد حضرت سلیمان آوردند حضرت فرمود
نام تو چیست و مقام تو کجاست و ضرر تو با مردم چه نوع است
دیو گفت نام من نمرافیست و جای در روم و مونس اطفالم
ضرر من آنست که بچشم طفل را از جهت سیاهم که زرد رنگ
زرد شوند و هر ساعت رنگ برنگ شوند سلیمان گفت علاج
او چه باشد دیو گفت با همیاله این دعا را بنویسند

در شرح نام اینم کیفی کلمه ابراهیم فرابو ماسو

طلس طاالیحا الیح عمه یا هب ۹۹ اا ۲۹

لیحو لیح

۲۲ اا اا اا عمه س و اا بمه دیو گفت هشتم ترکوت

سلیمان آمد حضرت از او پرسید چه نام داری و مکان تو

کجاست و عمل تو چگونه است دیو گفت یا نبی الله نام

من عمطور است و عمل من آنست که مردم را معصیت و ضلالت

کنم و معاصی نمایم که کار بد لذت آنها نظیر رسد سلیمان

گفت علاج او چگونه است دیو گفت هر که اسند عار آیا

دیده در شرح نام اینم کیفی سیا و سوماهن کوم

نام هو کو کوهن ۹۹۹ اا ه د اا ه اا ه اا ه اا ادل

دیو گفت نهم نزد حضرت آمد حضرت از نسپید چه نام داری

و مقام تو کجاست و ضرر تو بمردم چگونه است دیو گفت

یا نبی الله نام من سلنقر است و عمل من آنست که خود را بر

رنگ‌ها مردم بر بندم و حالت بر بسان بیابانم تا دیوانه شوند

شود حضرت سلیمان گفت علاج او چه باشد دیو گفت زرشک

نخه را در زیر دامن او دود کنند و این دعا را با خود دارد شفا

یابد حاسب با بهبودی صادث ٢٢٢١٣١ ١١ م ٩ ١١٩ ام

٣٠ ٩٩٩ ٣١ ٩ م م م ـــــ دیو هفتم در نزد حضرت آمد

از وی سؤال کرد که اسم تو چیست و مکان تو کجاست و ضرر تو

بمردم چگونه است دیو گفت یا نبی الله نام من جمهور دیو است

جای من آتشکده و دیم در سر راه مردم نشینم چون کسی

بگذرد وسوسه بر دل او افکنم که کرد حلال خود بگذرد و به

حرام بازارد و از وی عمل بد صادر کرد سلیمان گفت علاج

او چه باشد دیو گفت هر گاه کسی از خانه بیرون آید بگوید

اعوذ بالله من الشیطان الرجیم بسم الله الرحمن الرحیم

و این طلسم با خود دارد ٢٢٢ ١١١ ٩٨ ٢ ٩ ١٢١ ٩ م م ١١١

٩٩١٩٦ ـــ دیو هشتم در نزد حضرت سلیمان آمد حضرت

سؤال کرد که اسم تو چیست و مکان تو در کجاست

و هر زن تو بمیرد و بچه گونه است گفت یا نبی الله نام من

خناس است و مکان من در ویرانها است و کار من آنست که

نفس خود را بر مردم رسانم تا بیهوش شوند و دیوانه گردند

علاج او این دعا باید و لیکن بر خانه باید و بر کاغذ

مس سفید نویسد و شسته آب او را بخورند خوب گردد

احیا شراهیا کیا و کیفا طا سوصانت

اصانت الوذولی وانه من سلیمان وانه بسم الله الرحمن الرحیم

ع ۲ ۷ ۲ ۱ ۲ ۱ ۲ ۱ ۸ ۲ ۱ ۲ ۱ ۲ و س ط ح ۸ و

دیو هفتم در نزد حضرت سلیمان آمد و دید که این دیو

نام تو چیست و مکان تو کجاست و عمل تو چگونه است

دیو گفت یا نبی الله نام من حسام است و کار من

یا نبی الله آنست که هر که در خواب بجهد و آرام نگیرد

در صحبت من بیند در عالم خواب سایه خود را بر او اندازم

که درد رسد و از خواب بجهد سلیمان گفت علاج او چه باید

پوست صندل با زهره اصغر وردان ادا ابنید بخوانند

شفا یابد ۲۲۲ ۳۳۳ ۹۹۹ ججج ححح طا طا طا

ککلا ههههه هه هه

فال نامه

هرانکه این فال نامه حضرت امیرالمؤمنین ع حضرت خضر بود که هر که نیتی داشته باشد در این فال نامه انگشت بنهد اول سوره حمد با قل هو الله احد بخواند و چشم خود برهم نهد و انگشت نهد معلوم خواهد شد که احوال

زهره	مریخ
آفتاب	زحل
مشتری	قمر
عطارد	ذنب

اگر ماندگی آن زهره باشد / نزار دز دوستی ها بهره باشد

اگر عقدی بود اندر حیاتت / مبارک منماید یمن وصالت

اگر حظ کنی از نسب فرزند / ببابی رفعه بذ فضل خداوند

اگر میل سفر داری تو در صحبت / امید خویش خواهی کرد حاصل

اگر زانجام خویش جوئی / قرارش رفت باشی در [illegible]

ای خداوند فال هر نیتی که کرده بر آورده و خیر گفته

اما دو دل هستی و میل کند که در روز کاری تازه

و تو پیش خواهی گرفت و بنای در کار تو خواهی کرد ممکن

که خوب باشد و از مصائب حزم و خوشحال شوی و از شر

دشمنان ایمن گردیده اما تصدق در هر ماه تو باید داد

که تصدق رفع کننده بلاهاست و اسم مریخ

چه آمد ز فال تو [illegible] مریخ آمد / حذر مکن که [illegible]

حذر مکن اندر این نیست که دارد / کرمی همه تر او در هنر داری

اگر از غائب محبوب جوئی / پریشان [illegible] این جوئی

فال

اگر تو خسته و مهست ملال ولی دل دیگر روید بود

ای خداوند فال بدان و آگاه باش که حال تو را

پریشان می‌بینم و چند روزی که طالب چیزی هستی

تا هشت روز دیگر از این سبب خوشدل باشی و دلیل

کند که خرید و فروش اصلا خوب نباشد اگر کنی ضرر

و پشیمانی بینی اگر از برای عقد و نکاح باشد نیکو باشد

و کار سختی تو را در پیش آید که صرافت نمایی اما نزد

شخصی سرخ صورت دیگر به چشم خود را بپرهیز

تا در امان خدا باشی

طالع آفتاب

چه شمع فال تو میل آفتاب است   دل دشمن ز رشکش [illegible]

ترا [illegible] می‌بینم ز اقبال نیکو   نشاط [illegible] شد

اگر خواهی که [illegible] گردد و پیوند   به [illegible] خوشحالی خجسته

سفر گر میکنی [illegible] فال   بسی آمدی فراوان مال [illegible]

ای صاحب فال بدان و آگاه باش که [illegible]

بر تو مبارک و طالع تو از نور و همسر برآید و بزودی

بر مطلب خود خواهی رسید و ببینید که با جمیع دوستان

عیش و عشرت خواهی کرد و از بزرگی منفعت

خواهی یافت و اگر بیماری داری شفا خواهی

یافت درد او از گرمی و تخمه و از زرداب باشد اگر

از برای دزد دزد دیده باشد دلیل کند که انشاءالله

متاع بدست آید و در شخص سفید چهره میانه بالا انشاءالله

خوشحال گردی و نیکویی بینی

زحل

زحل آمد چه در نیت نقابت — بیا تا رنت گویا حالت حمله

دلت بگرفته و خاطر پریشان — نداری دل خوشی از قوم و خویشان

تحمل کن در این نیت که کردی — که تا از وی نه بینی روی زردی

ای خداوند فال بدان و آگاه باش که زحل چون نقابت

آمده ستاره بزرگ است و نحس و دولتمندان درد

و مطلب و امیدی که داری بزودی بر آمده خواهد شد

ورنه

و از همه غم و اندوه خلاصی خواهی یافت و اگر نیت

شوهری داری نیکو است و میل کند که از شخص دیگری

که او را ندیده باشی از مژده او شادمان باشی و اگر

از و زندیده یا گم شده نیت داری رفته بدست آید

و اگر نیت شریکی و کاری از نو داری بکن که بسیار

خوبست و آخر احوال تو به خوبی است والله اعلم

چه آمد مشتری در فال هدهد ... به طالع بر سر انگشتری اوراست

که خواهد داد و نت حق نعمت و ناز ... به خوشی ها شوی با عیش و مباز

از این مقصود جستی از تن شد ... که تا ایمن شوی از مکر آفات

اگر دل خسته داری شفا یابد ... ز رنج و خستگی دیگر نیابد

سفر هم خوب باشد گر نیابد ... به دولت آید و خوشنود آید

ای صاحب فال بدان و آگاه باش که شرف ساعت

دولت شدن و بزرگان باشد از غم و اندوه خلاص

خواهی شد اگر موبدی و منتظر وردی مهیا کند

و اگر شخصی که دوری او در گذشته باشی از مژده او شاد و شادمان

شوی و اگر گم کرده یا دزد دیده یا گریخته باشد بزودی

آگاه شوی و خبری بتو رسد نظم

چه فال خویشتن در ماه بینی تمام دشمنان در چاه بینی

یقین شد رستگاریت برآمد فراغت یافت از هر رنج جانت

بحمدالله که رنج و غم گذشته باشد حسودت میکند بر فرق خود خاک

دلت شد ز هر تخیل فارغ و آرام رسد از غایبی پیغام

نکاح و عقد بنا کنی چو طالبی که دارد و شود از لطف الهی

که محنت رفت آمد جای بهبود اگر بیمار داری به شود زود

ای صاحب فال بدان و آگاه باش که مال و نیل کسب

که سفر کردن بسیار خوب است اگر سفر کنی فیروزی و شادمانی

و خیر بسیار بینی و اگر نیت کاری در دل داری

ناامید مشو از او خبر دار شوی و مراد دل بیابی و از دست

دشمن خلاص شوی و دولت بینی ان شاء الله تعالی

چه فال آمد عطا ده دادن که یابی از خدا امسال توفیق

حسودان و بخیلان تو مردند ز حسرت در غم تو جان سپردند

اگر داری کسی غایب بجائی بیاید زود دارد لطف الهی

اگر داری هوای راه رفتن بود شکوه چه حاجت با تو گفتن

اگر از شغل میل عیش داری مکن او را مکن اهمال خوب است

اگر میلی بوصل دوست داری بزودی میشود مقصود جاری

اگر داری سؤال از دوست بدست آید ترا الحمد لله

ای خداوند فال بدان و آگاه باش که فال تو بسیار خوب باشد

و میل کند که در کار چند سر گردانی باید صبر نمائی تا بمراد

خود برسی و الحمد کار تو بسیار خوب است ذنب

چه بینی در ذنب آید تو را فال حذر کن زینهار از قتل و از

از این نیت اگر آشفته حالی حذر کن که در زحمت بمانی

اگر در خانه داری شخص بیمار تصدق بایدت بسیار بسیار

اگر که غایبی داری بغربت بیاید دست آنجا ... محنت

ای خداوند فال بدان و آگاه باش که ذنب و سیل کند
که آتش بجائی و غم بسیار خوری اما کارها بسر هرگز
ممکن تا در بستگی به ایمن گردی و لذت کاری رفته نیافته
دل را آسوده دار و از چشم بد حذر خواهی کشید دعای
نظر بندی با خود با بدو داشته باشی از هر بلیه ایمن باشی

والسلام

حب بحبت صدرات بنویسد و در گردن ایشان بندد
بحب ایشان گشاده گردد لا اله الا الله ابجی
فلهم انی اسئلک من الفضل و لرحمت و
انها بیدک لا یملکها من احد غیرک منی لله علی
خیر خلقه محمد و آله صلی الله علیه و آله و سلم دامن دعا را آب درا
روان اندازد بسم الله الرحمن الرحیم من یحیی العظام
وهی رمیم رب العرش العظیم من کان الصمد
که پیش بحبت بنویسد با خود دارد ایمن است
دارد لازم دعا را و نانکه قفل نکند

یا من الوحی بدور مجمف بسم الله الرحمن الرحیم

هی هه هه هه هه هه هه قدوس

قدوس قدوس قدوس قدوس قدوس سلیم سلیم

سلیم سلیم سلیم سلیم سلیم سلا سلا سلا سلا

سلا سلا الا هودی هلا اهم سن الرسلیم

حان کیف نشاء الله الا هو العزیز الحکیم لها لحمد و

هذا عالم تام ۱۱۱۱ ۲۲۲ ۲۲۲۲ ۹۹۹۹ ه

و ۹ ح و ما ... نوشته بشسته بخورد فلما تغشیها حملت حملا

خفیفاً فمرت به فلما اثقلت دعوا الله ربهما

لئن اتیتنا صالحاً لنکونن من الشاکرین

جهت طفلی که همراه داشته باشد بنویسید و بخورد و در بازوی

طفل ببندد بسم الله الرحمن الرحیم ان الله قد

احاط الله وکان ان الله علی کل شیء قدیر

ادلا قاتلکم وان یکاد الذین کفروا لیزلقونک

بابصارهم لما سمعوا الذکر و یقولون انه لمجنون

و ما هو الا ذکر للعالمین اللهم انی اسئلک

یا من له و لطف خفی و ایادیه باسطه لا تنقضی

اسئلک بلطفک الخفی الذی ما لطفت به لعبد

الا کفی ان ترینی مولای امیر المؤمنین علی ابن ابیطالب

فی منامی جهت دوستی هر که این طلسم را با خود داشته باشد و نزد

خلایق از زن و مرد عزیز و محترم باشد و دور از دست دلبند

[illegible]

منزمت علیکم بعزة الله بحق محمد رسول الله و بحق علی

ولی الله و بحق ابراهیم خلیل الله بحق جبرائیل و میکائیل

و اسرافیل و عزرائیل و بیت المعمور و صلوات الله

علیه و علیهم اجمعین الحمد لله الذی سبحان الذی

لم یلد و لم یولد و لم یکن له کفوا احد [illegible]

[illegible] انگاه بنویسید نام هر که خواهد بر چشم

مجنح نویسد در زیر آتش دفن کند ح ع ع ۱۲ ۱۲۱۲۱۲

۱۲۱۲ ح ح ح ح ح دیگر بر پوست کهنه نوشته آیند

از زن و از محبت بیقرار گردد بنام هر که خواهد [illegible]

[illegible]

[illegible]

جهت شانه گوسفند که بی عیب باشد اگر زن باشد از ماده

و اگر مرد باشد از نر این عزیمت را بر او بنویسد و در زیر

آتش دفن کند چنانکه بسوزد تا ترا نبیند قرار نگیرد

[illegible]

[illegible]

محبت زن و شوهر اگر زن خواهد که شوهر را از محبت خود بیقرار گرداند

نوشته در زیر آتش کند تا بسوزد چنان بیقرار گردد که اگر

یک ساعت زن را نبیند قرار نگیرد و اگر خواهد جای دیگر

سعی بکنند این طلسم را ساعت دوز بر سر بندد و باشو هر جهت [illegible] ریزند



و صبح در آب بریزند

و بر سر راه او بریزد

چنان شود که اگر حوری ببیند

میل نکند

حساب طالع مرد و زن

در طالع مرد و زن که بهم برسند یا نه طالب و مطلوب [illegible] و مادر را (نهادرا)

بحساب ابجد کبیر بگیرد و پنج پنج طرح کنند اگر فرد ماند

بهم نرسند و اگر جفت ماند بیکدیگر برسند — نوعی دیگر طالب

و مطلوب و مادر آنها را با بجد صغیر حساب کنند و بعد از آن

چهار بیفزایند و سی سی طرح نماید آنچه باقی ماند بر این

در لوح نظر کنند و حکم او را از جدول فراق و وصال

ملاحظه نماید اگر باقی طرح در جدول وصال باشد به وصال

مطلوب خواهد رسید و الا به وصال نخواهد رسید

بعده

حسب عدد جدول که بفرستید و باید نشود که بوصل او گواه رسید

حساب ابجد صغیر و کبیر

حروف	ا	ب	ج	د	ه	و	ز	ح	ط
کبیر	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹
صغیر	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹
حروف	ی	ک	ل	م	ن	س	ع	ف	ص
کبیر	۱۰	۲۰	۳۰	۴۰	۵۰	۶۰	۷۰	۸۰	۹۰
صغیر	۱۰	۸	۶	۴	۲	ساقط	۱۰	۸	۶
حروف	ق	ر	ش	ت	ث	خ	ذ	ض	ظ
کبیر	۱۰۰	۲۰۰	۳۰۰	۴۰۰	۵۰۰	۶۰۰	۷۰۰	۸۰۰	۹۰۰
صغیر	۴	۸	ساقط	۴	۸	ساقط	۴	۸	ساقط
حروف	غ	فتبارک الله احسن الخالقین							
کبیر	۱								
صغیر	۴								

این است جدول فراق و وصال ملاحظه نماید

جدول وصال

۱	۲	۳	۶
۷	۱۰	۱۳	۱۴
۱۷	۱۸	۲۱	۲۲
۲۵	۲۷	۲۹	[illegible]

جدول فراق

۴	۵	۸	۹
۱۱	۱۲	۱۵	۱۶
۱۹	۲۰	۲۳	۲۴
۲۶	۲۸	۳۰	[illegible]

اسم زن و مادرش را بحساب ابجد بگیرد و پنج پنج طرح
کند اگر یک ماند پسر است و اگر جفت ماند دختر است بوجه
که رسیده است العلم عند الله هر گاه که علامات حامله ملتبس باشد
باید حمل او کور خواهد بود و هر گاه مایل بسرخی باشد مؤنث است
و بدستور نقل است و لالت نر و لاوی بسر دارد و طرف چپ دختر
سینه را شیر زن تر کند اگر بآب فرو رود پسر باشد و اگر روی
آب بایستد دختر شیر زن چون بدوشند اگر چون مروارید
شیر باشد و اگر پراکنده است دختر اگر زن بجای حیض سرخ نشتر
باشد والا پسر جنین در اول حمل بقدر باقلای زهره خرس
بنوشد پسر تولد کند و از زهره ماده دختر ققنیب گرگ همین اثر
دارد و جنین زیر او بند حرج را با زهره گاو زن بخورد بر دارد
بعد از طهر صباح طعم آن را در ماه او زن را فرزند حامله باشد
والا ... ابری خواهد جنین مقدار نیم مثقال کلمه باسوزن

سوراخ نماید

سوراخ مقعد زن بر دارد هرگاه صبح بوی سیر آید دهان او بکند

طاهر بکند حامله است بکر نخواهد بود چون بو با سر خرا با صدف

ساوه سائیده در بینی دختر سعوط کنند هرگاه عطسه کند

باکره است و الا فلا صفت عداوت و دشمنی

منقول است از کتاب طب روحانی چون کوتاه خرف آب ندیده را

همه سر زنان بخور کنند و مردان از آن بخورند آمیزد لذات آن

زن بکدیگر نفرت نماید که هرگز با و نظر نکنند اگر سرگین مرغ

سیاه خاکستر را بر در خانه کسی بمالند در آن خانه خصومت پیدا

شود استخوان سگ سیاه را در میان طرفین دفن کنند

در میان ایشان جدائی افتد موی سر زن را با دو مار

میان رشته خانه ایشان بسوزانند و در آب بجنبه در روی ایشان

بر دو به ذرت دل آمیزد از آن زن سیاه کفک پوست

کرگدن ها شوهر شکن را در ساعت مریخ میان دو کس بر زمین

بر سر دو شمع جدا شوند سه درم مار و سه درم مغز زرده زالو

پنج دو درم بادام تلخ نیم دانگ دانه انگور با عنب مشتری

مغز در میان او کس در آتش ریزند در ساعت از هم نفرت کنند جدا شوند

دیگر بنویسد این دعا را بر کاغذ بشوید بخورد و بکس که خواهد دهد

یا در آتش اندازد و از هم جدا شوند عال علی عال علی

علی علی علی علی علی علی اه اه اه اه اه اه هو هو

هو هو هو هو صش صش صش صص صص اش

اش اش اهیا شراهیا شراهیا شراهیا شراهیا

شراهیا بکن ضیت له له له له له له له

له اهر له بنویسد در روز چهار شنبه و در وقت طلوع آفتاب

و در زیر آستان خانه آنکس پنهان کند هنوز بانگ نرسیده باشد

که از هم متفرق شوند ۱۱۱۱۱۱ ۱۱۱۱ ۱۱ ۱۱

ط ۱۲ ه ام ابد ۱۱ کدم ۴۴ اه دیگر بر کاغذی نوشته

با آب شسته بخورند هر که خواهد دهد در میان ایشان جدائی افتد

۱۱۱ ۱۱ ۱۱ ۱۱ ور ۱۱ ۱۱۱۱ ۱۱۹۹ ۱۱۱۱ ۱۱ ۱۱ وط

ع ٩٩٩٩ ااا ٩٩٩ اا اا ٩٩٩٩ ا   ١١١١ ١١١ ١١ ٩٩ ١١٢

بام فلان ابن فلانه ع بنفض فلان ابن فلانه السادیاد دیموث

لهم و لحاء بعگ ... بکوند ع و ه بام ۴۲۲۴

١١ ١ ٩٩ ١١١١ ١١١١ ١١ و ١١١ و ١١١ ١١ ١١ ١١١

١١١١ ١١ ١١ ١١ ١٩٩١١٢ ١٩١١ ط ١١١

سوت ٢٢ ٩٩٩ ١١ ١١ ٩٩٩٩ عمم معگ نیاه بهر جا بر پوست

بحمره سایه نوشته و در زیر آتش کند بعد اوت ته جهم رسد

قل یحییها انشاءها وهو بکل خلق علیم

در یوم چهارشنبه نوشته در میان پوست کره بهند و ...

آتش دفن کند در سر روز جدائی بیند اللهم اللهم

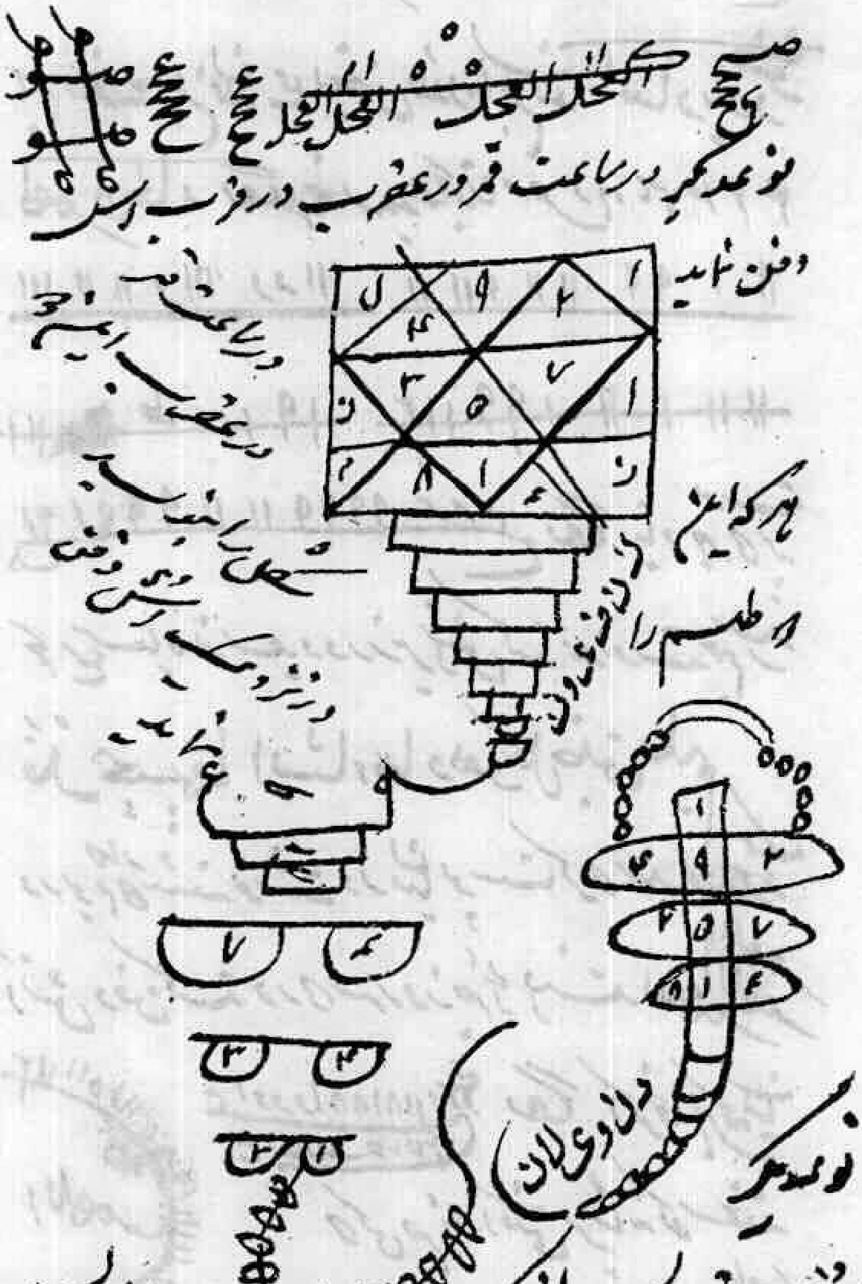
ع اودوا ١٨١٨٨ و ... معگ اکر خواهی که میان

دو کس جدائی افکنی بر شانه کوسفند

الصق در سه شنبه بهر ماهی که باشد خاصه در ساعت زحل نامی

و با یکدیگر ناظر بعد اوت باشند با قمر منظور زحل کسلی باشد

نوع دیگر در ساعت قمر و در عقرب در روز ... دفن نماید



نوشته در قبر ... پنهان کند در میان ...

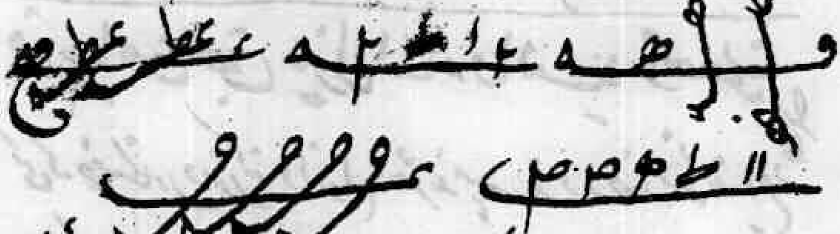
جزای ... ل دوا و دادم ...

نوع دیگر نوشته در زیر زمین نمناک دفن کند خوبی را

و الله الموفق ححح ححح ضصص الصعض و العداوة

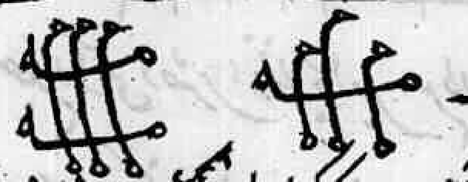
فرقه ۲۲۲۲ نوع دیگر بنویسد بر کوزه نو بنام هر دو و در

اندازد ۱۱۵ ۱۱۱ ط ۱۱۱ ۹ ۱۱ ۱ م ۱۱۱ ع



بر شانه بز نخاله نوشته در آب روان اندازد بنام هر که جدائی

احد ۱۱ ۸۲ ۱۱ ۹۹۹ ۲۲۲



اهرمه ۵ مرء

این آیه را است بکار به به گرگ یا خوک بس بخواند بر لباس آنکه

ما الله نظر به عین مثل گرگ و خرس نماید والقینا بینهم العداوة

والبغضاء الی یوم القیامة قال هذا فراق بینی و بینک

سأنبئك بتأويل ما لم تستطع علیه صبرا دیگر

نوع دیگر بنویسد این دعا را بکاغذ و باب بشوید

ویحوز و شفا باید با خیر بذ و دها نسناس والحجاب

اعدت للکافرین عفو ر رحیم یا ارحم الراحمین

۱۱۱۵ م ۱۱۱۱ برای محبت زنی که شوهرش کم باشد بنویسد بر

مدیه یا من فی الحق بکلمات و یقطع دابر

قوم یا من الحق ینزل الماء والیه ترجعون

کسی که خودکار را حضر کند و انوار حضر نه هند و رضا شوند امر را

بر ... نه کوسفند نوشته بنویسد و آبش را بر سر مدر و حضر ریزد

رضا شوند ۱۱۲۱۱۸۱۸۹۱ [illegible]

خود دیگر حیل از کسی حضر را بخواهی اسم طلسم را نوشته

در ... کلاه یا دستار کند را یا بر بازو بسته رستند خلاص شوند

[illegible]

[illegible] ۱۱۱۹ ۱۱۱ [illegible]

[illegible] ۹۵ ۱۱۱ [illegible]

[illegible]

۳۱۲۱۱۹۹ [illegible]

[illegible]

جهت آبله بدان که تا بدین شکل بنویسند پیش از آنکه بیرون
آوردن کودک بر گردن او ببندد باسانی بیرون آید

الرحیم ١٣	الرحمن ٣	رب العالمین ٢	الحمد لله ١٦
و ایاک ٨	نعبد ١١	ایاک ١٠	مالک یوم الدین ٥
صراط الذین ١٢	المستقیم ٧	اهدنا الصراط ٦	نستعین ٩
و لا الضالین ١	علیهم ١٤	غیر المغضوب ١٥	انعمت علیهم

تمام شد آبله

در مکارم الاخلاق این شکل را

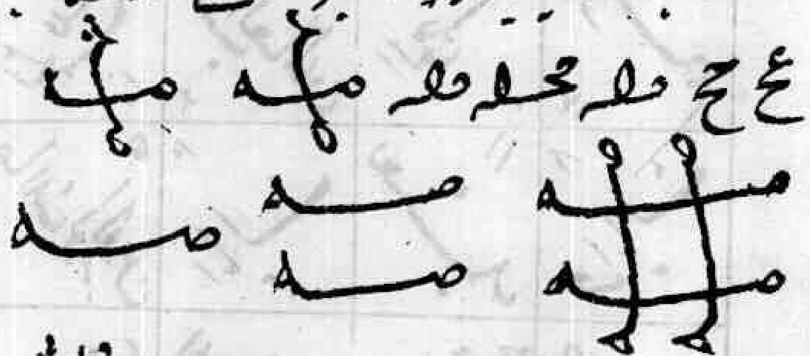
١٣	٢	٣	١٦
٨	١١	١٠	٥
١٢	٧	٦	٩
١	١٤	١٥	٤

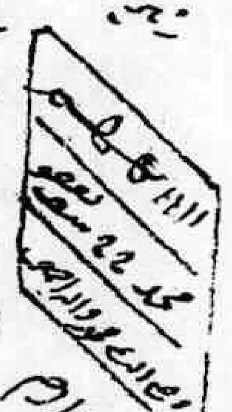
از برای دفع آبله کم بیرون
آوردن نقش که رسمت بعد
آنکه به ترتیب ورق
بنویسند ١٢٤

چند رنگی که شیرش کم باشد اینها را بنویسید در موم گیرد

و در گردن هند شیرش زیاد شود اینها را در موم گیرند و در

گردن هند شیرش زیاد کرده و گاو و شتر ماده و الاغ [illegible]





اعوذ بکلمات الله التامات من شر غضبه و عقابه و

عباده من شر همزات الشیاطین و ان یحضرون

نام فلان ۲۴۶ گوسفندی یا گاوی که شیر آن [illegible]

شود اینها را در گردن گاو و گوسفند بندد نافع است

بسم الله الرحمن الرحیم والمرسلات عرفا

فالعاصفات عصفا والناشرات نشرا فالفارقات فرقا فالملقیات

ذکرا عذرا او نذرا [illegible]

برای زیاد کردن شیر [illegible]

والله الکافی [illegible]

وَداسِیَ شامِخاتٍ وَاَسْقَیْناکُم ماءً فُراتاً وَیلٌ

یَومَئِذٍ لِلْمُکَذِّبینَ بِیَومِ الدِّین هم کاو و گوسفند

فلان ابن فلان حب سرمت محب این طلسم را

زن در کمر بند و فرزند او بوجود آید و بروایت دیگر بنویسید

و بشویند در آب و آنرا در روی شکم مالند مجربست

یا حدوس
یا کانوس
یا طیکانوس
یا یاوروس
یا باروس

۴	۹	باحیط
۳	۵	ما
۸	۱	۲

ایضاً این طلسم را در کرباس آب بدنبد رحم گشته و در زیر

دامنش بندند در ساعت با رحم بر زمین که نبرد

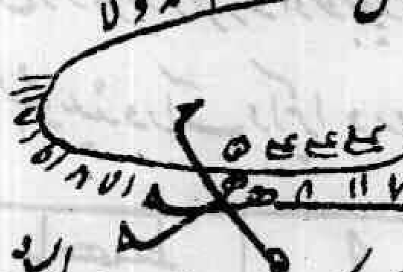
ه	ث	ث	ب	ق	ه	گ	دح	د	د

جهت حصاد این طلسم را بر شانه گوسفند بنویسید

باسم هرکه خواهد حاضر گردد بعون الله تعالی

۴۴ ۹۹۹ ۱۰۰ ۱۰۰ ۱۰ لا ۱۲۲ ر ه ۱ ه ۱۹۱

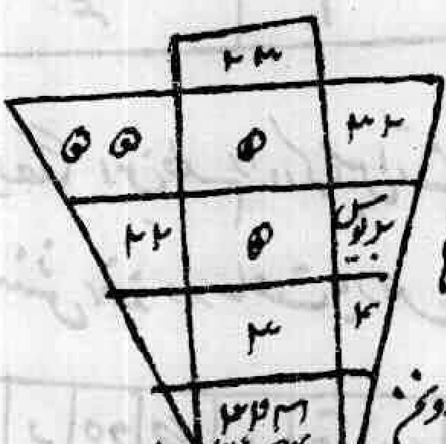
العمگ بیاورد دل گوسفند را و این طلسم را نوشته در میان
مهر کرده و در پاره‌ای از رخت مطلوب بپیچید و در زیر
آتش دفن کنند که حرارت آتش



تا ورسد حاضر گردد

۹۹ ۱۱ ام جل ۱۱ ۱۸ ۱۱ ۲ ۱۱

العمگ نقش کنند بر گل کوزه گری که آتش ندیده و در الش
پنهان نماید حاضر گردد

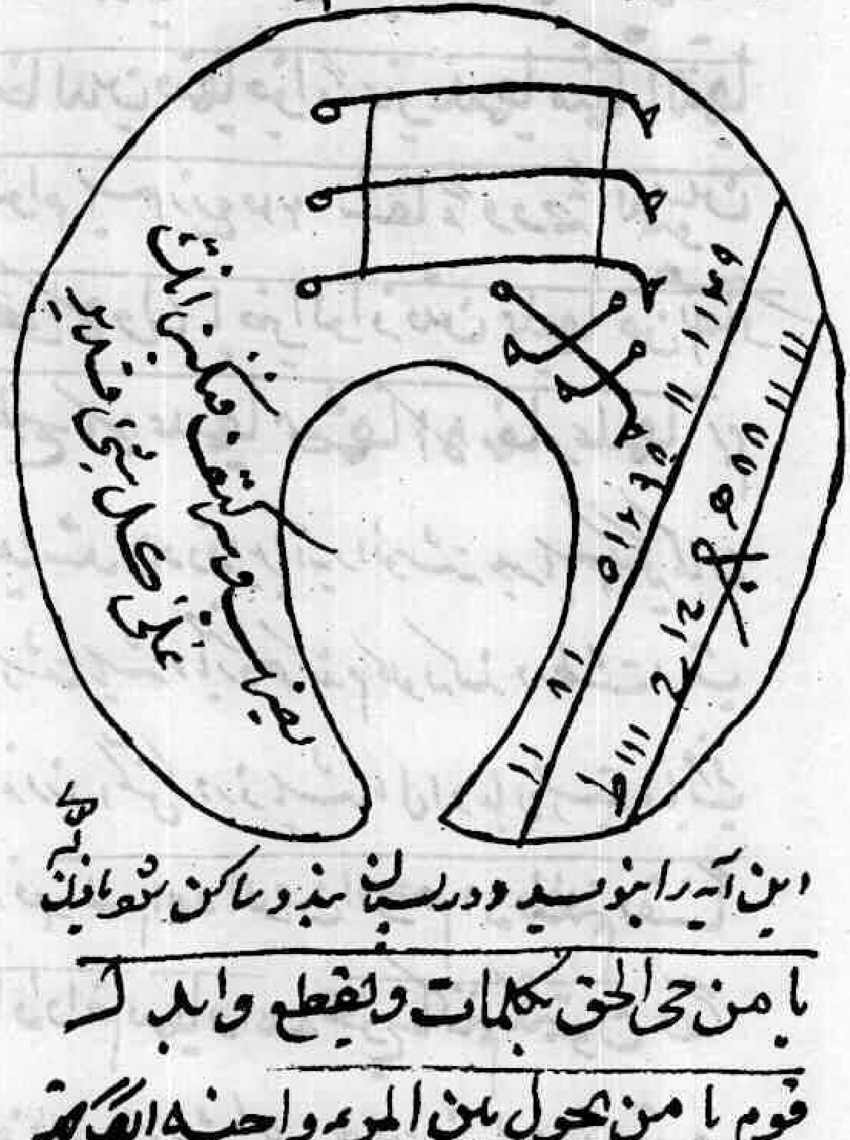


الغا بجت حضار
در چراغدان مس تا نا
سفید کرده کرده و با روغن
پاک کشد روغن به مطلوب برافروزد حاضر گردد

۱۱ ۸ ۱۱ ۸ ۱۱ ۱۱ ۶ ۱۱ ۹ ۱۱۱ ۹ ۱۱۱ ۱۱۱ ۱۱۱ ۹۹ اطرص ۱۰ ۱۱۱ ۹ لا ۱۱

النار النار العمگ در سفر نوشته در روز پنجشنبه شام
هر که

هر که خواهد حاضر کند اعلم است



این آیه را بنویسد و در دستار بندد ساکن شود باذن الله

یا من حی الحق بکلمات و یقطع دابر

قوم یا من یحول بین المرء و احسنه الله

بستن آفت از زرع و کشت این دعا را بنویسد در

گوشه زمین دفن نماید آفت ساوی و ارضی لذ ... و

با و نرسد بسم الله الرحمن الرحیم

ان الذین آمنوا جنات تحتها الانهار

خالدین فیها جزاء عن علیها منها الانها

کوام بسم زرع ۲۲ شفاء و رحمة للمومنین

هوالاول یا ضرالواذ فین علیها من نهار

طبح الا عسها تحتها الانهار علیها

پیدا شدن دزد این آیه را نوشته بعد با اسم کلکی کمان

دارسته باشد و یازده گندم گلوله کند در طشت پر آب

اندرزند الکمش که دزد باشد مال او بالا رسید و بافرود

برفع بسم الله الرحمن الرحیم اذ قتلتم نفساً

فادارءتم فیها والله مخرج ما کنتم تکتمون لعا

این طلسم را بر پشت کاسه چوبین نوشته و میخ آهن

برا کوفته دو نفر آن میخ را با انگشت گرفته سوره یاسین

بخواند باسم یک یک اسم دزد که رسد چرخ گردش آید

۲ ۱۱۱ ۲۶۱۲۳۱۲ و ۱۱ ۱۱۱ ۲۱۱۱ ۲۹۲

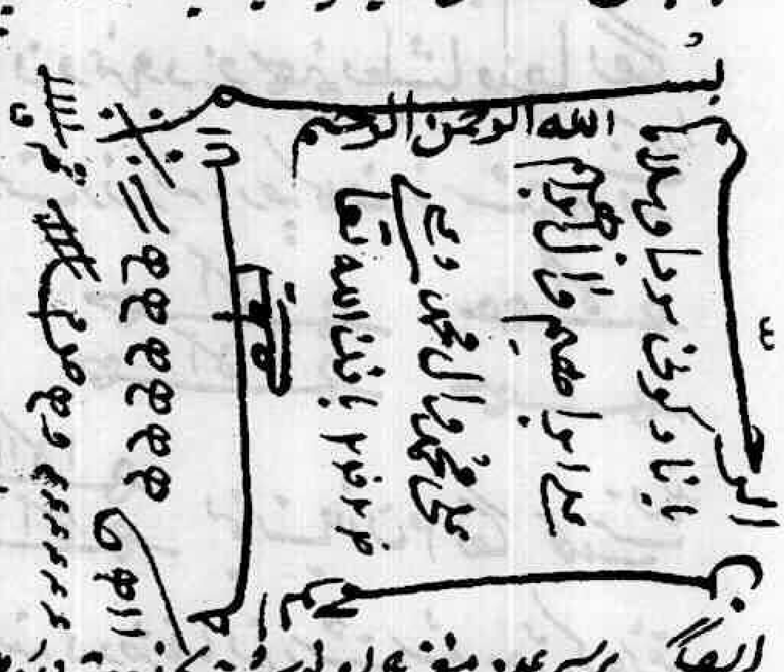
صفت طفلی که از خواب بترسد کند نوشته در گردن کودک

آویزد هم هم هم هم هو هو هو هو هو هو هو هو

هو اد الله کیف هو هف شف قل هو الله احد

تا آخر صفت تب کردن از قول امام جعفر صادق

بر بازوی راست کسی که تب میکند به بندد انشاءالله شفا یابد



ایضاً بر سه عدد مغز بادام نوشته کوند بدهد

بسم الله تادت و استادت دوم بسم الله حل

العرش دادت سیم بسم الله علی علم الغیب عادت

ایضاً بر سه بالا کاغذ نوشته هر روز یکی شسته کوند

تب دردهم بسم الله اربطا اربط بسم الله
اربطط بسم الله اربططنا تب سه یک
بر سه پارچه کاغذ نوشته هر روز در وقت گرفتن تب
در زیر دامن کند ابوبکر وفرعون فی جهنم
دفنتهما عمر وقارون فی جهنم دخانهما
عثمان ونمرود فی جهنم بطشنا منها لکا
تب برز بر سه پارچه کاغذ نوشته هر روز یکی را
کوبند
ههالاه ههالاه
ههاله ههالاه
ههالالاه
ههالاه بسم تب فلان ۲ لکا تب بسلند
ریسمانی بنه که دختر نابالغ رشته باشد و هفت گره زنند
و بر هر گره سه نوبت سورهٔ فاتحه و یکبار آیه الکرسی بخواند و بگوید
کهیعص و حمعسق ایاک نعبد و ایاک نستعین و بر
هر گره دمد و بعد از گره محکم بستن و بر گردن تب دار بندد شفا یابد

بنوشته کاغذ پارچه ابریشم زرد محبت انشاء الله تعالی

هر روز یکی را با آب پاک بشسته بخورد و نبیلد دهم آخر آن

بسم الله جیقیف ۱۰ اساریج

بسم الله جلیعب ۱۲ با کاکی

بسم الله اربعب ۲ معانی

محبت حلیه بری

با جوز پنج رنگ ابریشم بافته خام و اسم را

بخواند و هر نوبت یک گره بزند تمیت و گره‌ها را در

بازو بندد و بعد از آن در زیر پای خود بندد

بسم الله الرحمن الرحیم بحق هیشتا هیشتا

بحق یوذ بند موسی و بالجنید عیسی و ذنود داود

و فرقان محمد صلی الله علیه و آله و سلم سبحانک یا لا اله

الا انت یا رب کل شیء و وارثه یا لا اله الا

انت و صنیع الجلال برحیم جلد علو ۲ ارحمن بحق

و آدم و لدو من بحق نوح نبی الله و ابراهیم صفی الله

موسی کلیم الله عیسی روح الله محمد ابن عبدالله

در موعدیکه با شوهر جمع شد و در کم بیند وقتی که طفل

در وجب آمد در کردن طفل بندد کسی که خون لند

بینی او آید بنویسد و بر او بندد شفا یابد

موسیعی

بنولسید و بر عارا ... و در موم کرده با

زند و آب او را در میان منکس افشاند بسم الله الرحمن الرحیم

اعوذ بعزة الله و بنور قدرة الله و بحق

نور قدرة الله بما جاوب القدیم و بحق

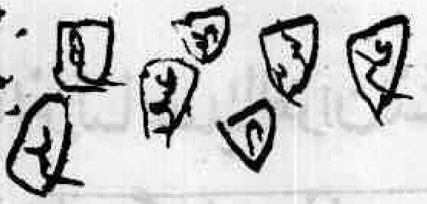
سموات و الارض و هو العزیز الحکیم شهد الله

اهیا شراهیا ادونی اصباوت آل خالق

الباری سلام علی نوح فی العالمین انا کذلک

نجزی المحسنین ابن فلان ابن فلان سهت ...

١٢٨



[illegible]

سخر لي قلب فلان ابن فلان كما سخرت
الريح لسليمان ابن داود وألين لي
قلبه كما لينت الحديد لداود فانه
لا ينطق الا باذنك وناصيته في
قبضتك في يدك دنا امك يا ارحم
الراحمين اللهم اجذب لي قلب فلان
ابن فلان كما يجذب المقناطيس ا
لحديد اجذب روحه وجسده
وجميع اعضائه بحرمة حقك ونبيك
بحرمة انبيائك المرسلين والملائكة
المقربين وبحرمة يس والقرآن الحكيم
وبحرمة الم ذلك الكتاب لا ريب
فيه هدى للمتقين وبحرمة طه ويس
وطس وحمعسق وحم تنزيل الكتاب
المبين

عسبده ذكر يا طه ما انزلنا عليك القران لتشقى

حمعسق اللهم اغفر لنا جميعاً وارحمنا جميعاً

سبحان ربك رب العزة عما يصفون وسلام على المرسلين

والحمد لله رب العالمين برحمتك يا ارحم الراحمين

بر سر كهواره اويزد صغد صه صه ماما

ما قمقمصه برحمتك يا ارحم الراحمين وما قدروا الله حق

قدره والارض جميعاً قبضته يوم القيمة والسموات مطويات

بيمينه سبحانه وتعالى عما يشركون ادعوا ربكم تضرعاً

وخفية انه لا يحب المعتدين ااا ح اااا م ح

الصفا بنويسد و در طفل ما ويزد از گريه كردن شب و خواب سهو

بسم الله الرحمن الرحيم اعوذ بك رب ان يحضرون

فتعالى الله الملك الحق لا اله الا هو رب العرش الكريم

والعرش العظيم ٥ ٥ ٥ ١١٩٩ ٥ ٥ ٥ اط ٥ ٥ ح

٥ ٥ ٥ اااا م ح ٥ ٥ ح

جهت نا خوشی و ترس طفل در خواب باید این بنویسد

و بر طفل بندد مکسلینلینا مسلینلیا یملیجادنو

نوش مرطونش کشطیوش قطمیر شمليخا

ماشلینا مرنوش دبرنوش شاذنوش مرطونس

کسنططو قطمیر ۱۳ جهت درد دل بر آب گرم بخواند

و بخورد یا نوشته که بشوید بخورد یا الله یا الله یا الله

یا رب الارباب یا اله الاله یا ملک الملوک یا سید

السادات اشفنی بشفائک من کل داء و سقم فانی

عبدک و ابن عبدک انقلب فی قبضتک ان

فی ذلک لذکری لمن کان له قلب او القی السمع وهو

شهید انتهی و محو بنویسد و بشوید و بیاشامد

بسم الله الرحمن الرحیم سبحان الذی اسری بعبده

لیلا من المسجد الحرام الی المسجد الاقصی بارکنا حوله

لنریه من آیاتنا انه هو السمیع العلیم جهت سر درد

بنویسد و با و برزد بر سر از جانبی که درد میکند اللهم

انک لست باله استحدثناه ولا رب مبید تذکره

ولا معک شرکاء یقضون معک ولا کان ان ندعوه

و نستعوذ به ونتضرع الیه ندعک ولا اعانک

علی خلقنا من احد فنشک فنک لا اله الا انت

وحدک لا شریک لک عاف فلان ابن فلان وصلی الله

علی محمد واله الطاهرین ی۱۱۹۹ط جهت زن که

حامله نشود یا نشود این آیه مبارکه را بنویسد و بزرگ بشوید و خود زن را و نماید

و بعد از غسل حیض مرد و زن هر دو باشند و مقاربت کنند

حامله شود و بماند فلما تغشیها حملت حملاً خفیفاً فمرت

به فلما اثقلت دعوا الله ربهما لئن اتیتنا صالحاً

لنکونن من الشاکرین رب لا تذرنی فرداً وانت

خیر الوارثین  ایضاً



صرحان ۱۱ ال ۱۱ ه جهت زنکه دشوار زاید

بر ران راست او بندند چون وضع حمل شد بزودی بگشایند

۸	۱	۱۱۱ م
٤	۱	۳
۴	۱	۱ د ۵

۱۱۱ م	۸ د
سمحا	سد
۵ د م	محمد ۹

ایضاً بر پیشانی بندند در حال بازشود بسم الله الرحمن الرحیم الشکور الصبور ولا حول ولا قوة الا بالله العلی العظیم

ایضاً بنویسد بر ران راست بعد در قطعه بندند چون بزاید دور اندازند

بسم الله الرحمن الرحیم کانهم یوم یرون ما یوعدون لم یلبثوا الا عشیه او ضحیها و قالت امرأت عمران رب انی نذرت لک ما فی بطنی محرراً جهت دختر بکر که در خانه مانده باشد بنویسند و بر بازویش بندد که بنکاح آید این است

ط ۱۱ ۱۱ ط ۲۲ ۱۱ ۲ ۱۱ ۲ ححح دیگر بر گردن بیاویزد

کرور میثاق و السماء اوکحه سعو ج ج لج لو نصابا اللهم شفا

بشفا نک وداوه بدوانک یاوده یاوددد جهت

دفع صرع وجن بنویسد و بر بازوی دیوانه یا مصروع ببندند شفا یابد

بسم الله الرحمن الرحیم ونفخ فی الصّور فصعق من فی السموات

ومن فی الارض الا ما شاء الله ثم نفخ فیه اخری فا

ذاهم قیام ینظرون واشرقت الارض بنور ربها ووضع

الکتاب وجئ بالنبیین والشهداء وقضی بینهم بالحق

وهم لا یظلمون و صلی الله علی محمد وآله اجمعین جهت دزد

طلسم را در کف دست مظنون بنویسد اگر برده بگریه درآید اگر آن

بشهه بهاد فقد مسح مب

زنی که شیرش کم باشد بنویسد و بر دست چپ ببندد شیرش زیاد شود

واذا استسقی موسی لقومه فقلنا اضرب بعصاک

الحجر فانفجرت منه اثنتا عشرة عینا قد علم کل

اناس مشربهم جهت زنهمه حرف رسیدن یکسال شده باشد

همه بیاده آتس میعث نوبت بخواند و بر شاء یابد بر جهد بهحرف رسد

ومن اوفی بعهده الله فاستبشروا ببیعکم الذی

بایعتم به وذلک هو الفوز العظیم و بر متاع نوشته بولگه

بنا لگ بنویسد و بربالای متاع که زند و یا بیاویزد که مجرب

حیلی خارج لیا وح والقلم محلت اکصهم

کصهم کصهم لالا ولا ادل اا اکرد مرا

بخواهند کمان ماننده وصرید این اشکال را نوشته در استانه کمس دکان کمیند

مرادحاصل است اا ام لا ه اااا ه اا وا

وطی ۷ لا ام ام ااا اا ۹ ۳ و ه ااا

صفت رنگی که او را زلدد بنویسد و در میان لسنا بیاویز دیگر او

از سقط این باشد بیت المقدس محیط بالارض والله

محیط بالعباد ولبثوا فی کهفهم ثلث مائة سنین

وازدادو تسعیا ولوان ما فی الارض من شجرة اقلام

والبحر یمده من بعده سبعة ابحر ما نفدت کلمات الله

ان الله عزیز حکیم ولو جئنا بمثله مددا

صفت حافظه چشم هدهد با خود دارد و فراموشی زایل کند صفت

عقد ساحره سرگین اسب را گرم بغشارد و در گوش چکاند عقد ازو

شود صفت موش سم اسب را در زیر آستانه خانه پنهان کنند موش

از آنجا فرار کند صفت مستی قضیب زهره مرغ با مرد در سنگ بمالد

و بر قضیب مالد در ساعت بحرکت آید لدغا بکمرد و کبیل و در رصی

از هر یک جزوی بکوبد و با آب صمغ عربی خمیر کند و حب سازد

و بوقت حاجت یک حب در دهن کرد و اوش بر ذکر مالد بحرکت آید

و سخت شود سنبل و حب باسه و جوزبوا و میک و دهل و در رصی

از هر یک چند درم کند شش درم همه را بکوبد و با عسل بیامیزد و هر روز

سه درم بخورد قضیب چنان شود که شرم دارد و در لسکه بر خیزد صفت

حامله شدن زنان در ساعت سحر بدو با کاغذ نوشته تمک و زعفران

یکی را مرد و یکی را زن نگاه دارد و با هم جمع شوند البته حامله شود

اما بر پوست حب نه شبند اما قضیب لذ طلوع آفتاب باید نوشت

علی علی علی علی علی علی علی علی علی به به به به به به به به به

هه هه هه هه هه اواه اواه اواه اواه دس دس

دس دس دس دس دس اهیا اهیا اهیا اهیا اهیا اهیا

اهیا اهیا شراهیا شراهیا شراهیا شراهیا شراهیا شراهیا

شراهیا شراهیا اصباوت هذه الدعوة من الله القدوس

القدوس القدوس القدوس القدوس القدوس

القدوس به به به به به به اواه اواه اواه

سععلعطلعع بم ملندا مرقلقا

بسم الله الرحمن الرحیم

۴	۱۵	۱۴	۳
۱۲	۱۳	۲	۹
۱۲	۲	۱۱	۵
	۳	۳	۸

الحمد لله	رب العالمین	الرحمن الرحیم	مالک
یوم الدین	ایاک	نعبد	و ایاک
نستعین	اهدنا الصراط	المستقیم	صراط الذین
انعمت علیهم	غیر المغضوب	علیهم	و لا الضالین

کاشتن خربزه

در وقت کاشتن خربزه باید در دهه اول ماه کاشته شود اگر تخم خربزه را در عسل و شیر مخلوط کرده بخیسانند و سه روز و سه شب بماند آنوقت بکارند بسیار درشت و شیرین گردد و هر عطری که خواهی تخم را در عسل و شیر داخل کنی در خربزه همان عطر حاصل است

حفظ شیرینی در وقت رنگین شیره و عسل در ظرف

بگوید هذا الوکیل القاضی یا بگوید هذا الرسول القاضی

یا بگوید هذا الغلام القاضی مورچه با آن شیرینی نزدیک نکند

حب خنده بگیر مشت خاکی که خودران منقطعه باشد در زیر سفره

پنهان از خصمان بریزد در بسیاری خنده کسی چیزی نخورند نوع دیگر

زبل خرگوش را مجمس در آتش بریزد از حاضران مجلس صعود به بالا بر

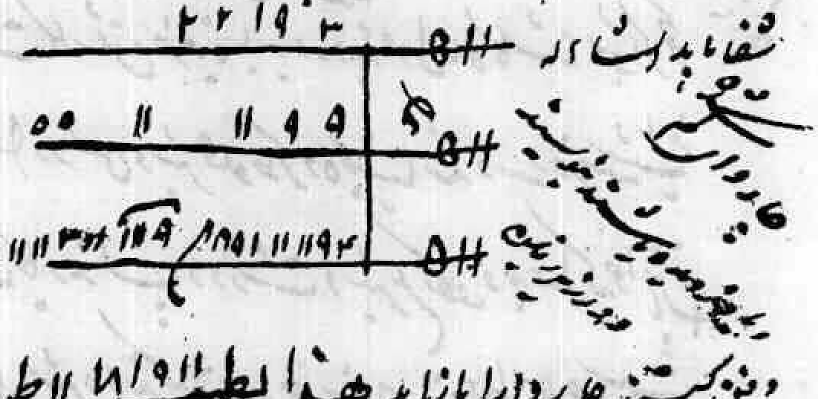
که سبب خنده بسیار باشد هر که بوی دهن داشته باشد

هر روز هر دانه هلیله بخورد و در ناشتا کند رنجاند بوی دهن

خوش کند و تشنگی منشاند حب شاش بند چارودایان

بنویسد این طلسم را و در زیر زبان پنهان کند و چارو دارا در سر او نیک بند

شفا یابد است از



و چون گشته چارو دارا بازاید هذا الطلسم

۱۹ ان لوح اهـ اهـ اهـ اهـ ححيط زنيكه سليطه باشد بهيد زبان

باشد اين آيه را بر قطعه جامه بنويسد كه از گريبان جامه كرده باشند

آن پيراهن را در روز پنجشنبه بريده باشند و او را در گريبان سراى او دفن كند

زبان او كوتاه كند و آرام كرد لا يحب الله الجهر بالسوء

من القول الا من ظلم وكان الله سميعاً عليماً

از حضرت صادق منقول است كه هر كه سو را از ظرف انبر رسيد

باران بشوره و زنى كه سليطه و بيحيا باشد بخوراند خوش زبان گردد

جهت مال دزدیده نوشته در زیر سنگ گران نهد بسم الله الرحمن الرحيم

او لظلمات في بحر لجي يغشيه موج من فوقه موج من فوقه سحاب

من فوقه موج ظلمات بعضها فوق بعض اذا اخرج يده

لم يكد يريها ومن لم يجعل الله له نوراً فما له من نور بحق

هذه الايات وهذا الخاتم وما فيه محلو ۲۶۲۶

الى هذا الموضع الوحا الوحا العجل العجل العجل

عجلوا او توكلوا و الذي اخذ متاع ۲۶ عجوبه ساعه

توکلوا خدام هذه الاسماء اصبوسا دوقتاء ۲۳

۱۴	۹۱	۱۱
۱۴	۱۵	۱۷
۱۸	۱۱	۱۴

چله بر بدینه بار سه رنگ ابریشم بیاورد و چهار بار الحمد را

بخواند و هر بار یک گره بزند این است بسم الله الرحمن الرحیم

شفاک الله بکتابک توکلت علیه تا دون ما هو

و مکتوم خیرک العلی فی نظامک علیک یا کرام کاتبین

و صلی الله علی محمد و آله اجمعین بیتم چه زیر زمین و بالای زمین

فلان ابن فلان را صبت بزرسید کودک در خواب

دید فریاد کردن انه من سلیمان و انه بسم الله الرحمن الرحیم

الا تعلوا علی و اتونی مسلمین و لا حول و لا

قوة الا بالله العلی العظیم کوم که دو غله ابشد

بنویسید بر دعا را و در میان بند پنهان کنند

۱۱ ۹ ۸ ۱۱۱ ۶ ۱ م ۲ ۱۱ دل ۱۱۱ ۷ ۷ و ما ۶ و ۲ ۲ ۲ ۶ ۹ ۹ ۱۱ و د

بسم دم کرم لذم رز عه ۲۲ العجل العجل العجل الساعة الساعة

الشا دالشا دالشاد علاج رگی که بالا رگ نشیند دست بر بالای

رگ نهد و سه بار این دعا را بخواند اللهم انی اسئلک اللهم صل

علی محمد و آل محمد و ما دست از دست رگ کن الله محی

من صلیل المومنین منه حلاء حسنا ان الله

سمیع علیم اللهم صل علی محمد و آل محمد کذلک الله اشه

من الذین امنوا و عملوا الصالحات دمار چهارشنبه سوری

آخر ماه صفر بنویسد و با خود دارد بسم الله الرحمن الرحیم

یا وهاب بسم الله الرحمن الرحیم یا تواب بسم الله الرحمن الرحیم

بحق کرام الکاتبین بحق لوح و قلم و بحق عرش و کرسی

نام فلان ابن فلان اللهم احفظ لبتن دم چولکر

این طلسم در روز چهارشنبه بر کوزه چوب بنویسد و در میان باغ و مزرعه

نگه بدارد یا بر درخت آویزد اه اه اه اه اه اه اه اه اه اه اه اه

ای ای ای ای اع اع ای ای ای ای ای له له له له له له

له له له له بمطرهم المحبوب بنم دو حوبه را بدمر زعه فلان

دعای تولد بندی باور نه با بقدر صاحب درد و نه راه

کند و بر بالا بصفت راست بنویسد یا جبرائیل و میکائیل

و در طرف بالا بصفت چپ بنویسد یا اسرافیل و یا عزرائیل

مرکز آن صاحب درد او بنویسد

برابر برون او میخوانی تا نی سر بهم باید اول سوره حمد بخوان و بعد ازان

اینها را بخوان قوما یا هو کبوشی ما توشی بقاشی

بقاشی لشاذ کبوش آلوما قهمایه انه من سلیمان وانه

بسم الله الرحمن الرحیم الا تعلوا علی و اتونی

مسلمین اجیبا یا جبرائیل انت و ذلک اللهم صل علی محمد

و آل محمد برحمتک یا ارحم الراحمین بعد بسر هر دو نخ از ریسمان خام

که دختر باکره رشته باشد بپیچد و در مسجد بگذارند تمت

صفت نظر بندی این دعا را بر چشم مرغ بنویسد اگر دزدان باشند .

دعای چشم بند نظر بند آدم

باشد در میان دو پای آن و اگر دزد برای حیوان باشد بر پستان

آن زنند و بگویند بسم الله و بالله و علی اسم الله

و اسم العین این است خجعت جابت القلقت

الخجعت کذلک العین و در اقتدار کتاب بسم الله

و بالله لا تافر گویند و در وقت نوشتن بچشم بر سر مریض

گذارند و سوره حمد و آیة الکرسی و چهار قل بخوانند و بعد بر شانه

راست مریض بعد بر شانه چپ مریض بعد بر زانوی راست

بعد بر زانوی چپ و بعد بر پشت پای راست و بعد بر پشت پای چپ

همچنین و در هر یک از اینها چهار قل بخوانند و بعد مریض را در

آب جاری برده بر بالای لب و بر بالای دهن و چشم گذارند و

و بر هر یک از اینها چهار قل بخوانند و بعد از آن مریض را [illegible] داشته

در میان دو پای آن بر لب آب بر زمین زنند بعد از [illegible] بچشم

بر آب ریزد و در بعضی نسخه دعا این است جابت

خجعت القلت کذلک عین المعین [illegible]

چهارم در عجایب کتابت

اگر بگیرند مرغ خانگی خام که تازه باشد و بریان نوزند و بدو یا
بابت زاق سیاه بکوبد و بنویسد بخط را چون پوست باز کنند نوشته
درست بر روی بیضه پیدا گردد و تعجب کنند آنان که او را حوصله
باشند هر چند دست بر او زنند محو نشود کتابت النار
یعنی کتابتی که از حرارت آتش خط ها ظاهر شود و پیش ایشان نمایان شود
بگیرد کاغذ سفید و نوشادر با شیر آمیخته بر او بنویسد کاغذ سفید
نماید چون پیش آتش برند خطی سبز پدید آید و اگر آب برنج
بر کاغذ چیزی نویسد تا خشک شود در حوالی آتش گرفته سرخ
پدید آید و اگر شیر خالص نویسد خط زرد نمایان شود و اگر
زهره گربه سیاه و خون خروس با هم آمیخته در سایه خشک
کنند چون سرمه صلایه کنند بهم آمیخته در خمیر کنند هر مرغی که از آن
بخورد بیهوش گردد و اگر خواهی که بهوش آید در زیر آب کنند
بهوش آید باب در شعبده فصل اول

در تحقیق ...

در عقد النوم نوع اول بنویسد بمشک و زعفران در کاغذ

پس هیچ آهن در خانه های گوسفند طلسم را او بنید و بگوید خدایا

ببندم خواب را در چشم فلان بن فلان بحق ۲۲ و روز طلسم را زیر انگشت کند

تا چند شبانه روز خوابش بسته گردد



دیگر طلسم که خواهی نوشته در زیر سنگ گران نهد

۱۹	ط	ااا	۹	۴۹	۹ھ
۹ ۱/۱	و	ء ۳	۹۹	اا	۴۴
ماه	ء ۱	اا۹	م	ااا	ھ

۱	لو	۷	۲
۹	٤	۲	۷

ایضاً در شب چهارشنبه مدار ز وفات بر سر قبر

سر نایاب بغ ... کرده ... بر کرد و همین آیه را بخوانند در عقب

کاه بسته بر سر هر کس که باشد مدار ز کفک و تحسبهم

ایقاظاً وهم رقود و نقلبهم ذات الیمین

ونات انثمال وكلبهم باسط ذراعيه بالوصيط

لواطلعت عليهم لوليت منهم فرارا ولملئت منهم

رعبا برحمتك يا ارحم الراحمين نوعدیگر این آیه را

بر کاغذ باریک بنویسد چنانکه بهمه کاغذ قرار رسد بنام هر که خواهد

پس آنمقدار که خواهد که گره بزند بهر گره ای حشت بسته نکند

حذوه فغلوه ثم الجحیم صلوه ثم فی سلسلة

ذرعها سبعون ذراعا فاسلکون الف

یا بر الحنتر لذا آهن چهار پهلو درست کنند آن عزیمت را نوشته

در آتش افکنند تا سه شب عزیمت بخوانند رازیانه تخم که و ماینه تخم

حنظل مساوی کوبیده بنام هر که خواهد خورش بسته نکند

عزمت علیکم مناصفه مناقته عنده هنده بابیس

اه اه اه اهتیا شراهتیا خاصد العقد النوم الوصح

والطبه ولعداوت الشدید والوسواس والمحبه

دلعشق ۲۲ عصت ۲۱ الوحا اسد اه اه اه اهتیا

اهیتاً اهیتاً بحق سلیمان ابن داود بن حمزه ابن محمد

ابن عمرعه وهو ایماناً و ما عمه باذا مرطالو

حرمت تم فصل عقد الرجال نوع اول

برابر اسم ساه هشت بار بخوانند و هفت گره بزنند و بر هر گره هشت بار

و هر نوبت سنبت کند و بگوید بستم ذکر و در فرج ۲۴

وجعلنا من بین ایدیهم سدا و من خلفهم سدا

فاغشیناهم فهم لا یبصرون لگاه هشت بار برابر اسم

گرفته ابن دو بار ابرو خواند و هر یک را گره ها بزنند قتل الانسان

ما اکفره من ای شیء خلقه من نطفة خلقه فقدره

ثم السبیل یسره ثم اماته فاقبره ثم اذا شاء انشره

کلا لما یقض ما امره بستم ذکر ۲ چنین گره بزنند در میان

قفل صندوق بندد قفل را به بندد بسته کهف نوع دیگر الفعا

ما در بگیر زرع ثم زرده حلاج و هشت گره بزنند و در هر گره اما

و هفت بار قل هو الله احد بخوانند تمام هر که خواهد گره بزند و گوید

بستم ذکر فلان ابن فلان را گذفرح ۲۲ که بعد از این حرکت نکند و بستم

سه صد هفت شش رکعت و صد و چهار رمانا استخوان ۲۲ برفرح

۲۲ نگا بحق از قبر کشنده فرزن خاک بر در بید و بنویسند سوره بستن

بران بخواند و انرا کل کند و بگوید بستم سه صد و شصت و شش رکعت با ذکر

۲۲ برفرح ۲۲ الساعة ۲۱ الساعة الساعة العجل

العجل الوحا ۲/۲ هفت تار ابریشم سرخ یا سبز یا سیاه

هفت نوبت سوره تبت را بخواند و در وقت خواندن گره بزند

بگوید بستم ذکر فلان را در فرح فلان و در جای بهمان نهد نصاگ

بستانه صلاح کار نو سه و هفت گره براو بزند و بر هر گره که زند

این طلسم را بخواند و بگوید بستم ذکر و شهوت و عروق ۲۲ برفرح

۲۲ بحق خاتم سلیمان ابن داود انا صببنا الماء

صبا ثم شققنا الارض شقا فانبتنا فیها حبا

وعنبا وقضبا وزیتونا ونخلا وحدائق غلبا

وفاکهة وابا فما استطاعوا ان یظهروه وما

و ما استطاعوا له نقبا عقد سهوت که

در هنگام نکاح باید خواند عقدت روحانیة

شهوت ۲۲ علی الجمیع النساء و علی ۲۲

واخذتها بقوة هذه الازدواج الروحا:

بعقد الحبال القلبیة هرگاه بخواهد بکشاید بگوید

حللت و طلقت عن ۲۲ عقد الشهوة المعقو

بقوة الازدواج الروحانیة لحل الظلمة ۲۲

این کلمات را هفت بار باید خواند عقد البول

این شکل را باسم آنکس که خواهد در مکان بار هفده روز

کند بسته شود | ا ۵ ۵ ۸ ۳ ۲ ۴ ۳ ۲ ۴ | یگا اگر خواهد

بول کسی را به بندی یا درد دل برکسی عارض شود بکش صورت ...

بر زمین بر این طریق که الف بر سر او ط بر سینه او و زا در پهلوی

راست و ص و ر پهلو چپ و الف در میان دو پای او و ها

در دو چشم و را در ناف و ده مرتبه سوره و السیل را

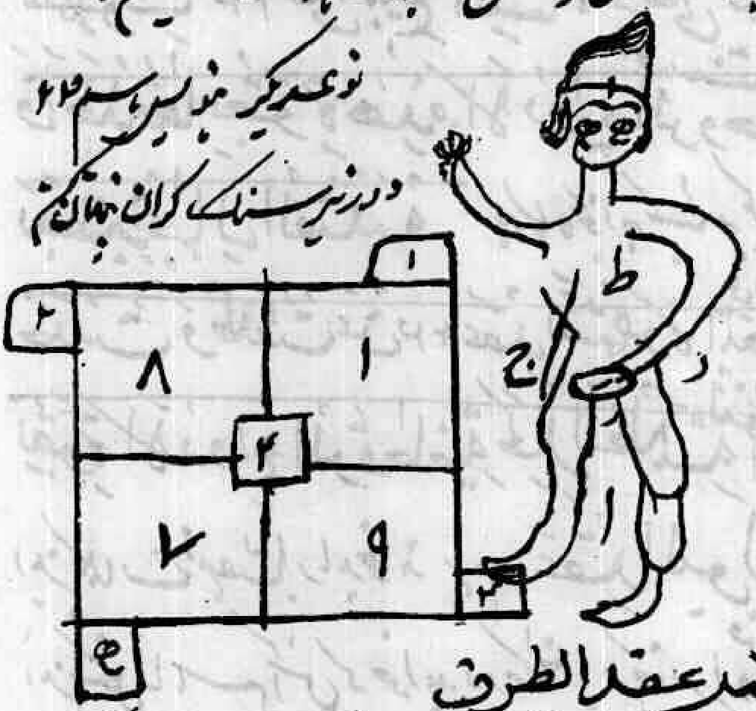
بخواند هرگاه به لا تصیبنا الا الا شقی الذی کذبت ولولا رسید

سوزنی را درمیان ناف نوشته شده گذاشته فرو برد که بتوان

خدا تعالی درد دل وشاشیدن بند بر وط هر یکی این است

نوع دیگر بنویس اسم ۲۲

در زیر سنگ گران نهان کنم



فصل عقد الطریق

کبیر دستی دزدا هر که آنکس بر آن راه خواهد رفت واین آیه را

بدان نویسد با نام آنکس ودر چاهی فرو زند ماوام که اسلک

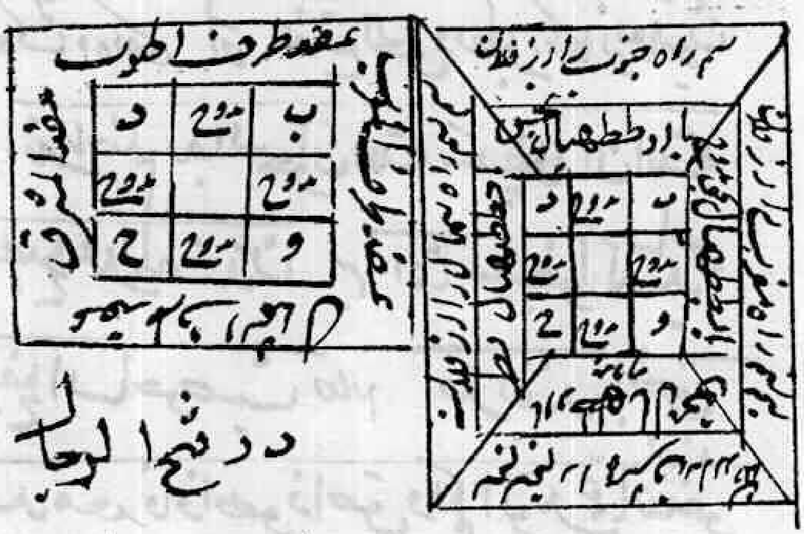
در آن چاه بود آنکس بدان سفر نتواند رفت قالوا یا موسی

انا لن ندخلها ابداً ما داموا فیها اذهب انت وربک

فقاتلا انا ههنا قاعدون نوع دیگر

در بستن کسی که بجایی بخواهی این دو مربع را در میان کاغذ مثلث

بکشید و نام آنکس را در اطراف آن نویسید و در زیر سنگ گران نهند



در فتح الرجال

بر پوست یا کبیر نوشته بر گردن کشیده گردد سلاکلا

علا سلیل ... سر کیر بندان ابن فلان

نوع دیگر بنویسید و بر گردن فلانی بندد ربنا افتح بیننا

وبین قومنا بالحق وانت خیر الفاتحین

یا ارحم الراحمین نوع دیگر این آیات را بر کف دست

نویسد کسله کف فاستغلظ فاستوی علی سوقه

یعجب الزراع لیغیظ بهم الکفار وعد الله الذین امنوا

وعملوا الصالحات منهم مغفرة واجراً کریم

بر چهار عدد چشم مرغ بجه نویسد و بوست او را کبند حرفها تا شاد

بگوند گشاده کهکی الرّ فوقع الحق وبطل ما کانوا یعملون

ما جئتم به السحر ان الله سیبطله ان الله

لا یصلح عمل المفسدین انما صنعوا کید ساحر

لا یفلح الساحر حیث اتی قد نفذ بالحق

فیدمغه فاذا هو زاهق ولکم الویل مما تصفون

لگا سه عدد تخم مرغ را باید کرفت و کچ و بوست کند اول

آیه را بر چشم اول باید نوشت حتی اذا رکبا فی السفینة

خرقها اولم یر الذین کفروا ان السموات و

الارض کانتا رتقا ففتقناهما وجعلنا من الماء کل شیء حی افلا

یؤمنون فاستغلظ فاستوی علی سوقه

بعد از آن یکی کوبند و تجربه باید لگا و نر کردکان هفت

مالد بعد از آن این طلسم را بر بان حیاتیه هر دو لند سفک و در زیر

خود بخود گشاده گردد ٩ﻫ ﻙ ١١ﻫ ٩ ١١٩ ١١١ ١٠

نوعدیگر هرچه بسته باشد الحج ٧ ٩٩ ١١حم ٩ ١١ ١١ ﻫ ١١

مگر بکرا گرفته یکشنبه سوره انا فتحنا را بروی بخواند و بر سینه او بگذارند تا

گشاده گردد نوعدیگر این شش شکل را نوشته در میان

خرما نهند و بخورد گشاده گردد

هط هد همد

لاه علی علی

نوعدیگر هرچه از جادو بسته باشد ... والتصبح

نوشته بگذارند مرد و هم زن که زنده و در دست ایشان

مضمون شود دین اد افزاجگ نوشته زن بر بازوی مرد ببندد

گشاده گردد نسخه بر کمر بندد گشاده گردد

والله یرید ان یتوب علیکم ضعیفا

بر گردن فرزند بندد و ﻫ ١١ ﻫ و ٩ ١ ﻫ اعط ١ ١١ اع

و للنا عمر ٢٢٢٢ العجل العجل العجل العجل حسم مرصلی

البصر هر یری حاشاء دهوص و یحبر علیکم

احد المکان ٧ ١٢ ﻫ ٢ط ، ﻫوﻫ کند باری کی عروة

در ران راست بندد در روز جمعه

انا صححنا	لك	صحا	مبنا
۱۵	۱۲	۵۹۲	۴۹
۱۲	۴۷۸	۵۲	۹۳۹
۹	۹۵۴	۱	۸۱۸

صح ۸۱ ح ماه ۱۱۱ ح ۱۱۱ ع ل

برای آنکه هر که شخص مرغ سیاه نوشته بکشد و شکم پر ده نیمه نماید نیمه خود خورد و نیمه دیگر بزن بخوراند

و و لا لا لا دود لا لا لا احواجا الهما

لواحد لا اله الا هو الرحمن الرحیم انا صححنا لك

صحا مبنا ... م سم م

باب عقد انسان

سوا گوشه را بدین روش نوشته در آستانه خانه هر کس دفن نماید

بیان

زبان او بسته گردد و بالای سخن او سخن نتواند گفت آیات

هو الا بتر شانئك ان وانحر لربك فصل

كالكوثر انا اعطینا ۲ ۲ ۱ ۱ ۲ ۹ ۲ ۸ ۷ ۸ ۱۱ ۹

۱۱۰۹۱۱ ۲۲۲ ریگ نوشته در مشمع گرفته در

زند و رو خود را ان آب بشوید و بشوید را اگر مرد دست بدست

راست و اگر زن دست چپ ببندد و بسم الله الرحمن الرحیم

هذا یوم لا ینطقون و لا یؤذن لهم فیعتذرون

صم بکم عمی فهم لا یبصرون صم بکم عمی فهم لا

یرجعون صم بکم عمی فهم لا یتکلمون صم بکم عمی فهم

لا یذکرون ببندد زبان و تمام اعضا و سه قفل عسس شش رکرت

و ۴ ۴ با با سخوان ۲۲ و ورا بمهر و رسی قفلا این قفلا و جعلنا

من بین ایدیهم سدا فاغشیناهم فهم لا یبصرون

هم ۱۱ ۱۱۱ ۱ ۹ ۱۱۱ ۱۱۱ هو

۱۱۱۰ ۱۱۱۱ ها ها کهیعص حمعسق والله اعلم و اتم

لحالحا لحگا

۱۳۷	۲۹۹	۲۹۲	۱۳۱
۲۹۱	ملاها	قوله	۲۹۹
~~۲۹۲~~ ۱۳۱	من رب	الرحیم	۱۳۷
۲۹۹	۱۳۷	۱۳۱	۲۹۲

اگر خواهی کسی را از محبت
خود مقید کنی که هر چه بگوی
در سخن تو بیرون نرود
این نامها را بنویس یکبار
اسش دفن کن هیچ کرمی اتش بان رسد زبانش در حق
نوشته بکش و از قول تو بیرون نرود اسم ملاه ۲۲۲
لسبم ابد لسبم داحون وحنون لبنو الیسو
وامیث وانا سی تولی میسه لستهل بنیشو سیلا
العجد العجل العجد الساعد الساعد الساعد الوحا
الوحا الوحا لحگا باسم مطلوب نوشته در زیر زبان
گرانند و با هر که سخن گوید زبان او بسته بکشد هر چه گوید
قبول کنند وث مرق لئ ل م ث د ب لئ صد ق
وع دلا ل ام لل ان ب و ل ل ك ل م ائ

لا و ه و ال س ا ی ع ال ع ل ی م و ان

و م ل ن ا ل ع ل ی بعقا در موم کرده با خود نگاه دارد

هر زبانها لند بدگهش او بسته شود اما باید پاک باشد

و با طهارت باشد بسم الله الرحمن الرحیم هذا براءة

من الله العزیز الحکیم ۲۲۲ من شر الس

جمیع الناس وافواههم عامه ومن شر لسان

۲۲ خاصه کیلا یذکروه ولا ینکروه بسوء الا بخیر

فی کل وقت لصه سعلسلعه کهسللعی

وجعلنا من بین ایدیهم سدا ومن خلفهم سدا

فاغشیناهم فهم لا یبصرون حسبی الله نعم الوکیل

نعم المولی ونعم النصیر هذا یوم لا ینطقون

ولا یؤذن لهم فیعتذرون صم بکم عمی فهم لا

یرجعون صم بکم عمی فهم لا یتکلمون صم بکم عمی فهم

لا یعقلون وجعلنا من بین ایدیهم سدا ومن

ومن خلفهم سدا فاغشیناهم فهم لا یبصرون و بحق

اسم الاعظم الاکبر و بکلمات الله التامات و بحق

توریة موسی و انجیل عیسی و زبور داود و بحق فرقان

محمد ص بند زبان و کام دشمنان و ظالمان و حسودان و غماران

و بدگویان صاحب این دعا بحق آدم ع و بحق حوا و شیث

و ادریس و نوح و موسی و عیسی و ابراهیم و یوسف و الیسع

و ذی الکفل و بحق بیست چهار هزار پیغمبر مرسل بشم بسته

دشمنان صاحب این دعوات بحق لا اله الا الله محمد

رسول الله علیا ولی الله العجل العجل العجل الساعه

طرفة العین باذن الله تعالی بحق ی ا ا ل ا ه ی ا

ه ح ه ی ا ع ل ا ی ببندند زبان جمیع بدگویان و دشمنان

و ظالمان در حق دارنده دعا ع بحق صم بکم عمی فهم

لا یتکلمون ختم الله علی قلوبهم و علی سمعهم و علی

ابصارهم غشاوة ک ط ا ۱۱۱ ۱۱ ۱۱۲۸ ۱۱ ۲۸۸

١٢١ ١٢١ محرص ١١م١١٢ ٨ ع‌ر‌و١٢١‌و١١ ٨ ١ع١١١ر ١٣٦٩٩ ١

فالله خیر حافظاً وهو ارحم الراحمین و صلی الله علی خیر خلقه

محمد و آله اجمعین یا الله لو انزلنا هذا القرآن علی جبل

لرأیته خاشعاً متصدعاً من خشیة الله و تلک

الامثال نضربها للناس لعلهم یتفکرون هو الله الذی

لا اله الا هو الملک القدوس السلام المؤمن المهیمن

العزیز الجبار المتکبر سبحان الله عما یشرکون هو الله

الخالق البارئ المصور له الاسماء الحسنی یسبح له

ما فی السموات وهو العزیز الحکیم بسم الله الرحمن الرحیم

قل یا ایها الکافرون تا آخر قل هو الله تا آخر قل اعوذ برب الفلق

قل اعوذ برب الناس تا آخر یکیدون کیداً و اکید

کیداً فمهل الکافرین امهلهم رویدا و ان یکاد الذین کفروا

تا آخر الله لا اله الا هو الحی القیوم تا آخر اصحاب النار هم فیها

خالدون رقه در پستانخانه الکس دفن نماید یابد

۳ ۹ ۸ ۱۱ ۱۵ ۱۱ م و ۱۱۱ س۱۱ه ماه ۱۱ط ۱۸ ۱۸ ۹۹

نوشته در خمیر کرده با لاغ بخوراند زبانش بسته گردد



دو دعا طلا است حه حلادهاون سعص

صطفسع عصنق لطهن نملا محی صم بکم عمی

فهم لا ینطقون بنم زبان جمیع خصمان و بدگویان

دشمنان را روز دیگر در حق دارنده این دعا

مجق صم بکم عمی فهم لا ینطقون ختم الله علی

قلوبهم یا ارحم الراحمین ممم ممم هم هم هم

در دانستن بانگ خروس بی وقت

دوشنبه اگر روز شنبه بانگ کند مردم گانه در آن

خانه کسی را دوست دارد یکشنبه ... صاحب خانه

نزدیک باشد

نزدیک باشند دوشنبه چیز دشمن در رسد سه شنبه خدای تعالی

صاحب خانه را فرزند دهد چهارشنبه و شب چهارشنبه جدائی در میان

زن و شوهر افتد پنجشنبه رحمت نزدیک بود روز جمعه و شب

جمعه روزی بر این خانه گشاده شود در و دیدن روزهای نحس از

حضرت رسول صلعم منقول است محرم یازدهم چهاردهم بیست و دوم

صفر یکم هشتم دهم ربیع الاول دهم چهارم بیستم ربیع الاخر

پنجم ششم دهم بیستم جمادی الاول اوم دهم یانزدهم جمادی الاخر

دوم چهارم چهاردهم رجب ۱۱ ۱۲ دهم شعبان سیم چهارم چهاردهم

رمضان سیم نهم بیستم شوال ششم بیست هشتم ذی القعده

دوم پنجم بیست ششم ذی الحجه ششم هفتم هشتم بیستم و اگر کسی

ترا شنبه دشنه خورده کند یکشنبه عمر نور رسد دوشنبه تو اگر گفته

سه شنبه درد سر شود چهارشنبه خروات یابد پنجشنبه بوس رسد

جمعه از درها ایمنی یابد دو احکام آواز گوش گوش

درست روز شنبه پیش از نماز زنان تا ماه ...

یکشنبه پیش از نماز صفر مستأصل بعد از نماز صبر خوش دوشنبه

پیش از نماز زیادتی مال بعد از نماز نزاع و دشمنی روز سه‌شنبه

پیش از نماز زیادتی مال بود بعد از نماز تفرقت روز چهارشنبه

پیش از نماز صبر دروغ بعد از نماز زیادتی مال پنجشنبه پیش از

نماز زیادتی اولاد و بعد از نماز در مسلمانی قایم الله داشته شد جمعه پیش از

نماز نعمت فراوان از برای اهل بعد پدید آید بعد از نماز [illegible]

باشد که وصل حبیب شنبه پیش از نماز صبر خوش بعد از نماز

یکشنبه پیش از نماز ایمنی بعد از نماز شادی دوشنبه پیش از نماز

صبر خوش بعد از نماز زیادتی مال سه‌شنبه پیش از نماز صبر جنگ بود

بعد از نماز خوشی و قوی چهارشنبه پیش از نماز ایمنی بعد از

زیادتی مال پنجشنبه پیش از نماز صبر غایب بعد از نماز شادی جمعه

پیش از نماز رحمت تنعمت بعد از نماز محنت باشد در حضرت امیر

نقل است که در هفته چه روزی از برای چه کار نیک است

طلب حاجت کرد در پنجشنبه که در وی مستجاب آید دعاها

بروز جمعه تزویج و بمردی | مناسب باشدش دو قوی مدد

نکو بود رفتن شنبه روز شکار | ز بهر صید اندر کوه و صحرا

به یکشنبه بنا کن زانکه در وی | بنا کرد آسمانها حق تعالی

به دوشنبه سفر کردن بود نکو | رسد فیروزی و مال و فرحها

اگر خواهی حجامت روز سه شنبه | که باشد عاقبت کار ترا زیبا

اگر دارو خوری روز چهارشنبه | بهی یابی دوا و بیاری مداوا

آنچه از سفر آوری روز پنجشنبه | روز یکشنبه رفتن نیک است و آدینه

سوی مشرق دوشنبه و شنبه | نشاید رفتن آن جانب

روز سه شنبه چهارشنبه جانب | شمال نشاید رفتن

روز پنجشنبه از بهر مطلوب | سوی جنوب نشاید رفتن

حساب احوال بیمار

اگر خواهی بدانند که بیمار به شود یا نه اسم بیمار با کسی که حساب کنند

و حساب عدد بران بیفزاید و عدد هفته نیز بران زیاده نماید

مثلا بیمار روز یکشنبه بیمار شده است ...

و همچنین تا روز جمعه که شش باشد سی طرح نماید آنچه باقی
ماند درین جدول نگاه کند

لوح حیات			لوح ممات		
۱	۲	۳	۴	۵	۶
۷	۱۱	۱۳	۸	۹	۱۰
۱۴	۱۵	۱۷	۱۲	۱۶	۱۸
۱۹	۲۰	۲۲	۲۱	۲۶	۲۷
۲۱	۲۴	۲۳	۲۵	۲۹	۳۰

نوع دیگر اگر خواهی بدانی که بیمار به شود یا نه نام او را بحساب ابجد کبیر
بشمار با آنچه از ایام هفته که گذشته و ایام بیمار را در درد که
خواهید بر او افزاید و بر ۳۰ طرح کند در جدول معلوم شود احوال بیمار
نیز بدین طریق حساب کن از روز یکشنبه گذشته و از ایام هفته حساب

۱	۲	۷	۵	۹	۴	۶	۸
۱۱	۱۷	۱۴	۱۵	۲۴	۱۰	۱۲	۱۸
۱۹	۲۱	۲۸			۳۰	۲۵	۲۶
بیمار دیر بشود و بیمار بماند			۲۹	اگر نمیرد سلامت باشد	۳	و مدتی در درد هست	

ایضاً فی معرفت احوال مریض و غایب

نام بیمار یا غایب را حساب ابجد کبیر معلوم کنند و ایام
که از ماه قمری گذشته باشد بر او افزاید و سی سی طرح نمایند و باقی را
در جدول طلب نمایند اگر بر ج ط بیمار بمیرد و غایب نیاید
و اگر باقی ط بیمار صحت یابد و غایب مراجعت نماید

۶	۵	۴	۳	۲	۱
۱۲	۱۱	۱۰	۹	۸	۷
۱۸	۱۷	۱۶	۱۵	۱۴	۱۳
۲۴	۲۳	۲۲	۲۱	۲۰	۱۹
۳۰	۲۹	۲۸	۲۷	۲۶	۲۵

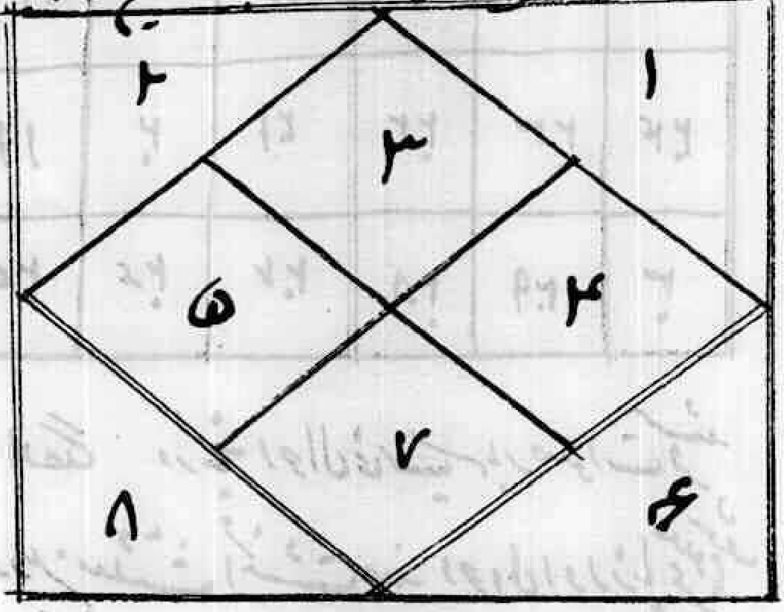
ایضاً در یافت احوال غایب سه بار صلوات فرستند
و در این مثلث انگشت نهد احوال او را زبانی معلوم گردد

۴	۹	۲
۳	۵	۷
۸	۱	۶

از هشتش و چار رخ غایب آید گاه   در هفت و دو دست یار از دگر گاه

اندر یک و پنج و نه نشسته حریف   در هشتم و در سیم تکیه و طولا

ملنگ هر که ز مهره پیش آید انگشت بر یکی از این خانه نهند



حکم او ازین ابیات معلوم خواهد شد نظم

یکی خوب گردید با سه لذت بخت براید کار ۵ چهار سعد نحس

ششم نیکویی بس دو شود ۵ سعادت یابد لذت مقصم فراد

دل شته حاصل ۵ نهم هم براید کار بعد از مدت بسیار

در احکام بیمار در ایام ماه

۱ ماه نهرجنبه زود ۲ برخیزد و راحت یابد ۳ بیماری او

سخت باشد و کشنده ۴ صحت یابد بعنایت الله ۵

بعنایت بد باشد صدقه بدهد ۶ زود صحت یابد بقول الهی

۷ بعد از هفت روز بسیار خرم کند ۸ بعد از ده روز

برخیزد ۹ زود صحت یابد ۱۰ بعد از ده روز برخیزد [زود صحت یابد ۱۱]

۱۲ سخت باشد و کشنده تصدق دهد و زیست ۱۳ زود راحت

یابد ۱۴ بعد از بیست روز برخیزد ۱۵ سخت باشد و کشنده

نحوست و خوف بد توبه کند و تصدق دهد و وصیت کند

۱۶ بعد از ده روز بیمار شود و بسیار نجات دارد

۱۷ بد است ده روز به شود و اسید نجات و درد ۱۸ از خود جهد
و درست باشد ۱۹ شفا یابد ۲۰ رنج برخیزد ۲۱ بد بود و بیم
هلاکت دارد ۲۲ رنج به شود و خوشی نگهی ۲۳ بد است سیزده
روز به شود ۲۴ نجات بد بود تصدق کند ۲۵ البا رنجه بود
۲۶ بر زودی برخیزد و درست باشد ۲۷ برخیزد و در اسب نشیند
۲۸ بد است سه روز به شود ۲۹ رنج صعب باشد ۳۰ از خود برخیزد
در احوال بیماری باب ایام هفته نام بیمار و مادر و روز
ی باب ابجد کبیر حساب کن و سه سه طرح کن و به بین
که چه روز بیمار شده است اگر روز یکشنبه بیمار شده است
اگر یک ماند به شود و اگر دو ماند بیماریش بطول کشد و اگر سه ماند
بمیرد و اگر روز دوشنبه بیمار شده است اگر دو ماند به شود
و اگر سه ماند بیماریش بطول کشد و اگر یک ماند بمیرد و اگر
روز سه شنبه بیمار شده است اگر سه ماند به شود اگر دو ماند
بمیرد و اگر یک ماند به شود بیماریش دراز کشد اگر روز چهارشنبه

بیمار شده است اگر یک باشد به شود اگر دو باشد بیمارش

دراز کشد اگر سه باشد بمیرد اگر روز پنجشنبه بیمار شده است

اگر سه باشد بیماریش بطول کشد اگر دو باشد به شود و اگر یک باشد

بمیرد و اگر روز جمعه بیمار شده اگر سه باشد به شود و اگر دو باشد

بمیرد و اگر یک باشد بیماریش بطول کشد و اگر روز شنبه بیمار

شده اگر سه باشد بمیرد و اگر دو باشد بیماریش طول کشد و اگر یکی

باشد به شود والله اعلم اگر خواهی از احوال غایب معلوم

شود نام او با نام آن شخص در یک از زمین خانها کنند بحکم او روز را با عدد معلوم

اگر شش چهار غایب آید یا گاه در هشت و ده بیست از کار آگاه

۶	۷	۲
۱	۵	۹
۸	۳	۴

[illegible]

احوال	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
محرم	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
صفر المظفر	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
ربیع الاول	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
ربیع الثانی	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
جمادی الاول	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
جمادی الثانی	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
رجب	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
شعبان المعظم	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
رمضان	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
شوال المکرم	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
ذی قعده	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
ذی حجة الحرام	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]

در احکام قمر در عقرب حمل ۱۷

نصف روز ۱۸ ثور ۱۳ ۱۴ ۱۵ جوزا ۱۲۱۵

۱۳ سرطان ۷ ۹ ۱۰ اسد ۷ نصف روز ۸

سنبله ۴ ۵ نصف روز تمام میزان ۲۷۲

۲۹ تمام عقرب ۲ ۲۸ قوس ۲۷۲

نصف روز تمام جدی ۲۴ ۲ دلو ۲

۲۳ نصف روز ۲۳ حوت نصف روز ۲۱ ۲۲

حساب نقطه شمار

از حضرت امیر مرویست که هر کرا مهمی پیش آید و خواهد که چگونه نیک و بد را بداند باید از روی اعتقاد درست سه سطر نقطه بکشند و نه شمارد باین طریق که سطر اول

لذ دوم و سیم از شش بیشتر باشد باین طریق

....

....

....

لکلکح

نام شمارند

اگر یک نماید تعلق بزهره دارد امر نیکو باشد و مراد در رسد
و اگر دو نماید تعلق بمریخ دارد و مدتی از آن سمت برگردد
و اگر سه نماید تعلق بشمس دارد قطع نظر کند و مطلق
متوجه نشود و اگر چهار نماید تعلق بزحل دارد مراد یابد
و اگر پنج باشد تعلق بمشتری دارد و آن کار ساخته شود و اگر شش باشد
بقمر تعلق دارد و در همان روز ساخته شود و اگر هفت باشد
بعطارد تعلق دارد و مرادش بسهل وجهی برآید و اگر هشت
نماید بذنب تعلق دارد و در آن مهم رنج یابد و بمراد نرسد

دلیل بعض فلک در مهمات

چون کسی را کاری و مهمی باشد و متردد باشد این شکل را در پیش
خود نهد و چشم بر هم نهد و بآن قصد انگشت بر یکی از این
خانها نهد اگر انگشت بر خانهٔ سرخ آید در آن
کار شروع کند و اگر بخانهٔ سیاه آید ترک آن کار
کند که بسیار بد است مراد آورده و از صفحهٔ آتی

سیاه ۱	سرخ ۳۲	سرخ ۳۴	سیاه ۳	سیاه ۳۵	سرخ ۶
سرخ ۳۵	سرخ ۸	سیاه ۳۷	سرخ ۲۸	سیاه ۱۱	سیاه ۷
سرخ ۴۵	سرخ ۲۴	سیاه ۱۵	سرخ ۳۶	سیاه ۱۳	سیاه ۲۳
سیاه ۱۹	سیاه ۱۷	سیاه ۲۱	سرخ ۲۲	سرخ ۱۸	سرخ ۱۴
سرخ ۱۵	سرخ ۲۶	سرخ ۱۲	سیاه ۹	سیاه ۲۹	سیاه ۲۵
سیاه ۳۱	سرخ ۴	سرخ ۲	سیاه ۲۳	سیاه ۵	سرخ ۳۲

نزد در باب حرمت مکینت　　عصمت چو سنت مایه کیست

هر که بگرفت پیرایش ما را　　بس برانداز حرمت خانمان ما را

اولاد روی بی نماز مبین　　دیم از راه کور و زنشین

در جنابت مکن تو مه بر او　　دست و ایسن مگیر در راه مرد

تاج در زیر پای خویش منه　　کفش در زیر سر تو جا مده

بد نگاه

برخ آینه تو بار مدم | که بشود مهر تو بدلها کم

آسیا به بند و بسیار شست | بنشین و بپوش شلوار دست

سر بهر آستان تو خواب مکن | آخ نقش را بروی آب مکن

شب در آئینه روی خویش مبین | بسر بار بی سبب منشین

مگذر هیچگه میان دو زن | شانه زن بریش خویش مزن

پای بر ریزهٔ قلم منهی | خاکروبه بکنج نه جا بهج

مکنی کار با سمت بد | مخور بر رخ گدا چین دو

صورت خود بمردمان منما | اهل میت بده بخانه تو جا

شب جمعه پیاز خام مخور | روز بد رخت نو مپوش و مبر

بد مکن چونکه نیک نتوانی | نیک و بد را تو عاقبت دانی

تو مکن غیبت و دروغ مگو | صحبت خود را ز بغض کینه بشوی

بر سر بار آسیا منشین | سر خود را سه شنبه تو متراش

چهارشنبه مگیر تو ناخن | روز آدینه نیز نوره مکن

دور رو تو از تهمت و ریا مگریز | دولت ار بایدت سحر برخیز

هیچ کنبت چه پنهان زینت — با کلام خدای بازی نیست

تمت فی یوم الخامس و عشر الثانی

من شهر العاشر من سنه ثامن

و عشر السابع من

مائة الثالثه

من الالف الثانی من الهجره النبویه علیه التحیه والثنا

[illegible]

لوح حیات

ایک ۱	دو ۲	سه ۳
هفت ۷	یازده ۱۱	سیزده ۱۳
چهارده ۱۴	بیست ۲۰	بیست دو ۲۲
نوزده ۱۹	پانزده ۱۵	هفده ۱۷
بیست هشت ۲۸	بیست شش ۲۶	بیست سه ۲۳

لوح ممات

چهار ۴		پنج ۵	شش ۶
هشت ۸	نه ۹	ده ۱۰	بیست یک ۲۱
شانزده ۱۶	هیجده ۱۸	دوازده ۱۲	بیست چهار ۲۴
بیست هفت ۲۷		بیست پنج ۲۵	بیست نه ۲۹

سیحی میر

شرح دعای ام الصبیان

که روزی حضرت رسول در مسجد نشسته بود که ناگاه
شخص مهیبی لذ در درآمد و سلام کرد حضرت
جواب باز حضرت پرسید که تو کیستی گفت منی فرشته ام
پس حضرت رسول فرمود که تو دروغ میگوئی دیوی
یا پری در این سخن بودند که جبرئیل بیامد و سلام
کرد گفت یا رسول الله درود و سلام حق تعالی
بر شما باد بعد از درود و سلام میفرماید که این
شخص عجیب است از او سؤال کن که قدرت
حق تعالی پس حضرت رسول فرمود که نام تو
من ام الصبیان و مقام من نزدیک کود
کان و زنانیست که زاییده باشد و کودکان را
مغلوب میکنم و زنان را آزارم میکنم
کنم و دبرانگی و صرع و درد سر و درد

و مرضهای عجیب و غریب با ایشان دهم و هیچ کس دوای
آن را نداند و علتها برانگیزانم و هرگونه اعضای ایشان را
بزرگ کنم چنانکه گویند این چه روایت و کسی نداند که این
چیست و دیگر زنان را برگیرم و دل ایشان را ببرم بمرتبه که
ایشان هلاک شوند و دیگر فضلا و علما را وسوسه کنم تا نماز
و وضو و غسل کنند درست نبوده باشد و دیگر در حرم زنان
ایشان شب بر سر و روی طفل ایشان زنم تا بچه ایشان
بیفتند و گویند بچه ساقط شد انفعال من باشد و دیگر بر سر
راهها و گذرهای عظیم مسکن میکنم و دیگر دختران را از راه
بر برم و در دریا ایشان را غرق کنم و دیگر در چاهها و دره‌ها
و کوهها مقام میکنم و مردم را غلط اندازم و بی خانمان
سازم و این کارها تمام در دست من باشد و بسیار
کسان را از راه ببرم و از خانه دور کنم و بعضی اندازم
حضرت رسول فرمود که یا علی این ملعون بقتل برسان جبرئیل
عرض کرد

جبرئیل عرض کرد که یا رسول الله حقت سلام میرساند
که ما او را بجهت کفار آفریدیم کشتن او روا نیست
از و سؤال کن که دفع او بچه توان کرد پس حضرت رسول
او را نزدیک خود طلبید و فرمود که بآن خدایی که مرا برا
ستی بخلق فرستاده است خبر ده که اگر امت من بسبب
تو گرفتار شوند دفع او بچه توان کرد ام الصبیان
گفت بحق آن خداوندی که ترا براستی بخلق فرستاده
است که هر کس این هیکل را با خلاص در گردن خویش با
نگاه دارد اگر نتواند بخواند از شر من ایمن گردد و
دارنده این شکل از شر دیو و پری و از شر جن و انس
و هفتاد و دو ملت ایمن باشد و بهیچ بلایی گرفتار نشود
و دارنده این دعا در آب غرق نشود و در آتش
نسوزد و بر جمیع دشمنان مظفر و منصور گردد پس حضرت
رسول اشاره با میر المؤمنین کرد که هر چه او میگفت الحکایه

رقم مبکرد و این دعا میان امت منتشر شد

رقم میکرد و این دعا میان امت منتشر شد هذا الدعاء ام الصبیان بسم الله الرحمن الرحیم

بسم الله و بالله و الی الله و هذا کتاب من الله العلی العظیم و من نقش خاتم السلیمان ابن داوود و علیهما السلام و هو ملک الجن و الانس و الشیاطین و کل بناء و غواص و الی جمیع ما فی الارض بامر الله تعالی و عز و جل و باذنه کان یکون لصاحب بهذا الکتاب و من التی لا یذل و التوابع و العفواان و الغیلان و الغدلان و ام الصبیان و من اللی بهش و الابوش و الاهرش و جمیع الارواح الخبثة الی الخبثة الخبیثة عزمت علیکم یا معاشر الجن و الارواح

والازواج انتم ان كنتم من ازواج اليهو
دية فاني عزمت عليكم بربكم ونبيكم مو
سى عليه السلام وكتابكم التوراية فتبارك
الله احسن الخالقين وانتم ان كنتم
من ازواج النصرانية فاني عزمت
عليكم بربكم ونبيكم عيسى عليه السلام
وكتابكم الانجيل فتبارك الله خير
احفظ الحافظين وانتم ان كنتم من
ازواج المجوسية فاني عزمت عليكم
بربكم ونبيكم داود عليه السلام وكتابكم الز
بور فتبارك الله رب العالمين وانتم
ان كنتم من ازواج المسلمين والصابئين
فاني عزمت عليكم بربكم هو الله
واحد القهار ونبيكم ورسولكم

مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ
وَسَلَّمَ وَلِكِتَابِكُمُ الْقُرْآنِ الْعَظِيمِ وَبِعَظَمَتِهِ
وَقِرَاءَتِهِ وَمِنْ أَعْظَمِ الْقُرْآنِ لَا إِلٰهَ
إِلَّا اللّٰهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ إِلٰهاً
وَاحِداً أَحَداً وَمَلِكاً قَادِراً قَاهِراً وَ
مَلِيكاً عَزِيزاً بَصِيراً مُتَعَدِّداً لَا إِلٰهَ
إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ إِنِّي كُنْتُ مِنَ ا
لظَّالِمِينَ فَاسْتَجَبْنَا لَهُ وَنَجَّيْنَاهُ مِنَ الْغَمِّ
وَكَذٰلِكَ نُنْجِي الْمُؤْمِنِينَ لَا إِلٰهَ إِلَّا
اللّٰهُ الْغَنِيُّ الْمُغْنِي الْعَلِيُّ الْعَظِيمُ الْكَبِيرُ
الْعَلِيمُ الْحَيُّ الْقَيُّومُ الْحَنَّانُ الْمَنَّانُ الْأَ
حَدُ الصَّمَدُ الْوَاحِدُ الْقَهَّارُ ا
لْمُقْتَدِرُ الْفَرْدُ الْمُعِزُّ الْمُذِلُّ الَّذِي
لَا إِلٰهَ إِلَّا هُوَ لَمْ يَلِدْ وَلَمْ يُولَدْ

وَلَمْ يَكُنْ

ولم يكن له كفوا احد السميع العليم

الله لا اله الا هو الحي القيوم

لا تاخذه سنة ولا نوم له ما في

السموات وما في الارض من ذا الذي

يشفع عنده الا باذنه يعلم ما بين

ايديهم وما خلفهم ولا يحيطون

بشيء من علمه الا بما شاء وسع

كرسيه السموات وما في الارض

ولا يؤده حفظهما وهو العلي

العظيم هو الجبار القديم والستار

العليم والقهار القوي العظيم

شهد الله انه لا اله الا هو

الذي لا اله الا هو والملائكة والو

العلم قائما بالقسط لا اله الا هو

العزيز الحكيم إن الدين عند الله الاسلام
ختمت بهذا التعويذ بسم الله
العلي العظيم العالي المتعال تعالى
الله عما يصفون وباسم محمد صلى الله عليه
واله وسلم تسليما كثيرا كثيرا ذكرا وباسم
من خلق عليه هذا مقفيس وكبوا ذكرا
وانثي حرا وعبدا وبحق الله تعالى
وبحق خاتم سليمان ابن داود عليه السلام
وبحق خاتم اصف ابن برخيا وبخاتم
شعيب النبي وبخاتم يحيا وبخاتم يعقوب
وذكريا انا نبشرك بغلام اسمه
يحيا لم نجعل له من قبل سميا وبخاتم
موسي ابن عمران وبخاتم عيسى ابن مريم
وبخاتم محمد وبحق مائة واربع عشرة

سورة وآية

سُورَةٍ وَآيَةٍ وَحَرْفاً وَكَلِمَةً وَأَمْراً وَ
نَهْياً وَنَاسِخاً وَمَنْسُوخاً مِنَ الْقُرْآنِ
يَا ذَا الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ وَالْجَمَالِ وَا
لْبَهَاءِ احْفَظْ عَبْدَكَ وَابْنَ عَبْدِكَ
مِنْ هَذِهِ الْآفَةِ الصَّعْبِ وَمِنْ كُلِّ شَيْءٍ
وَمِنْ شَرِّهِ وَمِنْ كُلِّ آفَاتِ الدُّنْيَا
وَالْآخِرَةِ وَمِنْ جَبَلِهَا وَسَهْلِهَا
وَخَرَابِهَا وَعُمْرَانِهَا يَا غِيَاثَ الْمُسْتَغِيثِينَ
يَا جَارَ الْمُسْتَجِيرِينَ يَا دَيَّانَ يَوْمَ الدِّينِ
يَا دَيَّانَ يَوْمِ الدِّينِ وَيَا سَرِيعَةَ الْمُلْكِ
لِسُلَيْمَانَ وَبِحَقِّ إِنَّهُ مِنْ سُلَيْمَانَ وَإِنَّهُ
بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ أَلَّا تَعْلُوا عَلَيَّ
وَأْتُونِي مُسْلِمِينَ يَا لَا إِلَهَ إِلَّا أَ
نْتَ سُبْحَانَكَ إِنِّي كُنْتُ مِنَ الظَّالِمِينَ

يا لا اله الا انت الكريم الديان ليوم
الدين يا اله الاولين والآخرين بحق
السبع سبع السموات والارضين و
اله العالمين بحق كهيعص و
حمعسق وطه ويس وق ون بحق
الواحد الاحد الصمد الذ
ي لم يلد ولم يولد ولم يكن له
كفوا احد بسم الذي لا اله
الا هو الحي القيوم العلي العظيم و
الحمد لله رب العالمين كانهم يوم
يرونها لم يلبثوا الا عشية او ضحيها
كانهم يوم يرونها ما يوعدون لم
يلبثوا الا ساعة من نهار بلاغ فهل
يهلك الا القوم الفاسقون يا
مخلص عيسى ابن مريم خلصني من علق

عليه هذا ۱۸٦

عليه بهذا الكتاب بسم الله وبالله

ومن الله ففتحنا ابواب السماء بماء

منهمر وفجرنا الارض عيونا فا

لتقى الماء على امر قد قدر و

يوم تشقق السماء بالغمام ونزل

الملائكة تنزيلا الملك يومئذ ا

لحق للرحمن انا صببنا الماء صبا ثم

شققنا الارض شقا فانبتنا فيها

حبا وعنبا وغضبا وزيتونا ونخلا و

حدائق غلبا وفاكهة وابا متا

عا لكم ولانعامكم فاذا جاءت

الصاخة بسم الله الرحمن الرحيم

انا فتحنا لك فتحا مبينا ليغفر لك

ما تقدم من ذنبك وما تاخر

ويتم نعمته عليك ويهديك صراطا مستقيما

وينصرك الله نصرا عزيزا اولم

يرَ الذين كفروا ان السموات والا

رض كانتا رتقا ففتقناهما وجعلنا

من الماء كل شيء حي افلا يؤمنون

بسم الله الرحمن الرحيم اذا السما

ء انشقت واذنت لربها وحقت

واذا الارض مدت والقت ما

فيها وتخلت وبالحق انزلناه

وبالحق نزل ان وليي الله الذي

نزل الكتاب وهو يتولى الصالحين

فان تولوا فقل حسبي الله لا اله

الا هو عليه توكلت وهو رب

العرش العظيم وبه بسم الله الرحمن الرحيم

الذی لا ا

الذي لا اله الا هو رب ابراهيم
واسحق ويعقوب والاسباط و
رب جبرئيل وميكائيل واسرافيل
وعزرائيل اعيذ من علق عليه
كتابي هذا باسماء الله الاكبر و
بكلمات الله التامات التي لا
يجاوزهن بر ولا فاجر وبا
سماء الله الحسنى وبعزت ملكو
ت الله وجبروته وعظمته وعزته
من شر كل دابة هو آخذ بناصيتها
ان ربي على كل شيء قدير ومن
شر التامات والصامت والناطق
والظاهر والباطن والشاهد والغا
يب والغابر والنائم والرايح ومن شر

كل دابة في الشجر والثمر والبر والبحر
اعجمي او عربي او فصيح او قائما او قاعد
او نائما او يقظانا صاحب السحاب
او ساكن الظلمات بلغ ما بلغ المبلغ
خطايا ويعمل بها وينقلها اعيذ بذلك
من علق عليه كتابي هذا هو في حرز الله
حيث كان وحيث ما كان او كائن
ما كان والله يعيذه والله وليه
وحافظه وحارسه وعافيه مما به من
عيب او نقص او امر او مما شاء ما شاء الله
لا قوة الا بالله العلي العظيم باذن الله
فحسبنا الله حسبت واعيذ بالله
الاحد الصمد الذي لم يلد ولم يولد ولم
يكن له كفوا احد واعوذ برب الفلق

من شر

مِنْ شَرِّ مَا خَلَقَ وَمِنْ شَرِّ غَاسِقٍ إِذَا
وَقَبَ وَمِنْ شَرِّ النَّفَّاثَاتِ فِي الْعُقَدِ وَمِنْ شَرِّ
حَاسِدٍ إِذَا حَسَدَ وَأَعُوذُ بِرَبِّ النَّاسِ
وَمِنْ شَرِّ الْوَسْوَاسِ الْخَنَّاسِ الَّذِي
يُوَسْوِسُ فِي صُدُورِ النَّاسِ مِنَ
الْجِنَّةِ وَالنَّاسِ اللَّهُمَّ بِحَقِّ هَذَا الْقُرْآنِ
الْعَظِيمِ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ عَبْدِكَ وَرَسُو
لِكَ يَا صَمَدُ مِنْ عِنْدِكَ وَمَدَدِي
وَعَلَيْكَ أَتَوَكَّلُ فَاغْفِرْ لِي وَلِوَالِدَيَّ
وَلِلْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ اللَّهُمَّ
إِنِّي أَسْأَلُكَ يَا دَائِمُ الْأَبَدِ الْمُحْصِي
الْأَعْدَادِ مَنْ فِيهِ يَلِدْ الَّذِي لَمْ يَلِدْ
وَلَمْ يُولَدْ وَلَمْ يَكُنْ لَهُ كُفُوًا أَحَدٌ يَا
اللَّهُ يَا اللَّهُ يَا اللَّهُ يَا رَحْمٰنُ يَا رَحْمٰنُ

يَا رَحْمٰنُ يَا رَحِيمُ يَا رَحِيمُ يَا رَحِيمُ

يَا مَالِكَ يَوْمِ الدِّينِ يَا قُدُّوسُ

يَا سَلَامُ يَا مُؤْمِنُ يَا مُهَيْمِنُ يَا عَزِيزُ

يَا جَبَّارُ يَا مُتَكَبِّرُ بِفَضْلِكَ يَا أَرْحَمَ

الرَّاحِمِينَ اَللّٰهُمَّ احْفَظْ حَامِلَ هٰذَا

الْهَيْكَلِ مِنْ جَمِيعِ الْبَلَاءِ وَالْمَرَضِ وَالْعِلَلِ

وَالْجُنُونِ وَالْوَسْوَسَةِ وَمِنْ شَرِّ الْجِنِّ

وَالْإِنْسِ وَمِنْ شَرِّ آفَاتِ الدُّنْيَا

وَالْآخِرَةِ بِحَقِّ آيَاتِكَ الْعَظِيمِ وَبِحَقِّ

لَا إِلٰهَ إِلَّا اللّٰهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ

لَهُ إِلٰهاً وَاحِداً صَمَداً فَرْداً وِتْراً حَيّاً أَحَداً

قَيُّوماً دَائِماً أَبَداً بِيَدِكَ الْخَيْرُ وَ

هُوَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ وَبِحَقِّ

أَسْمَائِكَ الْعِظَامِ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ

مُحَمَّدٍ وَأَنْ تَكْشِفَ وَتُعَافِيَ صَاحِبَ هٰذَا الدُّعَاءِ

بِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ أَجْمَعِينَ تمام شد

شرح دعای یس مغربی

بسم الله الرحمن الرحیم

روایت میکنند از حق امام جعفر صادق علیه السلام
از رسول خدا که هرکه سوره یس مغربی را بایی
طریق بخواند جمیع مرادات دینوی و اخروی او حاصل
شود بتوفیق الله تعالی و اگر کسی هفت نوبت این
سوره را بخواند و بر سنگ آسیا دمد بفرمان الله تعالی
سنگ آسیا بایستد و اگر کسی این سوره را بآب روان
بخواند و بر آن آب وضو سازد و دو رکعت نماز بگذارد
در هر رکعتی یکبار این سوره را بخواند اگر همه عالم
را آب بگیرد آن شخص در روی آب باشد
المر بور برسد بفرمان الله تعالی و اگر این
سوره را هفت بار بخواند و بعد از آن بگوید
که فلان ابن فلان کسی را با فلان سلطان نزد

من بیاید در حال حاضر گردانند بفضل رب خدا تعالی
واگر این سوره را هفت بار بخواند و بر کاغذ پاکیزه که با
طهارت باشد بنویسد و روی بقبله کند و هفت بار
دیگر پیوسته بخواند با عتقاد درست آنگاه کاغذ را
بگردن بندد عجایبها بیند که بوصف در است نیاید
واگر کسی این سوره را بنویسد و در بازوی راست
بندد دوست و دشمن جمله خلایق مسخر وی گردند
واگر کسی خواهد که بخت دولت بروی گشاده گردد
دو رکعت نماز بخواند و هر رکعتی یکبار این سوره را
بخواند و آن نماز را روز سه شنبه یا پنجشنبه یا جمعه
بگذارد که بخت دولت بروی گشاده گردد
انشاء الله و این مجربست و اگر از کسی غایب
این سوره را بخواند بیست یکبار آن غایب بسلامت
در زود باز آید و اگر سوره را بر کاغذ بنویسد

و بسوم کیه

دهوم کرد و در باز دیگر ببندد و عجایبها ببیند و در نزد
خلایق عزیز و گرامی باشد و اگر خواهد زود تر اثر کند یکبار شش
از نوشتن بخواند که اثر عظیم دارد و هر که این سوره را در
شبانه روزی یکبار بخواند یا هفت بار بخواند چنان باشد که ختم
قرآن کرده باشد و پیوسته در امان حق تعالی بوده باشد
و اگر این سوره را هفت بار بخواند روزی فراخ شود و اگر متاع فرو
ختنی داشته باشد که خریدار نباشد این سوره را چهل بار
بخواند و بران دمد بازار تیز پیدا شود و سود بسیار
ببیند و اگر مردی کسی را بسته باشد که بهیچ وجه گشاده
نشود باید که هفت روز این سوره را بنویسد
و بخورد گشاده شود ان شاء الله و هر علتی که در
درون وی باشد دفع شود و اگر کسی دست تنگ
و بی‌چیز باشد بعد از نماز خفتن این سوره را یکبار بخواند و صد
صلوات بر حضرت رسول فرستد حق سبحانه و تعالی روزی بر وی

بر دیر خراج کرد اند دغنی گردد که لا یحتاج ابدا و اگر کسی را
مهمی پیش آید که چاره آن نداند این سوره را بزعفران و گلاب
بنویسد و بشوید و بخورد دل قوی گردد و هر چه بشنود یاد گیرد
و فراموش نکند و اگر این سوره را بنویسد و بر درختی که میان باغ باشد
بیاویزد هرگز آفت بآن باغ نرسد و در خانه که آن سوره باشد دیو و پری
و جن و انس و گزنده آسیب نرسانند باهل خانه و مال ایشان بفرمان
الله تعالی و اگر کسی را فرزند نباشد نشود باشود و بخواند این سوره را
بزعفران و گلاب بنویسد و در موم گیرد و در آب اندازد و زن از آن
آب بخورد و شوهر نیز بخورد آنگاه در بازوی راست بندد و با شوهر صحبت کند
فرزند نوحه آید بفرمان الله تعالی و اگر کسی را مهمی پیش آید باعتقاد درست
بخواند و شکر بیاورد در ساعت مشتری اختیار کند الله مرادش حاصل
شود و مقصودی که در دل دارد بر آید و گره از کار بسته بگشاید و اگر
کسی خواهد کسی که جمله پری و جن و انس مسخر او گردد هر صباح سه
مرتبه بخواند مراد حاصل گردد و اگر کسی را مار و عقرب گزیده باشد

هفت بار این سوره

هفت باران سوره را بخواند و در آب زند و آب ایرا بخورد

شفا یابد و اگر کسی نتواند بخواند بنویسد بر پوست آهو تا همراه

دارد و هیچ ضرر کننده بروی نرسد و اگر خواهد که زبان بدگویان

بسته شود خاک از دو گور کهنه بر دارد و یکبار این سوره بخواند

و آن خاک را گل کند و بدیوار آنکس زند یا بپاشد زبان آنکس

بسته شود و بدی نتواند گفت و اگر کسی چیزی یا متاعی

داشته باشد که خریدار نباشد و کاسد باشد هفت بار

این سوره را بخواند و در آن دمد بازار رونق رواج گردد و همه

فروخته شود بفرمان خدای تعالی و خواص این سوره

بسیار است از هزار یک تعلیم نمایم و مختصر کردیم

تا خواننده یا نویسنده را آسان نماید والله اعلم

بالصواب وعلیه توکلت والیه متاب

هذا دعای یس مغربی

بسم الله الرحمن الرحیم

یس یس یس یس یس یس یس یس

وَالْقُرْآنِ الْحَكِيمِ إِنَّكَ لَمِنَ الْمُرْسَلِينَ
عَلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ تَنْزِيلَ الْعَزِيزِ الرَّحِيمِ
لِتُنْذِرَ قَوْمًا مَا أُنْذِرَ آبَاؤُهُمْ فَهُمْ
غَافِلُونَ لَقَدْ حَقَّ الْقَوْلُ عَلَى أَكْثَرِهِمْ فَهُمْ
لَا يُؤْمِنُونَ إِنَّا جَعَلْنَا فِي أَعْنَاقِهِمْ
أَغْلَالًا فَهِيَ إِلَى الْأَذْقَانِ فَهُمْ مُقْمَحُونَ
وَجَعَلْنَا مِنْ بَيْنِ أَيْدِيهِمْ سَدًّا وَمِنْ خَلْفِهِمْ
سَدًّا فَأَغْشَيْنَاهُمْ فَهُمْ لَا يُبْصِرُونَ وَسَوَاءٌ
عَلَيْهِمْ أَأَنْذَرْتَهُمْ أَمْ لَمْ تُنْذِرْهُمْ
لَا يُؤْمِنُونَ إِنَّمَا تُنْذِرُ مَنِ اتَّبَعَ الذِّكْرَ
وَخَشِيَ الرَّحْمَٰنَ بِالْغَيْبِ فَبَشِّرْهُ بِمَغْفِرَةٍ وَأَجْرٍ
كَرِيمٍ إِنَّا نَحْنُ نُحْيِي الْمَوْتَىٰ وَنَكْتُبُ مَا قَدَّمُوا
وَآثَارَهُمْ وَكُلَّ شَيْءٍ أَحْصَيْنَاهُ فِي إِمَامٍ
مُبِينٍ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَٰنِ الرَّحِيمِ

وَالشَّمْسِ وَضُحٰيهَا وَالْقَمَرِ اِذَا تَلٰيهَا وَالنَّهَا

رِ اِذَا جَلّٰيهَا وَاللَّيْلِ اِذَا يَغْشٰيهَا وَالسَّمَاءِ

وَمَا بَنٰيهَا وَالْاَرْضِ وَمَا طَحٰيهَا وَنَفْسٍ

وَمَا سَوّٰيهَا فَاَلْهَمَهَا فُجُوْرَهَا وَ

تَقْوٰيهَا قَدْ اَفْلَحَ مَنْ زَكّٰيهَا وَقَدْ خَابَ

مَنْ دَسّٰيهَا كَذَّبَتْ ثَمُوْدُ بِطَغْوٰيهَا اِذِ

انْبَعَثَ اَشْقٰيهَا فَقَالَ لَهُمْ رَسُوْلُ اللّٰهِ

نَاقَةَ اللّٰهِ وَسُقْيٰهَا فَكَذَّبُوْهُ فَعَقَرُوْهَا

فَدَمْدَمَ عَلَيْهِمْ رَبُّهُمْ بِذَنْبِهِمْ فَسَوّٰ

يهَا وَلَا يَخَافُ عُقْبٰهَا اَقْسَمْتُ دَعْوَ

قًا وَاَقْسَمْتُ عَلَيْكُمْ يَا كَطْفُ يَا سَائِلُ

اَللّٰهُمَّ سَخِّرْ لِي قَلْبَ فُلَانِ ابْنِ فُلَانٍ

عَلٰي مَحَبَّتِي بِحُرْمَةِ سُوْرَةِ الشَّمْسِ وَبِحُرْمَةِ

اِسْمِ الْعَظِيْمِ وَبِحَقِّ حُرْمَةِ نَبِيِّكَ

كجع طعجينو شي وَاضْرِبْ لَهُمْ مَثَلًا أَصْحَابَ الْقَرْيَةِ
إِذْ جَاءَهَا الْمُرْسَلُونَ إِذْ أَرْسَلْنَا إِلَيْهِمُ
اثْنَيْنِ فَكَذَّبُوهُمَا فَعَزَّزْنَا بِثَالِثٍ فَقَالُوا
إِنَّا إِلَيْكُمْ مُرْسَلُونَ قَالُوا مَا أَنْتُمْ إِلَّا
بَشَرٌ مِثْلُنَا وَمَا أَنْزَلَ الرَّحْمٰنُ مِنْ شَيْءٍ إِنْ
أَنْتُمْ إِلَّا تَكْذِبُونَ قَالُوا رَبُّنَا يَعْلَمُ إِنَّا إِلَيْكُمْ
لَمُرْسَلُونَ وَمَا عَلَيْنَا إِلَّا الْبَلَاغُ الْمُبِينُ
بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ قُلْ يَا أَيُّهَا الْكَا
فِرُونَ لَا أَعْبُدُ مَا تَعْبُدُونَ وَلَا أَنْتُمْ
عَابِدُونَ مَا أَعْبُدُ وَلَا أَنَا عَابِدٌ مَا عَبَدْ
تُمْ وَلَا أَنْتُمْ عَابِدُونَ مَا أَعْبُدُ لَكُمْ دِ
ينُكُمْ وَلِيَ دِينِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ يَا رَحْمٰنُ
يَا رَحِيمُ يَا رَءُوفُ يَا عَطُوفُ يَا جَلِيلُ يَا جَبَّا
رُ يَا جَوَادُ يَا جَاعِلُ يَا اللّٰهُ أَجِبْ دَعْوَتِي

يَا جَبْرَئِيلُ

يا جبرئيل انت وخدّام ملك من اي جانبة
والعلويّة الارضيّة وانت امره سميعا
بصيّ امطيعا بحرمة الرحمن الرحيم
وبحق رعوف العطوف الملك الموكل
الغالب عليكم امره هوذ وبحق مهطهيل
وقدمنا الى ما عملوا من عمل فجعلناه هباء
منثورا واقسمت عليكم يا بهطفيائيل
اللهم سخر لي قلب جميع المؤمنين والمو
منات وقلب فلان ابن فلان علي بمحبتي بحق
اسم العظيم وبحرمة حوّاء وبحرمة سيد
ك تبدع مصطبوبيّ انا نجابا السمع و
الطاعة وتيجو قالوا انا تطيرنا بكم
لئن لم تنتهوا لنرجمنكم وليمسكم منا عذاب
اليم قالوا طائركم معكم ائن ذكرتم

بل انتم قوم مسرفون وجاء من اقصى المد
ينة رجل يسعى قال يا قوم اتبعوا المرسلين
اتبعوا من لا يسئلكم عليه اجرا وهم مهتد
ون وما لي لا اعبد الذي فطرني وا
ليه ترجعون ءاتخذ من دونه الهة
ان يردن الرحمن بضر لا تغن عني شفاعتهم
شيئا ولا ينقذون انى اذا لفي ضلال مبين
بسم الله الرحمن الرحيم انا اعطيناك الكوثر
فصل لربك وانحر ان شانئك هو الابتر
مالك يوم الدين يا مقلب القلوب اجب
يا شمهائيل انت وخدامك من الروحانية
والعلوية الارضية وانت يا رحمن بابا ما
لك يوم الدين بحرمة الملك الغالب عليكم
امرا حطي وبحرمة قهمطا طيل فاذا جاء

وعد رمی

وَعْدُ رَبِّي حَقًّا وَأَقْسَمْتُ عَلَيْكُمْ كَبَعَ فَقُلْنَا
يَبْلَ اَللَّهُمَّ سَخِّرْ لِي قَلْبَ فُلَانِ اِبْنِ فُلَانٍ
عَلَى مَحَبَّتِي بِحُرْمَةِ سُورَةِ يس وَبِحُرْمَةِ الاِ
سْمِ الاِسْمِ عَظِيمِ وَبِحَقِّ حُرْمَةِ سَيِّدِكَ
طَلْجَيُوشَ إِنِّي آمَنْتُ بِرَبِّكُمْ فَاسْمَعُونَ
قِيلَ ادْخُلِ الْجَنَّةَ قَالَ يَا لَيْتَ قَوْمِي يَعْلَمُونَ
بِمَا غَفَرَ لِي رَبِّي وَجَعَلَنِي مِنَ الْمُكْرَمِينَ وَ
مَا أَنْزَلْنَا عَلَى قَوْمِهِ مِنْ بَعْدِهِ مِنْ جُنْدٍ
مِنَ السَّمَاءِ وَمَا كُنَّا مُنْزِلِينَ إِنْ كَانَتْ
إِلَّا صَيْحَةً وَاحِدَةً فَإِذَا هُمْ خَامِدُونَ
يَا حَسْرَةً عَلَى الْعِبَادِ مَا يَأْتِيهِمْ
مِنْ رَسُولٍ إِلَّا كَانُوا بِهِ يَسْتَهْزِئُونَ
أَلَمْ يَرَوْا كَمْ أَهْلَكْنَا قَبْلَهُمْ
مِنَ الْقُرُونِ أَنَّهُمْ إِلَيْهِمْ لَا يَرْ

يرجعون وان كل لما جميع لدينا محض
رون وآية لهم الارض الميتة احيي
نها واخرجنا منها حبا فمنه ياكلون
وجعلنا فيها جنات من نخيل واعناب
وفجرنا فيها من العيون ليأكلوا من ثمره
وما عملته ايديهم افلا يشكرون
سبحان الذي خلق الازواج كلها
مما تنبت الارض ومن انفسهم
ومما لا يعلمون وآية لهم الليل نسلخ
منه النهار فاذا هم مظلمون و
الشمس تجري لمستقر لها ذلك
تقدير العزيز العليم والقمر قد
رناه منازل حتى عاد كالعرجون
القديم لا الشمس ينبغي لها

ليأ كلو

ان تدرك

أن تدرك القمر ولا الليل سابق
النهار وكل في فلك يسبحون وآية لهم
أنا حملنا ذريتهم في الفلك المشحون و
خلقنا لهم من مثله ما يركبون وإن
نشأ نغرقهم فلا صريخ لهم ولا هم
ينقذون إلا رحمة منا ومتاعا إلى
حين وإذا قيل لهم اتقوا ما بين أيد
يكم وما خلفكم لعلكم ترحمون وما
تأتيهم من آية من آيات ربهم إلا
كانوا عنها معرضين وإذا قيل لهم
أنفقوا مما رزقكم الله قال الذين
كفروا للذين آمنوا أنطعم من لو يشاء الله
أطعمه إن أنتم في ضلال مبين بسم الله
الرحمن الرحيم إذا جاء نصر الله

وَالْفَتْحُ وَرَأَيْتَ النَّاسَ يَدْخُلُونَ فِي
دِينِ اللّهِ فَسَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّكَ وَاسْتَغْفِرْهُ
إِنَّهُ كَانَ تَوَّابًا إِيَّاكَ وَإِيَّاكَ نَسْتَعِينُ
يَاسَرِيعُ يَاقَرِيبُ يَامُجِيبُ أَجِبْ وَأَنْتَ يَا
بُرْهَانُ سَامِعًا بِحُرْمَةِ إِيَّاكَ نَعْبُدُ
وَإِيَّاكَ نَسْتَعِينُ وَبِحُرْمَتِ سَرِيعِ الْ
لْقَرِيبِ الْمَعْبُودِ الْمُتْعَانِ يَاصِكَائِيلُ
أَنْتَ وَخُذْ أَمْلَكَ مِنَ الرُّوحَانِيَّةِ وَالْعُلْوِ
يَةِ الأَرْضِيَّةِ وَبِحُرْمَةِ الْمَلِكِ الْغَالِبِ
عَلَيْكُمْ أَمْرَهُ كُلَّهُنَّ وَبِحُرْمَةِ فَهْطَصَلَ
قَالَ مُوسَى مَاجِئْتُمْ بِهِ السِّحْرُ إِنَّ اللّهَ
سَيُبْطِلُهُ إِنَّ اللّهَ لَا يُصْلِحُ عَمَلَ ا
لْمُفْسِدِينَ وَأَقْسَمْتُ عَلَيْكُمْ يَامُسْتَمِعُ
بَرَائِيلُ اللّهُمَّ سَخِّرْ لِي قَلْبَ فُلَانِ ابْنِ
فُلَانٍ عَلَيَّ

ان فلان علی محبتی بحرمة سورة یس
وبحرمة سیدک ستجمع طمحبوش و
یقولون متی هذا الوعد ان کنتم صا
دقین ما ینظرون الا صیحة واحدة
تاخذهم وهم یخصمون فلا یستطیعو
ن توصیة ولا الی اهلهم یر
جعون ونفخ فی الصور فاذا هم
من الاجداث الی ربهم ینسلون
قالوا یا ویلنا من بعثنا من مرقدنا
هذا ما وعد الرحمن وصدق المرسلون
ان کانت الا صیحة واحدة فاذا
هم جمیع لدینا محضرون فالیوم لا
تظلم نفس شیئا ولا تجزون ا
لا ما کنتم تعملون ان اصحاب الجنة

اليوم في شغل فاكهون هم وازواجهم
في ظلال على الارائك متكئون
لهم فيها فاكهة ولهم ما يدعون سلام
قولا من رب رحيم سبحان المنفس
عن كل مديون سبحان المفرج عن
كل محزون سبحان المخلص عن كل
مسجون سبحان العالم بكل مكنون
سبحان الذي يجري الماء في الانهار
والعيون سبحان من جعل خزائنه
بين الكاف والنون سبحان من اذا
اراد شيئا ان يقول له كن فيكون
فسبحان الذي بيده ملكوت كل شيء
واليه ترجعون ربنا افتح بيننا و
بين قومنا بالحق وانت خير الفاتحين

لا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ الْمَلِكُ الْحَقُّ الْمُبِينُ
مُحَمَّدٌ صَادِقُ الْاَمِينُ وَصَلَّي اللّٰهُ
عَلَي مُحَمَّدٍ وَآلِهِ اَجْمَعِينَ اَللّٰهُمَّ
اَلِّفْ مُحَبَّةَ فُلان اِبْن فُلانٍ لا قَرارَ لَهُ
لَهُمْ وَلا اَكْلَ لَهُمْ وَلا نَوْمَ لَهُمْ
لَهُمْ وَلا حُظُورَ لَهُمْ وَلا رَ
حَتَّي لَهُمْ الاحْبابُ عِنْدِي وَبِحَقِّ
هٰذِهِ الْاَسْماءِ الْعِظامِ وَبِحَقِّ مُحَمَّدٍ
وَآلِهِ اَجْمَعِينَ وَلا حَوْلَ وَلا قُوَّةَ
اِلَّا بِاللّٰهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ يا اِلٰهِي وَيا
سَيِّدِي يا صَمَدِي مِنْ عِنْدِكَ مَدَدِي
عَلَيْكَ مُعْتَمَدِي اِيّاكَ نَعْبُدُ وَاِيّا
كَ نَسْتَعِينُ يا ناصِرُ يا مُبِينُ بِحَقِّ اِيّاكَ
نَعْبُدُ وَاِيّاكَ نَسْتَعِينُ اَغِثْنِي عَلَي

كل حال بقوتك وقدرتك يا رحمن

يا رحيم برحمتك يا ارحم الراحمين

وامتازوا اليوم ايها المجرمون الم اعهد

اليكم يا بني آدم ان لا تعبدوا الشيطان

انه لكم عدو مبين بسم الله الرحمن الرحيم

انا انزلنا في ليلة القدر ليلة القدر

خير من الف شهر تنزل الملائكة و

الروح فيها باذن ربهم من كل امر سلام

هي حتى مطلع الفجر اهدنا

الصراط المستقيم يا قادر يا مقتدر يا لطيف

يا خبير يا خالق يا هادي اجب يا حي قائل

انت وخلاصك من الروحانية الارضية

يا شهر وشی يا سامعا مطيعا اهدنا الصراط

المستقيم بحرمة القادر المقتدر وبحرمة

کلمتی انک فیتو... بما تعملون

از جناب امیر المؤمنین
علی بن ابی طالب
منقولست که موضع
سجود خود را دست مال
نکاه ان دندان که درد
میکند اینرا بگو
بسم الله و الشافی
فی الله و لا حول
و لا قوة الا
بالله

الملك الغالب

وَبِحُرْمَةِ الْمَلِكِ الْغَالِبِ عَلَيْكُمْ اَمْرُهُ
سَعْفَصْ وَبِحُرْمَةِ قَهْطَهْطِيلَ اِنَّهُ لَكِتَابٌ
عَزِيزٌ لَا يَأْتِيهِ الْبَاطِلُ مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ
وَلَا مِنْ خَلْفِهِ تَنْزِيلٌ مِنْ حَكِيمٍ حَمِيدٍ وَاَقْسَمْتُ
عَلَيْكُمْ لَا لَاغَ شَهَابِيلَ اَللّٰهُمَّ سَخِّرْ لِي
قَلْبَ فُلَانِ ابْنِ فُلَانٍ عَلَى مَحَبَّتِي بِحُرْمَةِ سُورَةِ
يٰسٓ وَبِحُرْمَةِ سَيِّدِكَ وَلَاغَ ذُوفَا دُونِي
وَاَنِ اعْبُدُونِي هٰذَا صِرَاطٌ مُسْتَقِيمٌ وَلَقَدْ
اَضَلَّ مِنْكُمْ جِبِلًّا كَثِيرًا اَفَلَمْ تَكُونُوا تَعْقِلُونَ
هٰذِهِ جَهَنَّمُ الَّتِي كُنْتُمْ تُوعَدُونَ اِصْلَوْهَا
الْيَوْمَ بِمَا كُنْتُمْ تَكْفُرُونَ الْيَوْمَ نَخْتِمُ عَلَى اَفْوَا
هِهِمْ وَتُكَلِّمُنَا اَيْدِيهِمْ وَتَشْهَدُ اَرْجُلُهُمْ
بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ وَلَوْ نَشَاءُ لَطَمَسْنَا
عَلَى اَعْيُنِهِمْ فَاسْتَبَقُوا الصِّرَاطَ فَاَنّٰى يُبْصِرُونَ

ولو نشاء لمسخناهم على مكانتهم فما
استطاعوا مضيا ولا يرجعون ومن نعمره
ننكسه في الخلق أفلا يعقلون وما علمناه
الشعر وما ينبغي له إن هو إلا ذكر
وقرآن مبين بسم الله الرحمن الرحيم
قل هو الله أحد الله الصمد لم يلد
ولم يولد ولم يكن له كفوا أحد صراط الذين
أنعمت عليهم غير المغضوب يا حليم
يا عليم يا علام الغيوب يا ذكر يا علي
يا لطيف يا هادي أجب يا عنائيل أنت
وخدامك من الروحانية وأنت أبيض
سامعا مطيعا وبحرمة صراط الذين أنعمت
عليهم وبحرمة العليم الحليم وبحرمة
الملك الغالب عليكم أمره وبشئ

وَبِحُرْمَةِ مهطهطيل اِلَيْهِ يَصْعَدُ الْكَلِمُ

الطَّيِّبُ وَالْعَمَلُ الصَّالِحُ يَرْفَعُهُ وَاَقْسَمْتُ عَلَيْكُمْ

بِالْجَمِيعِ تهطائيل اَللّٰهُمَّ سَخِّرْ لِي قَلْبَ

فُلَانْ اِبْنِ فُلَانْ عَلَى مُحَبَّتِي بِحُرْمَةِ يَسِلْ

مكهيوبين لِيُنْذِرَ مَنْ كَانَ حَيًّا وَيَحِقَّ

الْقَوْلُ عَلَى الْكَافِرِينَ اَوَلَمْ يَرَوْا اَنَّا

خَلَقْنَا لَهُمْ مِمَّا عَمِلَتْ اَيْدِينَا اَنْعَامًا

فَهُمْ لَهَا مَالِكُونَ وَذَلَّلْنَاهَا لَهُمْ فَمِنْهَا

رَكُوبُهُمْ وَمِنْهَا يَأْكُلُونَ وَلَهُمْ فِيهَا مَنَا

مَنَافِعُ وَمَشَارِبُ اَفَلَا يَشْكُرُونَ وَاتَّخَذُوا

مِنْ دُونِ اللّٰهِ اٰلِهَةً لَعَلَّهُمْ يُنْصَرُونَ

لَا يَسْتَطِيعُونَ نَصْرَهُمْ وَهُمْ لَهُمْ جُنْدٌ

مُحْضَرُونَ فَلَا يَحْزُنْكَ قَوْلُهُمْ اِنَّا نَعْلَمُ مَا

يُسِرُّونَ وَمَا يُعْلِنُونَ اَوَلَمْ يَرَ الْاِنْسَانُ

اِنّا خَلَقْناهُ مِنْ نُطْفَةٍ فَاِذا هُوَ خَصِيمٌ مُبِينٌ.

بِسْمِ اللهِ الرَّحْمنِ الرَّحِيمِ قُلْ اَعُوذُ بِرَبِّ

الْفَلَقِ مِنْ شَرِّ ما خَلَقَ وَمِنْ شَرِّ غا

سِقٍ اِذا وَقَبَ وَمِنْ شَرِّ النَّفّاثاتِ

فِي الْعُقَدِ وَمِنْ شَرِّ حاسِدٍ اِذا حَسَدَ

غَيْرِ الْمَغْضُوبِ عَلَيْهِمْ وَلَا الضّالِّينَ

آمِينَ يا قاهِرُ يا عَزِيزُ يا مالِكُ

يا مُؤمِنُ يا مُهَيْمِنُ يا ظاهِرُ يا كَبِيرُ

اَجِبْ يا كَشْفائِيلُ اَنْتَ وَخُدّامُكَ

مَيْمُونَةٌ سامِعاً مُطيعاً بِحُرْمَةِ غَيْرِ الْمَغْضُوبِ

عَلَيْهِمْ وَلَا الضّالِّينَ آمِينَ وَبِحُرْمَةِ

اَنْجَلْ ضَظَغٌ لا وَبِحُرْمَةِ طَهْطَهْيَلَ

الْمُقْجَمِلَ فَوَقَعَ الْحَقُّ وَبَطَلَ ما كانُوا يَعْمَلُونَ

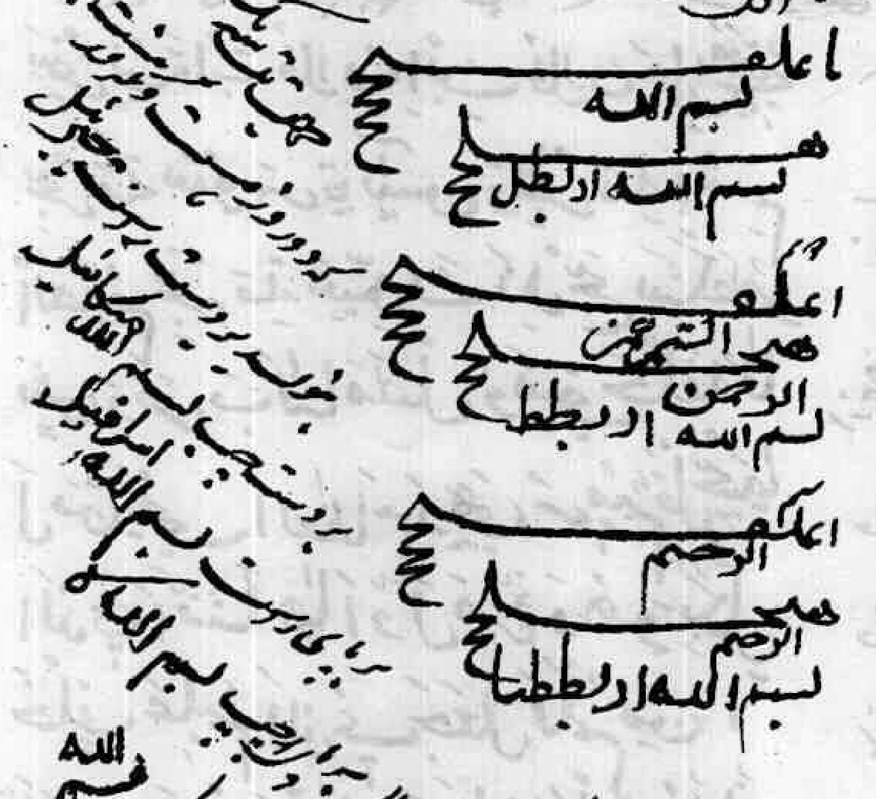
وَاَقْسَمْتُ عَلَيْكُمْ يا بَرْجَلْجائِيلُ اَللّهُمَّ.

سِحر

[illegible]

سحر لي جلب فلان ابن فلان علي محبة
بحرمة سورة يس وبحرمة اسم
العظيم بحرمة بيدك تدبير سلطنة
شيء وضرب لنا مثلا ونسي خلقه قا
ل من يحيي العظام وهي رميم قل يحييها
الذي انشأها اول مرة وهو بكل
خلق عليم الذي جعل لكم من ا
لشجر الاخضر نارا فاذا انتم منه تو
قدون اوليس الذي خلق السموا
ت والارض بقادر على ان يخلق
مثلهم بلى وهو الخلاق العليم
انما امره اذا اراد شيئا ان يقول
له كن فيكون فسبحان الذي بيده
ملكوت كل شيء واليه ترجعون اللهم

جهت توبه بنویسد تا ۳ روز هر روز یکی بخورد شفا یابد انشاء الله



بیرون شمسا و لا زمهریرا در میان هر دو کتف

عزیز الجبار انشاء الله طفل بد خو که گریه بسیار

کند و قرار نگیرد بنویسد و بر سر او بیاویزد بسم الله الرحمن الرحیم

بسم الله الشافی بسم الله الکافی بسم الله المعافی

بسم الله لا یضر مع اسمه شیء فی الارض و لا

فی السماء و هو السمیع العلیم کهیعص ذکر رحمة ربک

الْكِتَابِ الْمُبِينِ وَبِحَقِّ وَالْقُرْآنِ الْمَجِيدِ

وَبِحُرْمَةِ وَالطُّورِ وَكِتَابٍ مَسْطُورٍ

فِي رَقٍّ مَنْشُورٍ وَالْبَيْتِ الْمَعْمُورِ

وَالْبَحْرِ الْمَسْجُورِ وَبِحُرْمَةِ نٓ

وَالْقَلَمِ وَمَا يَسْطُرُونَ وَبِحُرْمَةِ سُو

رَةِ الْقُرْآنِ الْعَظِيمِ الْكَرِيمِ الْقَدِ

يمِ الشَّأْنِ الْمُبِينِ وَنُنَزِّلُ مِنَ الْقُرْآنِ

مَا هُوَ شِفَاءٌ وَرَحْمَةٌ لِلْمُؤْمِنِينَ

وَلَا يَزِيدُ الظَّالِمِينَ إِلَّا خَسَا

رًا وَبِحَقِّ أَسْمَائِكَ الْحُسْنَى الْمُعَظَّمَةِ

الْمُكَرَّمَةِ الْمُطَهَّرَةِ الْمُقَدَّسَةِ الْمُنَوَّرَةِ

وَبِحُرْمَةِ الْعَرْشِ وَالْكُرْسِيِّ

وَالْمَلَائِكَةِ الْمُقَرَّبِينَ وَبِحُرْمَةِ

سَبْعِ الْأَرَضِينَ وَالْكَوَاكِبِ النَّجِمَةِ

السيارة والسماء ذات البروج
واليوم الموعود وشاهد ومشهود
ذو بحرمة والسماء والطارق
وما ادراك ما الطارق وا
لنجم الثاقب وبحرمة والفجر وليا
ل عشر والشفع والوتر والليل و
بحرمة والتين والزيتون والطور
سينين وهذا البلد الامين وبحر
مة بيت المقدس وبحرمة انبيا
ئك واصفيائك وعبادك الصا
لحين يا رب العالمين يا خير النا
صرين برحمتك يا ارحم الراحمين

از جهه افسون مار هر که با خود داشته باشد و دیو پری گرد او نگردد [illegible]

بسم الله [illegible] طا طا [illegible] علقم علقم [illegible] باذن الله

اگر کسی را عقرب گزیده باشد دست راست برادم
عقرب زده بگیرد و بگوید سلام علی نوح فی العالمین [illegible]
[illegible] بر روی آدم عقرب زده بزند [illegible]
[illegible]

جهته زبان گرفته

واشفع ۱۱۱ ۱۱ ۱۱ ط

بحق کهیعص حمعسق شفیع ۱۱ ب

بحق هذا فضل الله ...

[illegible]

[illegible]

[illegible] وبا خود دارد

[illegible] از برار جنبه

اعوذ بالله من الشیطان الرجیم الم الم

المص الر الر الر الر الر کهیعص طه

طسم طسم الر الر الر الر یس ص

حم حمعسق حم حم حم حم ق ن

دعاء اسب از حضرت رسول روایت کرده

جناب علی ابی ابی طالب بر خلعی قلعه خیبر فت دلول
ان حضرت بیمار شد جناب امیر غمگین شو ناگاه جبرئیل در رسید
جبرئیل در رسید و این طلسم آورد در گردن دلول بست در حال
شفا یافت هر که این طلسم در گردن اسب بندد از خام باد
و شقاق و قاقوزه و کنجره و ناخونه و خطا نده اسب
ایمن گردد و در نظر ملوک و سلاطین و خلایق عزیز و مکرم
باشد و صاحب اسب از زخم تیر و شمشیر و نیزه ایمن باشد
و زبان دشمن بر وی بسته گردد

جهت طبقه چهارپایان بنویسید و بر گردن ببندد الی آخر
اسکن بکلمات الله اسکن بعزة الله

اسکن

اُسْكُنْ بِجَلالِ اللهِ بِحَقِّ لَئِنْ كُنْتَ طَبَقٍ
عَنْ طَبَقٍ فَمَا لَهُمْ لَا يُؤْمِنُونَ وَمَا
قَدَرُوا اللهَ حَقَّ قَدْرِهِ امیر المؤمنین

ط ۱۱۱۱۲ ۹ ۹ اسه اه ۲ و ۳ ۱۱ صح ۹۱۱۱

افسون کوسفند و گاو
که شیر ایشان کم شده باشد بنمک خواند و بحیوان بخورد
شیر ایشان زیاد شود اینست اَللهُ الَّذِي
خَلَقَ السَّمٰوَاتِ وَالْأَرْضَ وَجَعَلَ
لَكُمُ الْأَنْعَامَ لِتَرْكَبُوا مِنْهَا وَيَعْلَمُونَ
بِحَقِّ يَخْرُجُ مِنْ بَيْنِ فَرْثٍ وَدَمٍ خَالِصًا
سَائِغًا لِلشَّارِبِينَ اللّٰهُمَّ اُسْكُنْ
خَاذَا الَّذِي بِحَقِّ توراة موسی و انجیل عیسی
و زبور داود و صحف ابراهیم و فرقان
محمد ص و سلم برحمتک یا ارحم الراحمین

دعای باطل السحر مجرب فأُلقِيَ السحرة

الساجدين قالوا آمنّا برب العالمين

رب موسى وهارون بطلت

بطلت السحر وبطل ما كانوا يعملون

بطلت السحر جميع السحراء وكل سحر

يسحرون بين الارض والسماء

على صاحب الدعوات برحمتك يا

ارحم الراحمين بسم الله الرحمن الرحيم

الم تر انا ارسلنا الشياطين على

الكافرين تؤزهم ازا فلا تعجل

عليهم انما نعد لهم عدا قل اوحي

الي انه استمع نفر من الجن فقالوا

انا سمعنا قرانا عجبا يهدي الى الر

شد فآمنا به ولن نشرك بربنا احدا

انه ... ـالى

إنّه تعالى جدّ ربّنا ما اتّخذ صاحبة

ولا ولداً إدفع شرّ الجنّ والإ

نس من صاحب الدعوات برحمتك يا

ارحم الراحمین از جهت خفته اگر خواهد

خفته بیدار نکردد این دعا را بخوان بجای گستر و بر

روی خفته بپاشی هذا الدعاء إن أصحا

ب الکهف وارقیم کانوا من آیاتنا عجباً

آل زنان بنویسد با خود دارد

[illegible]

باب اگر خواهد میان دو کس جنگ افکنی

که هرگز هم دیگر نتوانند دید این طلسم را بر کاغذ بنویس

در میان کوی دفن کند هذا الدعا

[illegible]

[illegible]

باب اگر خواهد بدانی که بیمار خفا یابد یا ممات

بر بید پس بتویسی و در آب انداز اگر بر روی آب

بر ماند در حیات و اگر زیر آب میرود در ممات است

۱۱ ۲ ۱۱۱ ۵ ۸ ۱۱۱ ۱۱ ۹ ۸ از برای درد چشم

بر ریسمانی یازده کره به بندد و بر هر کره یکبار

بخواند سوره اذا ذلزلت تمام نوع دیگر بیاورد

ابریشم هفت رنگ هفت مرتبه بخواند بسم الله

مجریها و مرسیها ان ربی غفور

رحیم اگر بطرف راست باشد بطرف چپ بندد

اگر بطرف چپ باشد بطرف راست بندد

دعای حفظ الدعاء اعوذ بالله

من الشیطان الرجیم الم المص الر الر

الر الر الر کهیعص طه طسم الم الم

الم الم یس ص حم حم حمعسق حم حم حم ق ن

دعا نظر کردن هرکه در عمر خود یکبار بدین

شکل نظر کند آتش دوزخ بر وی حرام گردد و اگر

روز نگاه کند محتاج خلق نشود و اگر ماه نو بیند

با این شکل نظر کند ان مبارک

ماه را بخوبی و خوشی بگذراند

و در این ادابت

هلج	هلج	هلج	هلج
هلج	هلج	هلج	هلج

هذا الدعاء از حضرت امام رضا منقول است

که هر روز سه مرتبه این دعا را بر سر بیمار بخواند البته

بیمار را حضرت باری تعالی شفا دهد و از ان مرض خلاص

می یابد ان شاء الله تعالی اللهم قد تم اذ

لیی بالاذیة لا تنزل برحمتک یا ارحم

الراحمین

بول بندی اگر دل کسی

که دزد باشد بیوبند بیاورد بیضه مرغی و میان اورا

خالی کند این حروف را در میان ان تخم بنهد و دهن اورا

بموم محکم کند و در میان خاک پنهان دهد

محمد رسول الله

یا شفا یا علیها

واشدن بول واشدن بول اگر کسی بولش بند شده

باشد بنوشته بر آب زند و آبش را بخورد شفا

یابد و آن این است بسم الله الرحمن الرحیم ما

انزلنا علیک القرآن لتشقی تنزیلا

ممن خلق تیغ بند مجرب است از استاد کامل

مردی بود در ولایت شام تفحص کرده بود پادشاه

فرمود که او را بیدا کنند و او را بقتل رسانند چون

بدار کشیدند هر چند تیر و نیزه و شمشیر بر او زدند

کارگر نشد بعد از او را با تش انداختند نسوخت مردم

گفتند که ساحر خواهد بود یا دعای بزرگی همراه دارد

پادشاه از وی پرسید گفت بلی دعای بزرگی از نام

حق تعالی همراه دارم اگر همه عالم دشمن شوند هیچ

بدی نتوانند کرد پادشاه گفت از سر خون تو در گذشتم

و این دعا را نوشته با خود داشت هر جنگی بزرگی این دعا

ظفر میافت

طفرمیاحت یا قامت السموات والارض
امره وشیا ان یکون له کن فیکون یا من
ممسک السماء عن یقطع علی الارض
باذنه من امره فسبحان الذی بیده ملکو
ت کل شیء والیه ترجعون یا الله
یا الله الا یا الحق وجهد الکرام
یا ذا الجلال والاکرام برحمتک یا ار
حم الراحمین ایضا مردست از شیخ احمد
عبد الله درکه در بلاد یمن یاد شهر مکشنن می
کناهی اکشاره فرموده هرچند تیر میزدند بجهت آنکه
الا نر تیرها باران کردند چنین تیر اندازان تیر مر اند خفته
باز بر سنکت وسر تیر انداز هیچ رد یا دشت وفرمود که
اکر مرا از سر اکاه کنی نزا انکشم کفت اسم همراه
منست که از آباد و اجداد بمن رسیده است بهر کتان

تیغ بر جن کار نکند طلسم ۹۱۳۴۱۱۱۱۲۲۷

الحمد لله لله عدد ما خلق الله والحمد لله ملء ما خلق الله والحمد لله مثل ما خلق الله والحمد لله عدد کلماته والحمد لله عز بنیه تبارک الله رب العالمین

شمشیر بندی اگر در زیر زبان نگاه دارد شمشیر بر او کار نکند کلمات عمل تعویذش مربطو طیس سس وس عما یبط باب ردیبه

بنویسد این طلسم را در آب حل نموده بخورد اگر بسته جهل سال باشد گشاده گردد انا فتحنا لک فتحا مبینا و فتحت السماء فکانت ابوابا فانفلق فکان کل فرق کالطود العظیم

ایضا جهت گشوده کار

از جهت گزنده‌گان از مار و عقرب و رطیله و سایر گزنده

گان بخواند سه مرتبه این منظر را و دست بهم زند

مجرب است منظر کنکاتدکنکونه کتاته کنبه

شرح مهر نبوت از حضرت امیر المؤمنین علی

مرویست که فرمود که هرکه مهر نبوت را با خود

نگاه از جمیع بلاها محفوظ باشد و زبان دشمنا

ن بروی بسته گردد و هر که هر صباح باین مهر نظر

کند از روز بهیچ بلائی گرفتار نشود هر که روز اول

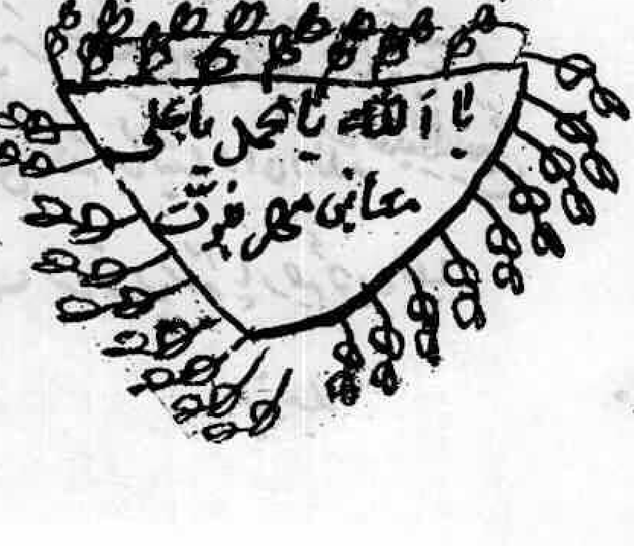
ماه بروی نظر کند آنماه بسیار روشنی بگذرد

و دارنده این مهر از دنیا بیرون نرود تا آمرزیده

شود و در بهشت عنبر سرشت جای خود را ملاحظه کند و هم

و هر که تنگ آید دکان کند باذن الله تعالی مهر نبوت

اینست



۱۹۱۱۱۴۲۱۱۹

۴۴۴۴۴۴

دعا نظربندی بخط امام حسن ع

قل هو	الله الله	احد احد	الله صمد	لم لم
الله احد	الله الله	احد لم لم	الله صمد	صمد صمد / كفوا احد
الله الصمد	الله الله	احد لم لم	الله صمد صمد	كفوا احد
هو	لم يلد	ولم لم	يولد	ولم يكن له

باب طفلی که دیر راه افتد این آیات را بر ظرف
چینی نوشته و بشوید و قدری از آن بوی خوانند و قدری
را به بدن وی [illegible] مالند و دعا را با خود دارد
زود براه افتد اینست أن اركض برجلك هذا
مغتسل بارد و شراب كل دابة من ماء فمنهم
من يمشي على ارجلين ومنهم من يمشي
على اربع يخلق الله ما يشاء ان الله على كل شيء
قدير جهت تب لرز بر سه پارچه چوب بنویسد

بنویسد

چوب بید بنویسد و در زیر دامن مریض دود کند

اوّل ابراهون طاهون هاهون دوّم

طاهاهون ابراهون طاهون طاهون سیّم

طاهون طاهون هاهون ابراهون بستم تب

ورز فلان ابن فلان اگر خواهی بدانی که زن

را چله افتاده است یا نه نام زن و مادرش را بحساب

ابجد حساب کند و دوازده دوازده طرح کند

اگر طاق چله افتاده است و اگر جفت نه باید چله شکفتاده

جهت زیرکشت بنویسد و در میان زراعت بیاویزد

بعد از بسم خیر حافظاً و هو لا یاوده حفظهما

و هو العلی العظیم یا ادحم الراحمین یارب العالمین

باب طالب مطلوب اسم طالب و مطلو

ب را بحساب ابجد صغیر در آورد پنج پنج

طرح کن هر گاه یک ره بماند میرسند هر گاه دو ر

دو چهار بماند ممیر سعد باب موت مرد زن

اسم مرد و زن را بحساب ابجد حقیر در آورد

پنج پنج طرح کن هرگاه یک سه بماند مرد

زودتر خواهد مرد هرگاه دو چهار بماند زن زود

تر خواهد مرد باب از بهر درد پستان زنان بنویسید این

اسما را در آب بشوید آب صاحب ریض بخورد

ایله اسه اسه اسه اسه اسه اسه

اسه سه سه سه سه اااا را

ح ط حم حم حم کم د ل ولا قوة الا بالله العلی العظیم

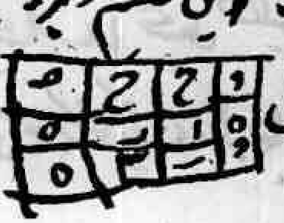
دفع قولنج اسب این شکلها را با انگشت بر زمین

کشد و سه نوبت اسب را بر دور آن شکل بگرداند

به شود الشکل سهلیا لسهل سهلیا

اسهلت سهلیا دفع درد دل اسب این طلسم را بر زمین کشند

و اسب را بر آن بگرداند الشکل



باب بول بسته خواه آدم وخواه حیوان

این دو کلمه را بر ناخن پای او بنویسید یا بر شکم او

اهکه مهکه باب اگر خواهی میان

دو کس دوستی باشد بنویسی اینها را و در میان

دو در خانهٔ آنکس دفن کند تا عمر باشند جدائی

واقع نشود تجربه رسیده است اا ح ص اا م

ع ص ص لا ا هـ ااوم اا

الی الله الا حوا امراه لم مطر ااال ا ا

اااا ه اااا ه یا هو کلهر اا سطهههو

لطف کلی

باب دگر اگر خواهی میان دو کس جدائی

افکنی بنویسی بر خشت و بر آب انداز

تا عمر باشد صلح واقع نشود الکل است ۹ااا۹ااا۹

۹۳اااا ... لا ۵اا اا ... ااا اااا سه ااااا

نامهای اصحاب کهف هر کس نامهای

اصحاب کهف را با خود دارد در نزد حکما عزیز باشد و غنی شود از جهة حسرت ولادت زن بر ران چپ ببندد و از برای گریه اطفال در زیر سر طفل گذارد و بر چوب نویسد و آن چوب را در میان زراعت بپا و بزد آن زرع از آفت محفوظ ماند تب این را نافع بهذا مشلینا شلینا تملیخا برنوشی برنوش شدنوش مرطوس باب دلش هر کس این آیه را بخواند یا با خود دارد از سگ درنده آسیب نیابد و کلبهم باسط ذراعیه بالوصید نوع دفع زله پیه بز با پوست کوکنا و سرگین الاغ با هم بجوشانند مثل ضماد بر سر بندد تا صبح در حمام بشوید نوع دیگر ریسمان کبود را هفت گره زند در هر گره یکبار این دعا را بخوان ولوان قرآنا سیرت

اَنَّ قُرآنًا سُیِّرَت بِهِ الجِبالُ اَو قُطِّعَت

بِهِ الاَرضُ اَو کُلِّمَ بِهِ بِهِ المَوتا بَل

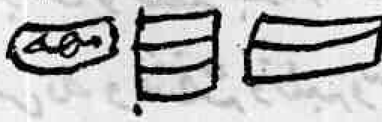
الله الاَمرُ جَمیعًا و بکوبد سنم نش به فلان ط

بحق محمد و آله الطاهرین و سورهٔ انا یکا

در ... بخواند باب کرم و ملخ اگر خواهد کرم

و ملخ ها از زراعت باز دارد این شکلها بر چهار

پارهٔ ظرف آب ندیده بنویسد بر چهار اطراف بستان

یا زراعت پنهان کن 

حسی مروس ... دعای سرحجه بنویسید

این طلسم را بر دست راست طفل ببندد

۱۳	۲	۲	هو
ـ	۱۱	۱۰	۶
۱۲	۷	۴	۹
۱	۱۴	۵	۳

۱۱ ۱۱ ۹ ۱۱۱۱ ۲ ۲۱

ط ۱۱ ص

باب برای کثرت رزق

با خود دارد که مجرب است

باب اگر خواهد که بدانی

که زن ... بچه ... یا نه اوّل حمد و سوره اخلاص

[illegible]

اخلاص را بخواند و هفت مرتبه صلوات بر محمد و آل
محمد بفرستد و از یک قلم نکته چیند و بگذارد نکتهها را
سه سه طرح کند اگر یک بماند فرزند میشود امیدوار
هست و اگر دو بماند باز میشود باید دعا کرد باید
چله برید و اگر سه بماند فرزند نمیشود والله اعلم بالصواب

جهت کسی که بسیار خواب کند نکته
خواب نو شنبه باب بنوید
بخورد کم خواب کرد
۱۱۹۸۱۱۱۹۴
۱۱۱۱۱۱

باب بستن دهن گرگ اسب یوم چهارشنبه بنویسد
و بر گردن گوسفند بندد اخوف من الذئب علیه
ولیس له و نفسه وقلبه وسمعه باسم گوسفند فلان

باب طالع نامه اسم او و مادرش را بحساب ابجد بر
دارد و دوازده دوازده طرح کند آنچه بماند
بدوازده بروج حفظ کند البروج حمل آتشی فرزند

ثور خاکی فرزند ۱۵ یازده
جوزا بادی فرزند ۱۱ یازده
هیچ
سرطان آبی فرزند ۷ هفت
اسد آتشی فرزند کم
سنبله خاکی فرزند ۱۱ یازده

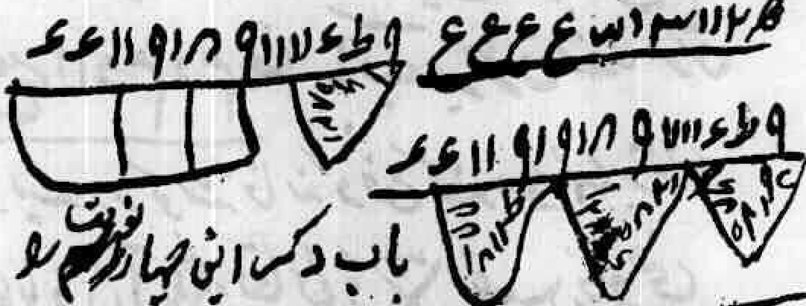
میزان

میزان بادی فرزند	عقرب بادی فرزند	قوس آتشی فرزند
۱۰۲ دوازده	۱۰۵ پانزده	۱ اده

جدی خاکی فرزند	دلو بادی فرزند	حوت آبی فرزند
۱۰۴ چهارده	تا هفت	تا هفت

باب اگر در خواب کسی دندان بهم زند این
اسمارا نوشته بازو دارد رحیمی یعنی بحح م
کلمیح اادم دم لد باب بر طرف شدن موش
بنویسد در گوشه خانه دفن کند موشها برطرف
شوند باذن الله تعالی و لا تفسدوا فی
الارض بعد اصلاحها وادعوه خو
فا وطمعا ان رحمة الله قریب من المحسنین
احتیه کثرت اطفال نوشته بر سر او بندد طاطاطا
عنه حواطاطاهی هی هی هی هی هی
قدوس قدوس قدوس قدوس قدوس

باب باب کودکی که در شبها گریه کند این
دعا را در زیر سر او نهند که خواب کند واجعل ا
علی جبینا وننزل من القرآن ما هو شفاء
ورحمة للمؤمنین ولا یزید الظالمین
الا خسارا باب اگر دختر را خواسته باشند
صاحب دختر نه دهد این اسم را بر کف دست
دلال بنویسد و در خانه مطلوب فرستد مجربست



باب دیگر این چهار اسم را
بنویسد در زیر دامن صاحب از خود کند مجربست
جهیره جهو ده وجیا هیر جها هیر
باب طالع کسب کردن هر سائلی سؤال کند
که طالع من در چه کسب خوبست بگیرم اسم او را
و نام مادر او را

طیهوس ان طیهوس ال
طیهوس ان طیهوس ال
[illegible]
اثنتی فرنهم (?) ان

اولاد و مادر اولاد بجاب ابجد در آورد و بعد هر چه
بماند بدو از دوازده برج نظر کن تا معلوم شود

حوت معامله و زراعت	دلو تجارت	جدی زراعت
قوس تجارت	عقرب	سنبله معامله و زراعت
اسد کسب	سرطان فرید و دو و نیف	جوزا ذراعت

باب خشکی از جهت خشکی که در جائی افتد است
نوبت این دعا را باب بخواند و بر آن خشکی تا بماند
که خشک شوند بر بزند دعای وَإِذَا بَطَشْتُمْ بَطَشْتُمْ
جَبَّارِينَ فَاتَّقُوا اللَّهَ وَأَطِيعُونِ یا مجیب کل
دعوات و ینصرک الله نصراً عزیزا یا شافی
باب بستان از جهت درخت بستان که نقصان
بنویسد و در موم کیرد و آب را بر آورد و از آن
آب که نقصان را بشوید إِنَّا جَعَلْنَا الْإِنسَانَ
مِن نُّطْفَةٍ أَمْشَاجٍ نَّبْتَلِيهِ فَجَعَلْنَاهُ سَمِيعًا بَصِيرًا

کره مثلث از جهت باتی که کره نداشته باشد یا کم داشته باشد این دعا را بنویسد در موم گیرد با آب بر آورد و آب را بنمک بریزد آزموده است

رَبَّهُمْ وَلَا قَالُوا بِهِمْ وَلَا اِلَّا اللّٰهَ آدَمَ وَحَوّا وَلَنْ تَبْیَضَّ قُلُوبُهُمْ هٰذِهِ الْبَقَرَةَ وَتَجْعَلُهَا بِابِ رَسِیدَنِی

از جهت کسی که نشتر زده و بترسد علاج او نمک و ریشه طوفی در زیر دامن دود کند اسفند سیاه یا روغن گاو در بینی چکاند و این اسم بنویسد و با خود دارد لـ۱۱لـ۱۱ ۹۱۱ ۹۱ لا۱۱ لا۱۱ ء ءء ع ـه ۱۵۵۱۵۵ ۱ ل

از جهت طفلی که پستان مادر را نگیرد این اسم را نوشته بر گهواره طفل بندد رو ادط ادیا لایام و غربت آب دود مس و مجوت سلیمان مولانا ما ساهون نه بنی واده خمه خالد بده نوم یو سلطانا داست و اسمها محمد محمدا مون

دشمنی میان زنان دوزن که باهم بد باشند

بنویسد در موم گیرد و با آب براورد و بخورد

ایشان نهد که محبت در میان ایشان افتد

که یکلحظه بی هم دگر نباشند اللهم

بحق و القیت علیک محبة منی

و لتصنع علی عینی و او نمنمی حنك

فقول آهل اذا الکم تحلی متی یلقیه

محبوبکم تحت نقابی آمین اکشک

کهاز ین الناس حبه السموات

السماء و بین قناطیر المقنطرة من

الذهب و الفضه و الخیل المسومه

و الانعام و الحرث ذالك متاع

الحیوة الدنیا و عند الجنه بنات

طبقه از جهت طبقه گوسفندان نوشته در



در موم گیرد و بر آب بر آورد و در میان گوسفندا
ن آفکنند و این دعا را بگرد بنی گوسفند بهترینی
برکشی ببندازد الحمد لله الذی خلق السموا
ت والارض وجعل الظلمات والنو
ر ثم الذین کفروا و یعدلون لکلنی
خلق السموات والارض ثم انتهم
تمترون خبارك انی نعوذ بك از جهة جیبا
رک نوشته باب بر آورد قدری بخورد و قدری
برخم مالد نافع است با خیر لطف و لود جا..
الناس احازت مه فرمان کافرانی مین
غفورا یا رحیم الرحمن الرحیم بنوار دندان
انگشت بر سر دندان که درد میکند بگذارد و این آیه را
هفت بخواند شفا یابد هو الذی انشاکم وجعل
لکم السمع والابصار والافئدة قلیلا

کودکی که زبان نشی

کودکی که زبانش بسته باشد این طلسم را بر
سفالی آب ندیده نوشته و بشوید بخورد طفل
دهد زبانش بگشاید بفرمان تعالی
گوسفندی که گوسفندی که بره بر خود نگیرد این
دعا را نوشته بر گردن گوسفند بندد افغیر
دین الله یبغون وله اسلم من فی ا
سموات والارض طوعا وکرها
والیه ترجعون آبله گو آبله بخورد گوسفند
این دعا نوشته با آب بشوید بدهد تا گوسفندان
بخورند ولولا نعمة ای لم تر
طوسعا علی ظلمی ولا اذخت
الذکر الباب ولعلکم بول بسته
کسی که بول او بند شده باشد دعا را بنان چو
نوشته بخورد شفا یابد انا فتحنا لک

لو انزلنا هذا القرآن علی جبل لرأیته خاشعا متصدعا من خشیة الله وتلک الامثال نضربها للناس لعلهم یتفکرون

[illegible]

فَفَتَحْنَا أَبْوَابَ السَّمَاءِ مِنْهُمْ

بِامْرِهِمْ اِلَى الْحَقِّ نزله بند بر انکس

که نزله داشته باشد می باید که چهار چیز نخورد سیر

روغن زرد مغز کردو گوشت میش منبع آهن

که بکار نکرده باشد بیاورد این دعا را بسم بدان منبع

بخواند و منبع را بر درخت بید بکوبید کُلَّ الدواء

بسم الله الشافی بسم الله الکافی بسم الله

المعافی بسم الله الذی لا یضر

مع اسمه شیء فی الارض و لا فی

السماء و هو السمیع العلیم یا ذوالجلا

ل والاکرام یا نقل بر اذ اسمائک

بستم بلی سرخ بلی نزله باد ماس باد وار بس باد

و نیم باد سیاه باد کبود بستم بحق محمد و آله

بحق توریة موسی و انجیل عیسی و زبور داود

چله نبهار

چله بیمار هر آن بیماری که چله دار شده باشد و
صحت نکند دعا را نوشته در شمع گیرد و دختر
نابالغ چهل کمچه آب در ظرف پاک کند و این
دعا را در آب زند و قدری از آن آب بخورد
بیمار دهد و قدری دیگر در اندام بیمار بمالد تا صحت
کند ان شاء الله تعالی دعا اللهم انی
اسئلک صبرا جمیلا و فرجا قریبا و اجرا
عظیما و توبة نصوحا و صحة و قلبا سلیما
و لسانا ذاکرا و بدنا صابرا و رزقا
واسعا شکورا و ذنبا مغفورا عظیما یا
فتحا و ولدا صالحا و نسلا طویلا و مجلا
تفویلا و دعاء مستجابا و کتابا علیا و نعیما
مقیما و جنة و حریرا و لقرا و سرورا بسم
بر شم چله جمله چله داران از ماده و نر و جن و انس

باب کودکی که از خط
ببرند و کره به برد
بنویسد در حمام
دفن کند مجرب و آ
زموده است

[illegible] ... علی ... [illegible]

وحیوانات وطیر ستم چله چله چله داران از جانب

تحقق لا اله الا الله وعلی ولی الله چلیم بر بدن

اطفال علی علی علی سه سه سه سه سه هنح هنح

هنح هنح هنح ای ع س ٥١١ ٥١١١١ ٥٥١١١١ هیا

شراهیا اهد ینفعل یا اعن وسر قدوس

قدوس له له او خلیل ما لی حاجة قد

لا ولا الیح الیح باسم فلان بن فلان لقمه نوبس

بر لقمه ف ط ی ر نیم نخته ب ن م ک بنویسد

و بخورد النمس دهد که [illegible] نمان باردار دو السا

رق والسارقة فاقطعوا ایدیهما

جزاء بما کسبا نکالا من الله والله

عزیز حکیم از جهت شیر بندی زبان نوشته

در گردن بندد و هو الله صی سن که ن اذا انشقت

جبالی والمنسول ودمت والمه من کل روح ملفتح

و الله ان الله

[illegible] کسی را خواب نشود چنانچه

از خواب بیدار نشود

بنویسد این دعا را

هفت مرتبه بر خاک

گور کهنه خواند و به

بالای سران بریزد

اگر شمشیر بسته شد او بیدار

نشود و این از جود

است ولبثوا فی

کهفهم ثلاثمائة

سنین وازدادوا

تسعا قل الله و

تحسبهم ایقاظا

وهم رقود

والله انّ الله هادی الحق بماند بچی بود نص وکل

یلنلیص ح ١١ لهبی ر طلسم وان هفتم فی القبور

یا ایها الذین ٢ ١١١ مم ح ١١١١ مم

جمیلک یا ارحم الراحمین   جهة زنی که بچه بر اد عاند

از هفت در خانه ارد بگیرد و در دهن خود خمیر کند و بخچه کند

و این طلسم را بنویسید با نان بخورد سگ ماده دهد که بعد بچه

از سگ بمیرد و بچه از زن بسلامت بماند

١ ٣ الله هم ١١١ مم ٣ ٥ ٩ ٩ ٥ ٤ م

جهة دفع ملخ بز پر راست و بنویسید بچادعون الله

ورسوله و بز پر چپ بنویسید کانهم

الذین من قبلهم از چهار ملخ بنویسید بنوع اول

یکی بطرف قبله رها کند و نیم دیگر بو هر یکی بطرفی آنرا

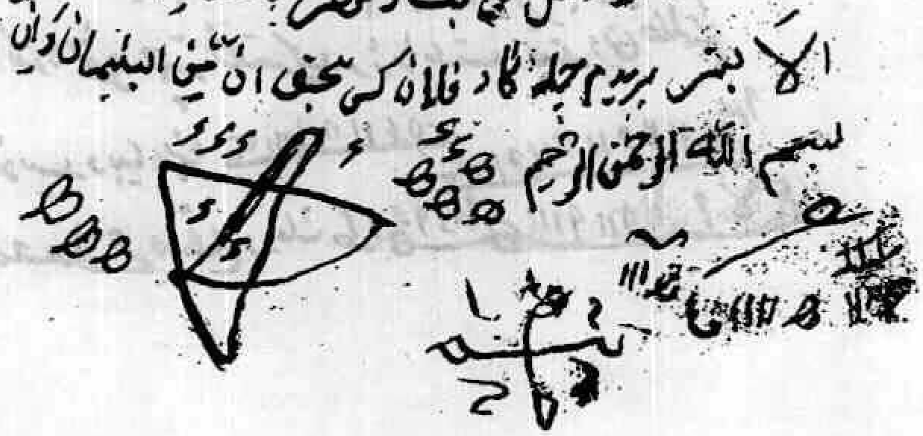
پراکنده شود جهة تحفظ زراعت افشند این طلسم را

بنویسید و بیاویزد

چله بریدن گاو

فتبارک الله احسن الخالقین هذا الدعاء نثره
بندی در یوم چهارشنبه بر تخم مرغ سیاه نوشته در پارچه
سیاه هی حاجب نثره که ذاشته باشد روز سیاه برشرا
به بنهدند و از چاه تاریک آویزان کنند هذا تسمه طمطنطا
س طمطقشی اسکن بقدرة الله و لهیبة الله
اسکن بجلال الله اسکن بجمال الله بحق لا اله
الا الله و بحق محمد رسول الله و بحق علی
ولی الله بسم بسم بادنثره و درد سر و نیم برو بادا
ح و بلای دماغ و بلای سرخ و هر بادی که در جبینی اندلم و درد چشم
و کلوی فلان ابن فلان است بحق سلیمان ابن داود علیه السلام

چله بریدن گاو اعوذ بکلمات الله التامات انا اعطینا
ک الکوثر فصل لربک وانحر ان شانئک هو
الابتر بریدم چله گاو فلان کس بحق انه من سلیمان و انه
بسم الله الرحمن الرحیم



جهت زمانی که هفت دعای هفت پریان

بسم الله الرحمن الرحیم جهت زنانی که فرزندش یا نگیرد واز جهت محافظت فرزند بجربیت بسم الله الرحمن الرحیم

عزمت علیکم یا معشر الجن و الانس

ان استطعتم ان تنفذ و من اقطار السموات

و الارض فانفذ و لا تنفذ و الا

سلطان فبای آلاء ربکما تکذبان

اخرج باذن الله الذی و لا اله الا

هو العالم الغیب و الشهادت و هو

الرحمن الرحیم و بحق انه من سلیمان

و انه بسم الله الرحمن الرحیم الا

تعلو علی و آتونی مسلمین ۱۱۱۰

عزمت عليكم في الزبور وبكل امر في
الزبور وبكل عهد في الزبور وبكل
ميثاق في الزبور وبكل ايها المرض

والعلل والهواء الجن والانس
والجع المرض المرضية عن بدن بحق
هذه الاسماء العظيم اخرج باذن الله
تعالى وباحرا الله تعالى اخرج باذن الله
الذي لا اله الا هو بدرك الابصار

هو اللطيف الخبير ع ااا ك ااااص
عزمت عليكم في التورات وبكل حرف
في التورات وبكل اسم في التورات
وبكل آية في التورات وبكل امر
في التورات

فی التورات وبکل نهی فی التورات و
بکل حرکات وسکنات فی التورات
اخرج باذن الله الذی لا اله الا هو ا
لعالم الغیب والشهادة وهو الرحمن الرحیم
اامم ااااا عزمت علیکم باعشر فی
لانجیل وبکل ایة فی الانجیل وبکل منباة
فی الانجیل وحرف فی الانجیل ایها المرض
والعلل والهواء النجس والجمیع المرض
المرضیة عن بدن هذا صاحب الدعوات
بامر الله تعالی اخرج باذن الله الذی
لا اله الا هو العالم الغیب والشها
دة وهو الرحمن الرحیم بک یرک

الابصار وهو اللطيف الخبير ٤٥١١١ اثم

١١١١ ح عزمت عليكم في الصحف اسم

وبكل حرف في الصحف وبكل اسم في

وبكل كلمة في الصحف وبكل ميثاق في ا

لصحف وبكل آية في الصحف وبكل

عهد في الصحف وبكل نهي في ا

لصحف اخرج باذن الله الذي لا

اله الا هو رب العرش العظيم ايها

المرض والعلل والصداع النحس والجميع

المرض المرضية عن بدن حامل دعا ء دبا

جر الله تعالى ١١١٥ اثم ١١١١ ح عزمت

عليكم في القرآن وبكل كلمة في القرآن وبكل

اسم في القرآن وبكل امر في القرآن

وبكل آية في القرآن وبكل اخرج ايها

المرض والعلل والهواء النجس والجميع

المرض المرضية عن بن ن حامل هذا

الدعاء بامر الله تعالى واخرج باذن

الله الذي لا اله الا هو العالم الغيب

والشهادت وهو الرحمن الرحيم

١١١٥ آمم [symbol] ١١١١ هج وعزمت عليكم

بالاتمام وبحق انه من سليمان وانه

بسم الله الرحمن الرحيم اخرج باذن

الله الذي لا اله الا هو عالم ا

لغيب والشهادت وهو الرحمن الرحيم

فان كان يهودياً او نصرانياً وعج

و بحق داود خلیفه علیه السلام و ذریة

ذو صحبه و اتباعه و اشیاعه وان کنت نصرا

نیا و بحق موسی کلیم الله و بحق

عیسی روح الله ص ع عاذ دا اد امنه

و اتباعه وان کان یهود یا و بحق محمد

ص ع و آله وسلم آمین اللهم

بعد از دعا چهار ماه پانزده روز

یا تحیشا یا ز شطط یا عح یا ملیطها

یا ملططها یا شلحرما یا صعر یا شمشا یا

نحاحیثا یا تحیثا یا بلکمشا یا مورشنعه

یا کردا و خطط حمحی یا مشی ما تا مولا حلم

یا طشونطنی ما شلیخ یا شنحا ملمثا

ایا عیما میعا یا ما نیح یا شمخیشا یا طیمو

یاعجح یامسطو طیبثا یاطهر یاطیحنا

[illegible] ارحم الراحمین صلوات الله تعا

لی دنفدس الاسماء والله و برکته

ان ربکم الله الذی خلق السموات

فی ستة ایام ثم استوی علی العرش

یغشی اللیل والنهار یطلبه حثیثا

والشمس والنجوم مسخرات بامره الا

له الخلق والامر تبارک الله رب

العالمین ادعوا ربکم تضرعا وخفیة انه لا

یحب المعتدین ولا تفسدوا فی الارض

بعد اصلاحها وادعوه خوفا وطمعا ان

رحمت الله قریب من المحسنین

بحق نون ک لا

جهت دفع شر جن و دیو و پری و جن

بسم الله الرحمن الرحیم سوگند میدهم

شما را ای دیوان و ای پریان که مبادا رنج

در رنجانید و نترسانید و علاج کنید و نه در خواب

و نه در بیداری و نه در روز و نه در شب و نه در تنهائی

دارنده دعای فلان ابن فلان این دعا را بحق

سلیمان ابن داود و بحق موسی و بحق عیسی

و بحق جبرئیل و بحق میکائیل و بحق عزرائیل و بحق

اسرافیل و بحق لوح و قلم و عرش و کرسی

و بحق حاملان کرسی و بیان و بحق محمد مصطفی صلی الله

علیه و آله و سلم و بحق علیاً ولی الله و بحق

وبحق دوازده امام وبحق فرشتگان وبحق تخته

وبحق لا اله الا انت الملک الحق المبین الذی

لا اله الا انت وبحق نقش خاتم سلیمان وبحق پیغمبر

وبحق آسمان و زمین و بحق یس والقرآن

الحکیم وبحق صد و بیست و چهار هزار پیغمبران مرسل وننزل من

القرآن ما هو شفاء و رحمة للمؤمنین ولا

یزید الظالمین الا خسارا کا داکی ظهر بن من

کل آفة وبلیة بقدوس به السلام لله الامر

هذا دعای ام الصبیان و جن نشسته

بسم الله الرحمن الرحیم وهذا کتاب

من الله العلی العظیم ومن نقش خاتم

سلیمان ابن داود علیه السلام وهو

الملك الجن والانس والشياطين كل

شياطين وغواص الى جميع ما في الارض لصاحب

هذا كتاب من ذالازل والتوابع

والغيلان وام الصبيان من الجن و

الارض جميع الارواح المخبثة الخبيثة عزمت

عليكم يا معاشر الارواح انتم ان كنتم من

الارواح اليهوديين فاني عزمت عليكم

عيسى وكتابكم الانجيل فتبارك الله احسن

الخالقين وانتم ان كنتم من الارواح والمسلمين

فاني عزمت عليكم نبيكم محمد صلى الله عليه و آله

وكتابكم القرآن باية وآيتين وحرف وحروف

وكلمة ان لا تقربوا لصاحب هذا الكتاب

ولا في السفر ولا في الحضر ولا في ا

لليل ولا في النهار واعيذه وبحق نور

دانه وآياتها ومن اعظم القرآن وراسها

وقد اوتيها لا اله الا الله وحده لا شريك

له الها واحدا ادعوكما عزني البصر ومنزل

لا اله الا الله الا انت سبحانك اني

كنت من الظالمين فاستجاب له ونجيناه

من الغم كذالك ننجي المؤمنين نجعل له

من قبل سميا ونجا نبي موسى ابن عمران

ونجا نبي عيسى ابن مريم وبحق محمد المصطفى

رسول الله صلى الله عليه واله وسلم و

عليهم اجمعين . وبحق ما ئة واربعة

عشرة سورة وآياتها وحروفها وكلماتها

وفواتحها وقصصها وامرها ونهيها

یا ذو الجلال و الاكرام والبهاء احفظني

عمل كه وابن عمل كه الطعيف تمام شد دعای

سلطان محمد غزنوی چند کس را حکم کشتن

فرمود هر چند شمشیر بر ایشان میزدند غیر بند ناگه

این دعا را از گردن ایشان باز کردند و از گردن

هندو باز نهادند بر گردن کو سفند نهادند و تیغ بر ایشان

بکشادند و قدرت حق تعالی ... بنده نمایند دعای

تیغ بند این است بسم الله الرحمن الرحیم

اعوذ بالله لا اله الا الله محمد رسول

الله علی ولی الله اللهم اسئلک

باسمائك الحسنى التی یدعوک بانه من

افضل الاسماء یحق الحق ویبطل الباطل

بانه من افضل الاسماء بحفظوا احسامر

لااا ل اا لا لیم اعلو ردف لسهم اااه ه

هو دحه هود هلبل اسح اد دخاحم

بسود مره اطلح وامعا الاحلح هوحرملو لامن

المؤمنین ع ااا ٤ آ ددهه حرمرا موعه

ااا دمر ه ه ه ه عععع ععععع

ون هحح حرمر برحمتک یا ارحم الراحمین

باب چله بریدن اطفال این دعا را نوشته عبور کرد چله در آرد

بغند و بر سر طفل بندند دعا این است بسم الله الرحمن

الرحیم الصابریت والصادقین والقا

والقانتين والمنفقين والمستغفرين بالاسحار

شهد الله انه لا اله الا هو والملائكة واو

لوا العلم قائماً بالقسط لا اله الا

هو العزيز الحكيم قل اعوذ برب

الفلق ومن شر ما خلق ومن شر غاسق

اذا وقب ومن شر النفاثات في العقد

ومن شر حاسد اذا حسد وقل اعوذ

برب الناس اله الناس ملك الناس

من شر الوسواس الخناس الذی

يوسوس فی صدور الناس من الجنة

والناس قل اعوذ بك من همزات الشياطين

ان يحضرون يا رب بحق حرمت جامع القرآن وبحق حرمة

يس والقرآن الحكيم وبحق حرمة ن والقلم وما يسطرون

بستم چله همزاد از دارند؟ دو دعا از جن انس و پری

وازحیوانات علی علی علی علی علی علی

نس لنس لس نس نس لس لس لس

لس هو اهله هله هله هله هله هله هله

هو اهو هله اهيا اا آهيا اا اهيا اا اهيا

اا اهيا اا آهيا اا اهيا قدوس قدوس قدو

س قدوس قدوس قدوس قدوس

لد لد لد لد لد لد ببدیم چله فلان ابن فلان

ازجن وانس و وازحیوانات و بحق انه من سلیمان

وانه بسم الله الرحمن الرحیم الا تعلو

علی واتونی مسلمین و بحق محمد و آل

محمد هو هو هو هو هو سبل ععععع

بسم الله الرحمن الرحیم

باب در بیان ناخن گرفتن: چنین آمده است که هر که در روز شنبه ناخن گیرد بیماری او دراز گردد هر که روز یکشنبه ناخن گیرد مال او زود تلف گردد هر که در روز دوشنبه ناخن گیرد او در وسوسه افتد و غمناک شود روز سه شنبه ناخن گیرد مادام در جنگ و غوغا بود هر که روز چهارشنبه ناخن گیرد بچشم خلایق عزیز و گرامی گردد هر که روز جمعه ناخن گیرد رونق روزی او زیاد شود

بدانکه روز شنبه پیش از نماز اگر خواهی در سفر یا در طلب هر کاری بسیار خوب باشد در روز یکشنبه بعد از نماز در طلب هر حاجت که خواهد برود که مراد دل برسد و در روز دوشنبه پیش از نماز ظهر و بعد از نماز ظهر در سفر باشد و روز سه شنبه در هر وقت که خواهد انشاءالله بیرون رود در طلب هر کاری سود دارد چهارشنبه در هر کاری صبر کردن بهتر باشد که باز یا فتنه کشیده دارد پنجشنبه پیش از نماز ... در معامله یا هر کاری مقصود دارد روز جمعه در سفر پایه دار نباشد دیگری جا جفت هر کاری عیب ندارد

بسم الله الرحمن الرحيم

باب جله بریدن زنان ابجد ست را ا ب ج د ه و
۱ ۲ ۳ ۴ ۵ ۶

ز ح ط ی ک ل م ن س ع ف ص ق ر ش
۷ ۸ ۹ ۱۰ ۲۰ ۳۰ ۴۰ ۵۰ ۶۰ ۷۰ ۸۰ ۹۰ ۱۰۰ ۲۰۰ ۳۰۰

ت ث خ ذ ض ظ غ ل جله ننه که خواهی حامله کند
۴۰۰ ۵۰۰ ۶۰۰ ۷۰۰ ۸۰۰ ۹۰۰ ۱۰۰۰

طالع او را بگیرد نام او و نام مادر او را بحساب الجمل بگیرد

هفت هفت طرح کند تا چند باقی بماند اگر یک و سه

و پنج بماند تا هفت بماند جله او فتاده است اگر دو چهار

و شش بماند جله او فتاده نیست باید برید و اگر دو بماند جله

بچه او فتاده نیست باید سه رنگ ابریشم یا ریسمان بهم

کند دعا بخواند گره زده ببرد اگر چهار بماند جله جن او

فتاده است این دعا را بر سه پاره کاغذ بنویسد هر چهار

شنبه بگیرد در آب اندازد چهل کاسه آب بر سر ریزد تا سه

چهار شنبه بفرمان خدای تعالی و الله اعلم ان شاء الله تعالی

دعا ابجد ست ا ب ج د ه و ز ح ط ی ک ل م ن

س ع ف ص ق ر ش ت ث خ ذ ض ظ غ لا

فتبارك الله احسن الخالقين ـــــ

وا این حروفات بنویسد بر ناف زن بندد و مرد با او

جفت گیرد حامله شود ان شاء الله و تعالی اعلم

[illegible]

نوع دیگر این شش طلسم بنویسد و زن بشوید حامله [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

فسیکفیکهم الله و هو السمیع العلیم

صبغة بحق محمد و له عابدون صلی الله علیه و آله

و سلم یا رب العالمین بسم الله بر بدم جله فلان بن فلان

از جن انس از وحش طیور از ترکش تا جنگ و عرب و عجم

و بنده آزاد و خویش و بیگانه و قریب و دور بود بحق محمد و آله

برحمتک یا ارحم

برحمتک یا ارحم الراحمین اگر شش ماند جله مرده
افتاده باید ابریشم یا عالجواند وابریشم را ببرند
این دعا بنویسد بر بازو ببندد ان شاء الله تعالی خاصیت
بفرمان خدای تعالی له له له له له له علی علی علی
علی علی علی علی همه همه همه همه همه همه همه همه همه
اهیا شر اهیا اهیا شر اهیا اهیا اهیا شر
اهیا اهیا شر اهیا برحمتک یا ارحم الراحمین

برید هم جله فلان بن فلان ـــــ اگر خواهد که بداند
که بکار به شود یا بمیرد این طلسم را در کاغذ بنویسد
در کاسه آب اندازد اگر رو گیرد به شود اگر زیر آب
رود بمیرد ۱۱۱ ۹۱۱۱۱۹۹۸۱۱۱ ططا ودا بماه ۱۱۱ ۳۱۱۱ ۹ روه ۹

دعا آل زنان ۱۱ ب ۱۱ ت ۱۱ ث ۱۱ ج ۱۱
ح ۱۱ خ ۱۱ د ۱۱ ذ ۱۱ ر ۱۱ ز ۱۱ س ۱۱ ش ۱۱ ص ۱۱ ض ۱۱
ط ۱۱ ظ ۱۱ ع ۱۱ غ ۱۱ ف ۱۱ ق ۱۱ ک ۱۱ ل ۱۱ م ۱۱ ن ۱۱
ه ۱۱ و ۱۱ لا ۱۱ ی لحق لا اله الا الله محمد رسول الله [illegible]

[illegible]

باب در حمد مغربی بسم الله الرحمن الرحیم از برای
کسانی که اولاد پا نمیگیرد یا نمی شود یا مرده می ماند
حمد مغربی را بنویسد و سه پنجشنبه در حمام برده دو
طاس آب دعا بر سر ریزد و دعا طاس دعا نیز حب
دعا طاس و دیگر راست بعدد دعا با خود دارد
اولاد برو پا گیرد بسم الله الرحمن الرحیم
الحمد لله رب العالمین یا حی یا قیوم یا
اجیب یا عینا ئیل علی ما تسخر لی قلوب
جمیع مخلوقات الروحانیات من علویات
و السفلیات سمیعاً مطیعاً بحق الحمد
لله رب العالمین و بحق الحی القیوم و بحق
ملک الملک المتوکل بقائمة العرش و بحق
حی وف الحمد الرحمن الرحیم یا رحمن یا رحیم
یا رئوف یا غفور اجب یا جبرائیل علی

ما تسخر لي قلوب مخلوقات الروحانيات من العلويات

والسفليات سميعاً مطيعاً بحق رحمن رحيم وبحق رءوف

عطوف اللطيف وبحق الملك المتوكل وبقائمة العرش

وبحق حروف هوز حطي مالك يوم الدين يا مقلب

القلوب اجب يا شمسائيل على ما تسخر لي قلوب مخلوقات

الروحانيات من العلويات والسفليات سميعاً مطيعاً

بحق مالك يوم الدين وبحق مقلب القلوب وبحق ملك المتوكل

بقائمة العرش وبحق حروف طيكل اياك نعبد واياك

نستعين وبحق يا عزيز يا قديم وبحق اجب يا عزرائيل على

ما تسخر لي قلوب مخلوقات الروحانيات من العلويات

والسفليات سميعاً مطيعاً يا سريع يا قريب يا معبود

يا مستعان اجب يا ميكائيل على ما تسخر لي قلوب

المخلوقات الروحانيات من العلويات والسفليات

سميعاً مطيعاً بحق اياك نعبد واياك نستعين

نستعین وبحق سریع الحساب سریع والقریب

یا معبود یا مستعان یا الله وبحق الملک المتوکل بقائمة العرش

وبحق حروف سبع اعدنا الصراط المستقیم یا قادر یا مقتدر

اجب یا خاضر قائیل علی ما تنجزلی قلوب المخلوقات الروحانیات

من العلویات والسفلیات سمیعاً بجمیعاً مطیعاً بحق اهدنا

الصراط المستقیم وبحق قادر مقتدر وبحق الملک المتوکل

بقائمة العرش وبحق حروف نصفر صراط الذین انعمت

علیهم یا الله یا علیم یا حکیم اجب یا عنائیل علی ما تسخر لی

قلوب المخلوقات الروحانیات من العلویات والسفلیات

سمیعاً مطیعاً بحق صراط الذین انعمت علیهم وبحق ملک متوکل

بقائمة العرش وبحق حروف ششسمخ ععتشمخ

غیر المغضوب علیهم ولا الضالین وبحق یا قدیم یا عزیز وبحق

الملک المتوکل بقائمة العرش ولا حول ولا قوة الا بالله العلی العظیم

حسبی الله ونعم الوکیل نعم المولا ونعم النصیر وننزل من القرآن ما هو

شفاء ورحمة للمؤمنین ولا یزید الظالمین الا خسارا

باب دیگر از برای [illegible] زنانی که اولاد بیرون نیکیرد باانکه در

شکم ضایع کنند باید انکه اول از حرام پرهیز کند زن وهم مرد

باید انچه حرام میباشد نخورد چرا که اولاد جنابت از حرام نطفه

بسته میشود وطعام خوراک ایشان حرام است باکسانیکه

حرام میخورند خوش چه در صحبت وچه در بازی چلی از

حرام پرهیز باید که نطفه از حلال بسته شود دیگران زن

نزدیکی میکنند واولاد بیمضرت میشود چرا که پیغمبر فرمود

که حرام وفا نکند وهر چیز حرام یا در آتش باید بسوزد

یا در آب اندازد غرق شود باانکه جنابت ایشان را

تحلیل میدهند وسیاه وکبود میگردند وضعیف میشوند

وتحلیل میروند باید تا انزونی که ان طفل را شیر دهند

حرام نخورد تا انشاء الله وتعالی فرزند صالح کرامت فرماید

وهیچ آسیب بوی نرسد والله اعلم

باالصواب الیه المرجع والمآب

حضرت سلیمان ۴۴ دیوان و پریان بردر شد کرده و دوازده امام

حب اختیار جنیان که داشتند قسم یاد کرده که هر کس این

دعا دوازده پریرا با خود دارد هیچ آسیب بوی نرسد

اگرچه زن باشد و چه مرد باشد تفاوت ندارد الله تعالی

بسم الله الرحمن الرحیم

الله لا اله الا هو الحی القیوم لا تاخذه سنة

ولا نوم له ما فی السموات وما فی الارض من ذا الذی

یشفع عنده الا باذنه یعلم ما بین ایدیهم وما

خلفهم ولا یحیطون بشیء من علمه الا بما شاء

وسع کرسیه السموات والارض ولا یؤده حفظهما

وهو العلی العظیم یا علی یا عظیم

الا احم الاطای وننزل من القرآن

ما هو شفاء ورحمة للمؤمنین ولا یزید

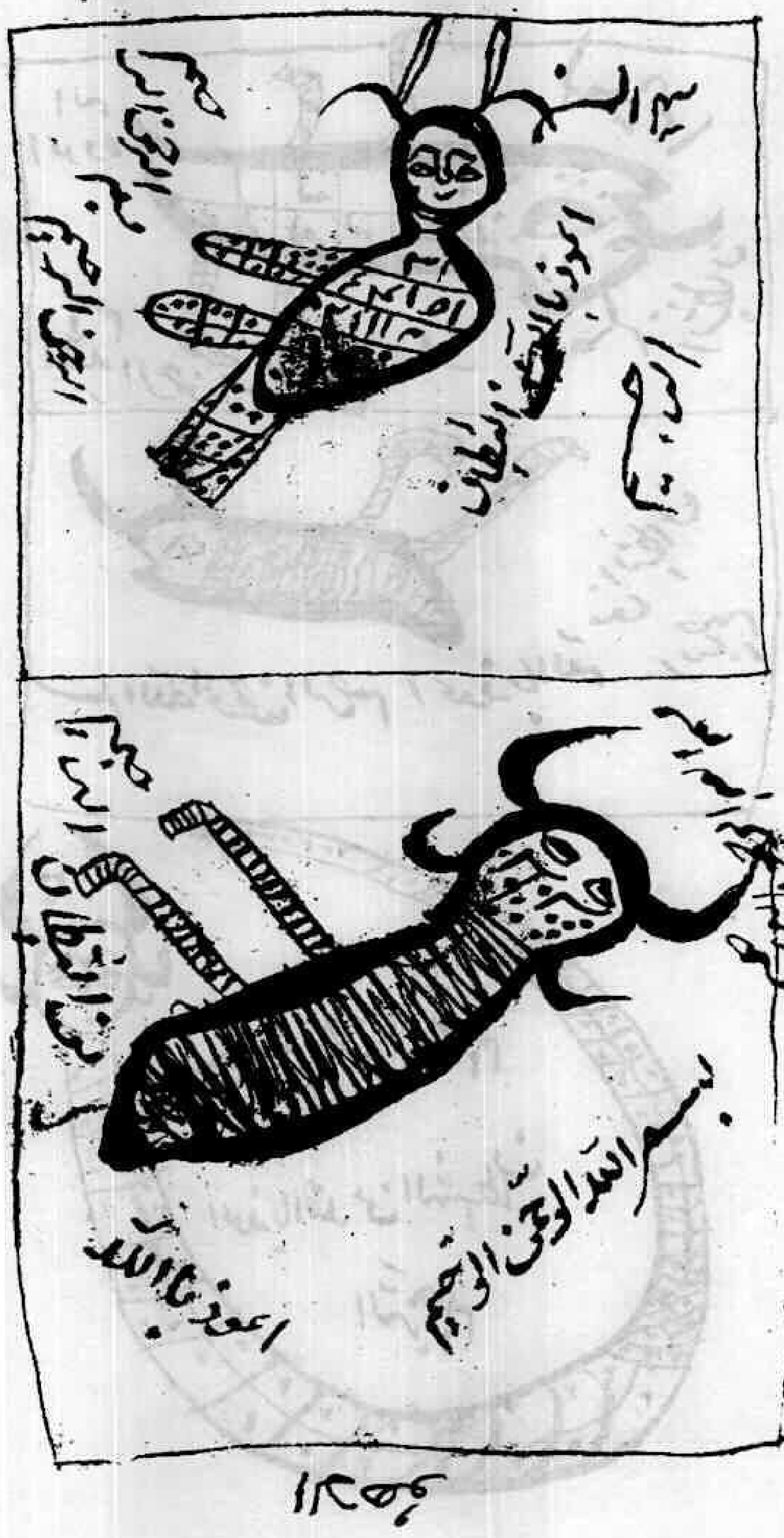
الظالمین الا خسارا


سر اول
بسم الله الرحمن الرحیم
الله
اعوذ بالله من الشیطان الرجیم

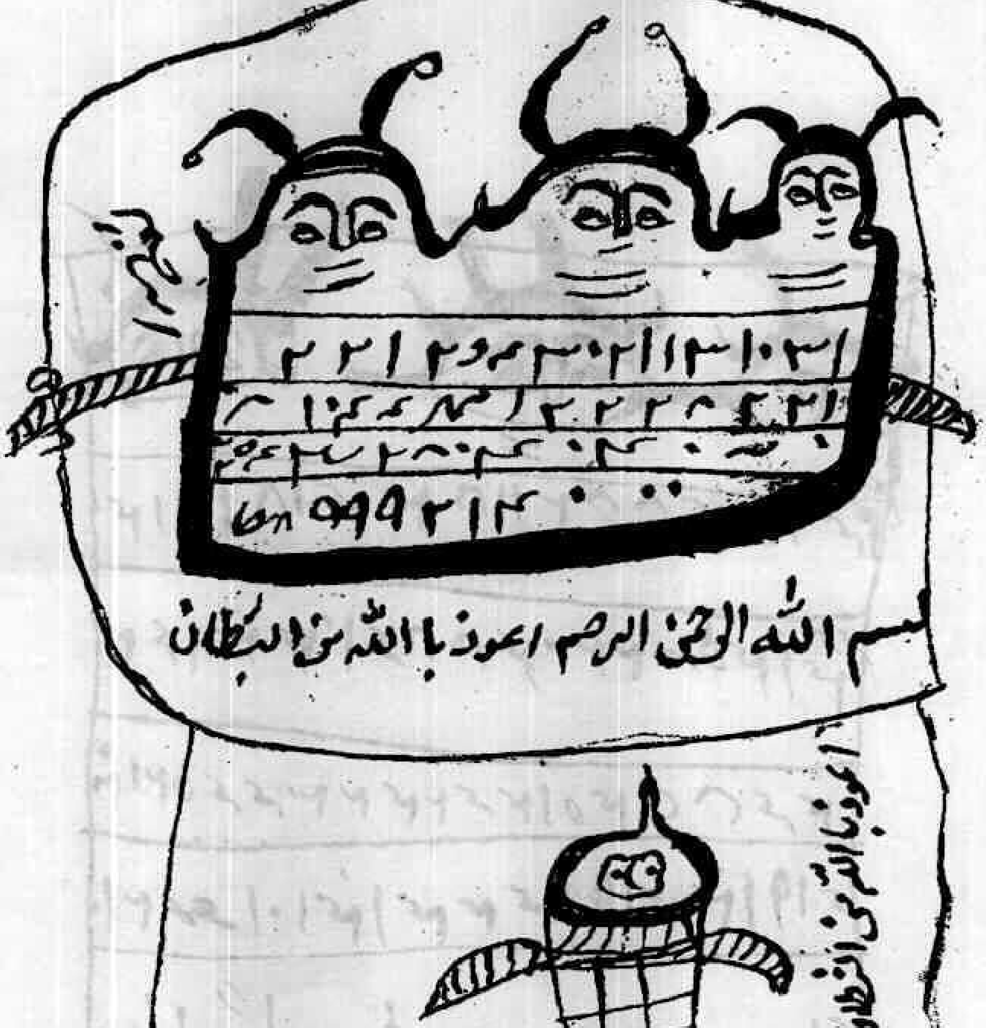
بسم الله الرحمن الرحيم

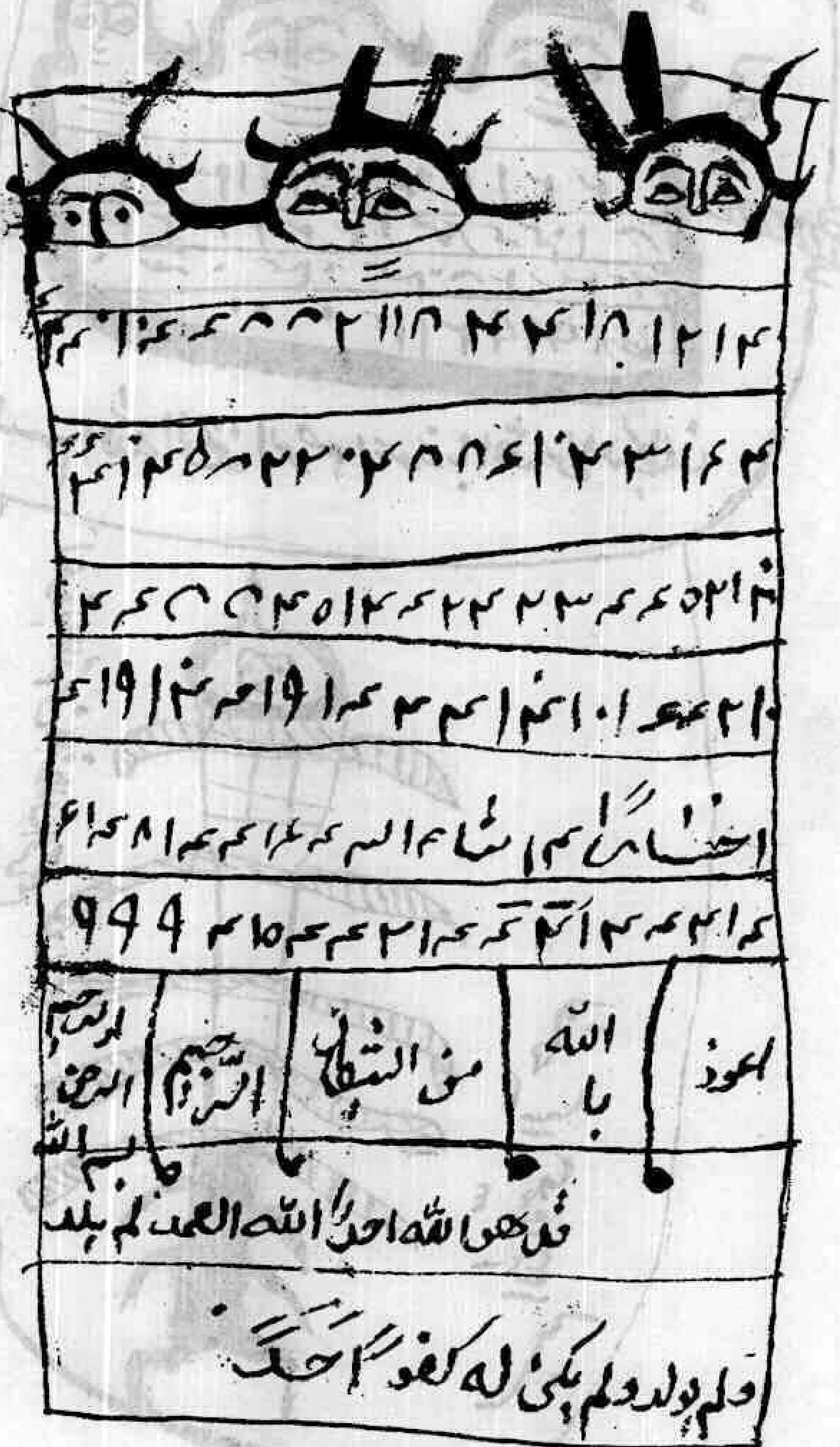


بسم الله الرحمن الرحيم




بسم الله الرحمن الرحيم اعوذ بالله
بسم الله الرحمن الرحيم
اعوذ بالله من الشيطان
الرجيم


بسم الله الرحمن الرحیم اعوذ بالله من الشیطان


اعوذ بالله من الشیطان الرجیم
قل هو الله احد الله الصمد لم یلد
و لم یولد و لم یکن له کفوا احد

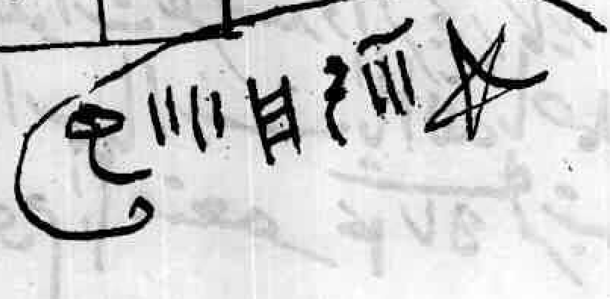
در خواص سلام قولاً من رب الرحیم

در شرف شمس این مربع سه بنویسد اگر نشود به مشک و گلاب و زعفران بکاغذ زرد صد و یک خاصیت در این مربع نوشته اند من جمله از برای ترس و خوف و گریه اطفال و مصروع و تب و دفع مار و عقرب و وبا و طاعون و اگر هر روز ۸۴۸ مرتبه بخواند بعد از آن صد و سی و دو (۱۳۲) مرتبه صلوات فرستد و بدین عمل مداومت نماید مستجاب الدعوه شود و مربع این است

وفقه ۸۴۸

سلا	قولا	من رب	رحیم
۲۹۳	۲۸۷	۱۳۲	۱۳۶
۲۸۶	۲۹۰	۱۳۹	۱۳۳
۱۳۸	۱۳۴	۲۸۸	۲۹۱

هشتصد و
چهل مرتب



مال مطابق اسم جعفر مطلب خود

اول بزکوة اسم سویک لک بلیست وپنج بار آن مرتبه

بد بعد بعد از آن بعد از بار نماز بعد خود بیش

بخواند اما زکوة سی و چهل قسمت نمودیم بار قسمتی

۳۱۲۵ سه هزار و صد و بیست و پنج

مرتبه است بعد از اتمام زکوة همیشه اوقات

۹۴۷۴ پانصد و هفتاد و چهار مرتبه

همیشه بخواند دیگر آنکه مربع بالا را در شرف

قمر بر انگشتر نقره نقش نماید در انگشت نماید دیگر

آنکه اگر بار یوم یکشنبه مربع نوشته با مشک و زعفران

و گلاب در حمام نگاهدارد روز دیگر باب دهد

و مربع آثاره نماید بهتر است لکن در خواندن

اول و آخر صلوات بفرستد و اگر بخور نماید

بهتر است و اسمها اینست یا الله یا احد

یا حی یا قیوم یا متعم ۹۴۷۴ مرتبه

مربع اول عمل یا الله مربع علی ... او سمع الله ... [illegible]

ختم آیة نور را از برای انکشاف و تنور قلب
ودر عالم خواب کشف در چهار اربعین
بخواند وقت خواب اربعین اول چهارده
مرتبه آیة نور را وقت خواب بخواند سر هفته
در اربعین دوم چهل و هشت مرتبه آیة را
بخواند در اربعین سیم دویست و دو مرتبه
بخواند در اربعین چهارم دویست و پنجاه
و شش مرتبه آیة را بخواند مقدم در اول چهارده
صلوات بفرستد و آخر چهل یک صلوات بفرستد
و هر شب بعد از نماز مغرب چهار صد و هفتاد
و سه مرتبه حمعسق کهیعص که بعد خودش
بخواند و هر وقت که آب می خورد یک مرتبه آیة نور را
با آب بخواند و بخورد تمام

دعای درد سر بسیار مجرب است و هفت مرتبه هفت
اسم بزبان هندی را بخواند البته رفع درد میشود
سلیسو بلیسو جاطر جیجه چیزو
بیزو حشبه   از برای فتوح
سوره یس بخواند چون بایه سلام قولا فتح
من رب رحیم برسد ۴۶۸ تکرار نماید بعد
و بعد سوره تمام نماید بعد ریاضت سوره
یس را بخواند اول صغیر دوم وسط سیم
کبیر صغیر ده هزار مرتبه وسط چهل هزار
مرتبه کبیر نود هزار مرتبه با شرایط و ترک
حیوانی و بخور و صوم لیشخر بلا انکه مقربین در
اینست از برای وسعت رزق هر روز
هزار مرتبه یا باسط بخواند

[illegible]

پانصد و هفتاد و چهار مرتبه همیشه اوقات بخواند
بعد از هر نماز و مربع اینست ۵۷۴ وفقه

۱۴۳	۱۴۶	۱۴۹	۱۳۶
۱۴۸	۱۳۷	۱۴۲	۱۴۷
۱۳۸	۱۵۱	۱۴۴	۱۴۱
۱۴۵	۱۴۰	۱۳۹	۱۵۰

عدد صغیر برای فتوحات مجلد وسیط برای مطالب عدد کبیر برای تسخیرات

عدد گذشته بال بعد از هر نماز صغیر بود و وسیط اینست
۵۷۴۰

عدد کبیر اینست
۵۷۴۰۰

وسیط پنج هزار و هفتصد و چهل مرتبه اسمی الله
بال کبیر پنجاه و هفت هزار و چهار صد مرتبه
لکن در وسیط صوم و بخور لازم است
و در کبیر صوم و بخور و ترک حیوانی لازم است
اگر در اربعین اول نشد تکرار نماید تا مطلب حاصل شود

برای مال و علم

مال نعمة الله

یا الله یا حمید یا مالک یا منعم

اسم ۴۹۱

اول یک لک و بیست و پنج هزار مرتبه در عرض چهل یوم ۴۰ بر نیت زکوة بخواند

۳۱۲۵ میشود

روزی سه هزار و صد و بیست و پنج مرتبه در عرض

چهل یوم ۴۰ بخواند بعد از آن بعد از هر نماز چهار صد و نود و یک ۴۹۱

مرتبه بعد از هر نماز همیشه بخواند و لوح سود در شرف قمر بر

انگشتر نقره نقش کند با خود دارد و اگر لوح سه یا روز

بر کاغذ مشک و زعفران و گلاب نوشته در عمامه نگاه دارد

وفقه ۴۹۱

و روز دیگر باب دهد

و هر روز تجدید نماید

بهتر است

و در وقت خواندن

بخور بوی خوش در آتش

بگذارد بهتر است

۱۲۲	۱۲۵	۱۲۹	۱۱۵
۱۲۸	۱۱۶	۱۲۱	۱۲۶
۱۱۷	۱۳۱	۱۲۳	۱۲۰
۱۲۴	۱۱۹	۱۱۸	۱۳۰

مال نصرالله — برای علم و مال

یا قیوم یا نافع یا کریم

۶۲۷

اول بزکوة بعد یک لک و بیست و پنج هزار مرتبه در عرض چهل یوم روزی سه هزار و صد و بیست و پنج مرتبه بخواند ۳۱۲۵ بعد از آن هر یوم بعد از هر نماز ششصد و بیست و هفت مرتبه همیشه بخواند ۶۲۷ و لوح سوم در شرف قمر در انگشتر نقره نقش کند با خود دارد و اگر لوح هر روز نوشته بر پیشانی کاغذ بمشک و زعفران و گلاب بنویسد در عمامه بگذارد روز دیگر باید بعد هر روز مجدد نماید بهتر است و اگر در وقت نوشتن بخور نماید بهتر است

وفقه ۶۲۷

۱۸۶	۱۸۹	۱۶۳	۱۴۹
۱۶۲	۱۵۰	۱۵۵	۱۶۰
۱۵۱	۱۶۵	۱۵۷	۱۵۴
۱۵۸	۱۵۳	۱۵۲	۱۶۴

از جهة حامله شدن زن هرگاه حامله نشود این عمل را
بجا آورد گرامش نعم حامله خواهد شد و تفصیل
آن اینست که زن روز جمعه بعد از نماز صبح بدون
تکلم یا حلیم سیصد و سی و شش مرتبه یا مصور و همچنین
بعد هر نماز صبح تا هفت روز که روز پنجشنبه میشود
و این طلسم را هم حمل کند در وقت نوشتن وقت بخور عود لبسورانند
و اینست طلسم

٣٣٦

٨٣	٨٦	٩١	٧٦
٩٠	٧٧	٨٢	٨٧
٧٨	٩٣	٨٤	٨١
٨٥	٨٠	٧٩	٩٢

اذا اردت ان تعرف
المریض من سحر او مرض جنون او غیره فخذ عمامته ان کان
رجلاً او القناع ان کان امرءة واشبر شبراً جیداً وتلفه
فی بدلک وتعزم علیه بهذه العزیمة ایضاً فان زادت
فهی نظرة من الجن وان نقصت فهی من سحر وان استوت
فهو مرض من الله والعزیمة فهی هذه تقرئه ثلاث مرات
بسم الله الرحمن الرحیم والصافات صفا فالزاجرات
زجرا فالتالیات ذکرا ان الهکم لواحد رب السموات
والارض وما بینهما ورب المشارق انا زینا
السماء الدنیا بزینة الکواکب وحفظا من کل
شیطان

شیطان مارد لا یسمعون الی الملاء الاعلی و یقذفون
من کل جانب دحورا و لهم عذاب واصب الا
من خطف الخطفة فاتبعه شهاب ثاقب شراهیه
الفزع و رب النار و النور و لقد سبقت کلمتنا
لعبادنا المرسلین و ما قدروا الله حق قدره و الارض
جمیعا قبضته یوم القیمة و السموات مطویات
بیمینه سبحانه و تعالی عما یشرکون شراهیا
و رب النار و النور و الطور و کتاب مسطور
و لعزت الله و سلطانه و بحق سلیمان ابن داود
الا ما بلیت ما بصاحب هذه الامراض عم

در بیان دعوت قل هو الله قال کتاب خود شما در روز پانزدهم
شانزده هزار مرتبه نوشته است تفسیر این باید نمود در آن روز
بعد از هر نماز سه هزار مرتبه در نصف شب هزار مرتبه بخواند
دیگر دعائی که عدد کبیر آن هزار و صد و پانزده بست و یکبار نوشته
در یک مجلس خیلی صعب است بهتر آنست که بعد از هر نماز دویست
مرتبه در نصف شب صد و بیست و یکبار بخواند و اگر در یک روز
بر آورده نشود تکرار نماید تا بر آورده شود دیگر از برای فتوحات
چهل و یک شب بعد از نماز عشا هر شب چهل و یک بار سوره
و اللیل را بخواند چون باید و ما لاحد عنده من نعمة تجزی برسد سه
مرتبه تکرار نماید و بعد باقی سوره را تمام نماید عم

هر که این دعا را با خود دارد تفنگ با و کار نکند

اگر خواهد بباز باید به کوفه ریح ببندند

بسم الله الرحمن الرحیم

یا حفیظ یا حفیظ ... ابر ...

... والله ... والله ...

... لا تخاف درکا ولا

تخشی انت مولانا فانصرنا علی

القوم الکافرین

عیسی و زبور داود و فرقان محمد مصطفی ع و بحق طه

و یس و حم عسق و بحق کهیعص و ن والقلم

و بحق جبرائیل و میکائیل و اسرافیل و عزرائیل

و بحق اهیا شراهیا و بحق اسمائک العظام العجل ۳ بار

الساعة ۳ بار و ۳ بار ادونای و در میان طعام کنند

تا هر دو بخورند که با صلاح آیند بقدرت خدای تعالی

دو کس میان ایشان یگانه باشند لیکن خدا و ند سه

قوه اراده و طبع ایشان موافق آتش بود چنانچه خواهی که میان

ایشان محبت پدید آید نوشته بنویسد در میان

کله نو نهد و در آتش و آن دفن کند یک شبانروز

چنانچه بود آورده بشکنند و آن را بیرون آورده سوخته

او را در طعام کنند و بخورد آنکس و هذا اینست

یا معشر الجن والارواح بحق القیوم و بحق النفس عیون

عیلیون اهیا شراهیا ادونی اصباوت عیا ادیاس

نحو باعاصسونا ١١٢٢١٢ ٨٣٣٨١٢٢ ٨١١

باکم ۲ و ۲ علی حسب فلان بن فلان الجمل ۳ بار الساعة الساعة

دو و چهار هر دو موافق باشند و طبع راست

همه راحت شامل ۲ و ۵ هیچ سود ندارد ۲ و ۶ در میانه

جنگ و خصومت افتد گاه گاه و لیکن در آخر رو بکمال شامل

دانند که نمودن بسیار دو ذکا کار باشد که جهل ندرز باشند تا ایشان کار ۲ و ۷ اول

دوست باشند و آخر جدا ز رد دانند که علاج توان کرد

۲ و ۸ الله اعلم میان ایشان موافقت نباشد

۲ و ۹ دوستی باشد و خلوت طلبند لجسم

۳ و ۳ دوستی ایشان گاه باشد و گاه نه باشد علاج سود ندارد

۳ و ۴ بظاهر دوست باشند و الا هیچ سود ندارد

۳ و ۵ هر دو متفق باشند و هم طبع معالجه توان کرد

خاصه ذن ۳ و ۶ هر دو موافق باشند و دوستی ذن

ذن باشد که قل ان کنتم تحبون الله فاتبعونی تا آخر
آیه بنویس و با خود دارد مرد بباذوی راست و ذن به
باذوی چپ ۳ و ۸ هر دو موافق باشند ولیکن
مرد را محبت زیاده باشد چون خواهد که دوستی
کند خاتم سلیمان که نقش کرده باشد در شب قمر
در صوم کیرد در ساعت سعد بنام انکس در زیر آستانه
خانه انکس پنهان کند که دوستی پیدا شود
۳ و ۸ هر دو یکدیگر را دوست دارند اما تظاهر
خود را دور دارند علاج و فائده دارد ۳ و ۹
میان ایشان موافق باشد مشک افسون کرده
بحمل و قل هو الله احد و آیة الکرسی بخوانند چون
بوی خوش با ایشان دل محبت عظیم پیدا شود
دال ۴ و ۴ گاه محبت و گاه نفاق اما محبت
بحبه فراوان باشد تا تحویل نگاه دارند محبت
باشد

فاستغفروا الله یغفر لکم ذنوبکم والله غفور رحیم

باشد چنانکه دست بر دارند علامت اقتل ۴ و ۵

هر دو دوست دار باشند و طبع ایشان باتش نزدیک

بود تحویل آتش سوی دارد ۴ و ۶ از این موافقت

توان محبت جهت موافقت ایشان که چهار

طبع نزدیک است ۴ و ۷ یک دیگر را اعتماد ندارند

در شک اقتل از یک دیگری نتوان کرد و محبت بیشتر

از مرد باشد علاج باتش توان کرد ۴ و ۸ میانه

ایشان دوستی تمام باشد بوی خوش افزون کرده

نیکو بود الهامی ۵ و ۵ هر دو یک دیگر را دوست

دارند محبت کردن در میان ایشان دیوانگی آورد

۵ و ۶ میانه ایشان نهایت دوستی بود چنانکه بی

یکدیگر صبر نتوان کرد ۵ و ۸ یکدیگر را دوست دارند

علاج نخواهی بکن و نخواهی مکن ۵ و ۹ موافق باشند اما

موافق باشد اما عاقبت جدائی افتد الراد ۶ و ۶

در هر دو روزگار موافقت و محبت بسیار از مردم اقتل و ...

عدد ۶ بغایت محبت باشد خواه کنی و خواه نکنی

عدد ۷ محبت باشد و علاج که گفتیم و از یکجانب بود دیگری نه

عدد ۸ بغایت موافق باشند عدد ۹ دوستی ایشان

زیاده از عداوت باشد و افسون باصلاح آورد

هر دو مخالف نمایند مگر افسون

السرطان با دلو

کنند و در آب اندازند و به خورد هر دو دهند ۱ و ۸

هر دو دوستدار باشند از دوستی زیادتی یکدیگر را حرمت

ندارند ۱ و ۹ دوست باشند علاج بشنود دایم ایشان

تعویذ آتشی باید نگاه دارند الجساء ۸ و ۸

میان ایشان رشک بسیار باشد تعویذ بمشک

در زعفران بنویسد بغایت نیک باشد و مشک

افسون که هر باشد دارند ۸ و ۹ میانه ایشان علاج شود

ندارد و محبت اصلا نبود عاقبت عداوت پیدا شود

الطا ۹ و ۹ هر دو مخالف نمایند و معالجه ایشان

نیکو

میکوید خاصه بریحانه بوستانه واین افسون بردی

خرائنیت طرقا طهرقا باهور شقیت هیا هیا

آذدنی اصبادت الشل ای افسون کر ابنام خدای

ددو سیح افلکند م ادقد ۲۲۴ دربحان ۲۲۲ هلا هلا

هلا هلا هلا الحجل ۳ بار الوحا الوحا وبرداز این

حسا آنست که میان دو حلال اگر خصومت باشد

حساب کند اگر موافق است معالجه کند والسلام

ازبرای اظهار مطلوب این مربع را در ساعت سعد بر روی

دو ۹۱۵۸۳ در روی دیگر نقل این مخمس را بکند بکند هل هل

۴۶۵	۳	۹	۱۰	۱۶
۵	۱۱	۱۷	۴۶۶	۴
۱۸	۴۶۷	[illegible]	۶	۱۲
۱	۷	۱۳	۱۹	۴۶۳
۱۴	۱۵	۴۶۴	۲	۸

۳۹۱	۴۰۳	۳۹۷	۳۹۲
۳۹۹	۳۹۹	۴۰۱	۴۰۴
۳۹۴	۳۹۳	۳۹۰	۳۸۹
۴۰۲	۳۸۸	۳۹۵	۳۹۸

بنویسد یا شمعو ثایا شفیشا بحو هد السیمان واحو هوا

یهنج یهنج یا ملک الجن والشیاطین هیوهیحی فلک عزیرم

علی محبت فلان بن فلان العجل العجل العجل الوحا الوحا الوحا

الساعة الساعة الساعة الحریق الحریق الحریق

النار النار النار بعد در زیر آتش گذارد مطلوب

حاضر شود و در وقتی که نار گذارد قدری کندر و جاوی

و مصطکی و میعه سائله و نبات در آتش ریزد و مداد آن

سرخ نبات و صمغ عربی است

جهت خواب دیدن این اسم بود بر دست چپ نویسد و سخن

نگوید بخواب رود هر نیت که کرده باشد در خواب بیند

مادوس حادوس باسما بهرم سلح

صفهای اسمدیا در واح اگر ترا حاجتی باشد و

خواهی که بدانی آن حاجت روا خواهد شد یا نه مشتی

از حبوبات بود از گندم یا جو یا برنج و نیت کند

حاجت خود را و بعد از نیت از آن بردارد و شش

شش طرح کند اگر یک بماند از ذهره باشد و حاجت

زود روا شود

واکر دو بماند از مریخ باشد حاجت روا نشود واکر

سه بماند از مشتری باشد حاجت روا شود واکر چهار

باشد از زحل باشد حاجت روا نشود واکر پنج بماند از

از آفتاب باشد حاجت روا شود واکر شش بماند از ماه

باشد حاجت زود روا شود ا بجمیع بنات وجمات شخصی

که در سفر باشد نبود رسد این دعا واین طلسم را بر کاغذ و بر سنکی

یا کلوخ پاک بنویسد و در چاه آب اندازد که بزیر آب رود در

کوش دهد هر کاه صدای غلغله میاید بر صحت باشد و هرکاه صدا

نشنود این مرده باشد بسم الله الرحمن الرحیم یا قوم انما هذه

الحیوة الدنیا متاع وان الدار الاخرة هی دار القرار من عمل صالحاً

حرز ذکر او انثی و هو مؤمن ۵۹۵۱۱ م ع مرطل ا م ا ا ۲ و و ۸

۵۱۱۹۱۱۹ ع مرطل ا م ا ۲ و و ۸

حساب حیات ممات مریض اسم مریض را حساب نماید واسم مادر او

واسم روز واسم عدد ایام ماه و بیست و یک اضافه نماید و سی

طرح نماید اکر لوح حیات زنده واکر در ممات بماند مرده است

اگر خواهد که متهمین دزدیها از شهر برارد
برای عکس برکت او بخواند بحم اهیا
شراهیا ال شدای علی صباوت که اگر
بی گناه می باشد عکس بگردد تمام

اگر خوی که کسی از عشق خود بیقرار گردانی این
طلسم را بر پشت پای خود خوب بنویسد ع
قدم بر روز فتنه باشی این شخص بدنبال فقد
بباید آزموده و تجربست

ے ۱۱ ط ۱۱ م صم صس ۱۱ ۵ ط ۱۱ ۵ ع ۱۱ ع ۱۱ ۵

۱۱۱۱ ۵ سه ۱ سه ۱۱۱ بح ۱۱ ۹ ۱۱ ط ۱۱۱۱ ۵ ۱۱ ۱۱ ۱۱ ط سه ۹۹ ع ۱۱ ۱۱ ع


صلى الله عليك يا رسول الله

لوح حیات

۳	۲	۱
۱۳	۱۱	۷
۱۷	۱۶	۱۴
۲۲	۲۰	۱۹
۲۸	۲۶	۲۳

لوح ممات

۶	۵	۴
۱۰	۹	۸
۱۸	۱۵	۱۲
۲۵	۲۴	۲۱
۳۳	۲۹	۲۷

جمل کبیر تبیین

ا	ب	ج	د	ه	و	ز	ح	ط
۱۱۱	۳	۵۳	۳۵	۶	۱۳	۸	۹	۱۰

ی	ک	ل	م	ن	س	ع	ف
۱۱	۱۰۱	۷۱	۹۰	۱۰۶	۱۱۲	۱۳۰	۸۱

ص	ق	ر	ش	ت	ث	خ	ذ
۹۵	۱۸۱	۲۰۱	۳۶۰	۴۰۱	۵۰۱	۶۰۱	۷۳۱

ض	ظ	غ
۸۰۵	۹۰۱	۱۰۶۰

جمل کبیر

ا	ب	ج	د	ه	و	ز	ح	ط
۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹

ی	ک	ل	م	ن	س	ع	ف	ص
۱۰	۲۰	۳۰	۴۰	۵۰	۶۰	۷۰	۸۰	۹۰

ق	ر	ش	ت	ث	خ	ذ	ض	ظ	غ
۱۰۰	۲۰۰	۳۰۰	۴۰۰	۵۰۰	۶۰۰	۷۰۰	۸۰۰	۹۰۰	۱۰۰۰

وسیط

ا	ب	ج	د	ه	و	ز	ح	ط
۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹

ی	ک	ل	م	ن	س	ع	ف	ص
۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵	۱۶	۱۷	۱۸

ق	ر	ش	ت	ث	خ	ذ	ض	ظ	غ
۱۹	۲۰	۲۱	۲۲	۲۳	۲۴	۲۵	۲۶	۲۷	۲۸

هفتم جمعه دو دل گربه سیاه و دل جغده
بچشم کند جنی بیند

جمل صغیر

ا ب ج د ه و ز ح ط ی ک
۱ ۲ ۳ ۴ ۵ ۶ ۷ ۸ ۹ ۱۰ ۸

ل م ن س ع ف ص ق ر ش
۶ ۴ ۲ ساقط ۱۰ ۸ ۶ ۴ ۸ ساقط

ت ث خ ذ ض ظ غ
۴ ۸ ساقط ۴ ۸ ساقط ۴

ایقغ بکر جلش دمت هنث
۱۱۱۱ ۲۲۲ ۳۳۳ ۴۴۴ ۵۵۵

وسخ زعذ حفض طصظ
۶۶۶ ۷۷۷ ۸۸۸ ۹۹۹

ختم سوره والشمس روزی هزار مرتبه بخوانند

جهت رد بردی آفت ختم سوره والشمس از برای کثرات

والتفافات چهل یوم با ترک حیوانی و بخور و صوم اول طلوع
آفتاب مقابل آفتاب و وقت غروب مقابل آن بخوانند
صبح هزار مرتبه وقت غروب آفتاب هزار مرتبه بخوانند

از برای تسخیر ارواح دعوت دعاء تسبیح

هفت یوم هر روز دو لیست مرتبه بخواند

اگر بخواهد در یک مجلس بخواند بسیار

صعب است پنج قسمت نمودیم هر قسمت

چهل مرتبه بعد از نماز پنج گانه یومیه

هر قسمت را بخواند مع شرایط از بخور

وصوم وخلوت وغسل وترک حیوانی

شرح یاسین مغربی ابن عراقی

بسم الله الرحمن الرحیم مروی است از امام بحق

ناطق جعفر الصادق ع که از رسول خدا صلعم روایت کرده

است که این سوره را در وقت نماز شام و خفتن بخواند

از جمیع بلاها محفوظ ماند و مرادات دنیا و آخرت را حاصل

کرده و اگر این سوره را بخواند و بر آب روان دمد و بعد از آن

وضوء بسازد دو رکعت نماز بکند و در هر رکعتی

بعد

بعد از حمد این سوره را بخواند و بر خود دمد اگر همه

عالم را آب بگیرد او در روی آب باشد هیچ المی

باو نرسد بقدرت خدای تعالی و اگر این سوره را در

ساعت سعد بنویسد در بازوی راست

خود بندد از دشمنان دوست او گردند و جمیع خلا

یق مسخر او گردند و اگر خواهی که کسی را عاشق

خود کردانی چنانچه بتو یکدم آرام نگیرد باید

سوره را چهار سنگ ریزه بخوند و در کوزه آب

ندیده اندازد و سر کوزه را موم بگیرد و در آتش

خانه حمام دفن کند آنکس از عشق بیقرار گردد

و اگر خواهی ابواب خیر بروی تو گشاده گردد باید که

دو رکعت نماز بکنارد و در هر رکعتی بعد از حمد

این سوره را بخوانند و این عمل در روز سه شنبه یا پنج شنبه

یا جمعه بجا آورد ابواب دولت بروی او گشاده

شود و اگر خواهی میان دو کس جدائی و دشمنی افکنی

این سوره هفت مرتبه بخوان بر دو پاره نان

و ببلک ده و اگر مرد باشد ببلک نر بده تا بخورد

چنان شوند که هرگز یکدیگر را نتوانند دید

و اگر زن باشد ببلک ماده و اگر خواهی که دشمن

خود را هلاک کنی بیاور یکعدد خشت خام و در پیش

خود نهی و بکنی [illegible] دو صد یکبار بخوان

این سوره را هر مرتبه که تمام شود یک خط بر روی

خشت بکش تا صد یکبار تمام شود و آنگاه

خشت را چنانکه نماز میت بر آن

بکنی

بکن و در دهان شخص دشمن را بنظر در آورد و بعد از آن

جنازه را بعقب سر خود در آب انداز چون آن

خشت در آب ضایع شود آن شخص نیز هلاک

شود اما زینهار این عمل را مکن و بجهت باز آمدن

غائب این سوره را بیست و یکمرتبه بخوانند بنیت

غائب یا غائبه بزودی بیاید و اگر این سوره

را بر کاه غل بنویسد در صحرا کرده و در بازو

راست خود بندد عجایب بسیار مشاهده نماید

و در نزد خلایق عزیز و محترم گردد و اگر خواهی که

دو دندان نیش بسیار تیز نشوند یکبار بخواند با شد

که هفتاد ختم قرآن کرده باشد و همیشه در حفظ الله

خدا باشد و اگر خواهی که عضل اللسان کند بکیرید

هفت رنگ و بو هفت کره بران د بوهر کرده هفت

باد

بار این سوره را بخوان و در پیش خانه انکس

دفن کن لسان انکس بسته گردد و اگر خواهی کسی

امور بان خود کنی بگیر چهل عدد سنگ ریزه ها به

و سنگ ریزه ها را در کوزه اب نریزه بکن و سر آن

کوزه را بموم بگیر و در گرما به حمام دفن کن و بعد از آن

عجایبها خواهی دید و بیم آن بود که دیوانه گردد و بیقرار

شود و اگر خواهی که کسیرا مطیع و فرمان بردار خود

کردنی بیا در قرص نشادر ده هفت این سوره را

بر آن بخوان و بر آن نشادر بدم و در خانه انکس

دفن کن که مطیع و فرمان بردار شود و از دوستی

بیقرار شود و اگر خواهی کسیرا عقل اللسان کنی

بیا و دیك خشت خام و بلبك و یکبار این

سوره

این سوره را بر آن خشت بخوان و بدم و با کسی سخن

مگو و هر دفعه که سوره تمام کنی خطی جرده بخشنده

بکش چون تمام شود آن خاك که بر روی خشت

جمع شده باشد بر داشته و گل کرده بر روی

همان خشت بمالد آنرا در گور کهنه دفن

کند و بگوید بستم زبان فلان ابن فلان را این را

بسیار مجرب دانسته اند و اگر کسی را بسته باشند

که علاج آن نتوان کرد باید که هفت روز این

سوره را بخواند و باب دهد و بخورد گشاده

گردد و علتی که داشته باشد دفع شود نوع دیگر

این سوره را بنویسد بمشک و زعفران

و گلاب بشوید و بخورد چهل روز اگر کسی دست

تنگ باشد که بعد از نماز خفتن این سوره

را یکبار

دیگر بار بخواند صد مرتبه صلوات بفرستد حق تعالی

درد و بیماری او را زایل و توانگر گرداند و اگر

خواهد که میان جمعی از اهل ذمی بیاید و سنگی که بود

یکمن باشد یا زیاده چهل بار این سوره را

بر آن سنگ بخوان و بیندازد در جائی که سرد باشد

بگو در حال در میان ایشان دشمنی پیدا شود

و از یکدیگر جدا شوند و اگر خواهی که کسی را عاشق

و بیخود گردانی این سوره را بر نمک بتوبه بخوان

و در روز یکشنبه پیش از نماز با صلوات دهد از آن

این آیه را بخوان که وضرب لنا مثلا ونسی خلقه

قال من یحیی العظام وهی رمیم قل یحییها الذی

انشاها اول مرة وهو بکل خلق علیم تا پنج

مرتبه

ریتیم و بگو لبستم دل و جان فلان ابن فلان

را بمحبت و عشق فلان ابن فلان چنان

شود که اگر یکدم تو را نبیند دیوانه شود

ما اگر کسی این سوره را بزعفران و گلاب بنویسد

و بشوید و بخورد دلش قوی گردد و هرچه بشنود

یاد گیرد و فراموش نکند و در هر خانه که سوره

باشد دیو و پری و جن و النور گزند و آسیب

بر آن خانه نرسانند و اگر کسی فرزند نباشد

یا بشود و نماند این سوره را بنویسد بزعفران

و گلاب و در موم کرده و با آب آن زن و مرد زن

از آن آب بخورند بعد از آن در بازوی چپ

یا راست به بندد و بهتر است که مرد با زن

مقاربت نماید البته فرزند حاصل شود

بفرمان حق تعالی

اگر

اگر خواهی کسیرا عاشق و بیقرار خود گردانی بگیر
چهار دیگر دانه فلفل سفید و بر هر دانه یکمرتبه این
سوره را بخوان و بدم و هر دانه را در دهان موی سیاه
نه و هر دو را بر آتش بسوزان بنام آن بود که آن شخص
دیوانه شود از جهت محبت کسیرا این سوره را بر صفحه
بیخ آهن بخوان و در آتش انداز تا سرخ شود آن
شخص از عشق بیقرار گردد و از محبت دیوانه شود
اگر خواهی زبان جماعتی را ببندی بیا در قلمی
آرد جو و خمیر کن و چهل دانه گلوله کن و بهر یکی یکبار
این سوره را بخوان و بدان خمیرها بدم و در آب
انداز بنام هر کسی که خواهی زبان آن جماعت بسته
شود که هرگز بدی نتوانند گفت و دیگر اگر

خواهی

خواهی که کسیرا عاشق و محب خود گردانی بیاور

چهل و یکعدد سنکریزه و این سوره را بر آنها بخوان و

بهر دانه یکبار بدم و سنکرا در کوزه آب ندیده سبز کن

و در جائیکه دائم گرم باشد پنهان کن عجایبها بینی که

هرگز ندیده باشی و جمله دیو و پری و جن و انس مسخر

خود گردانی و دیگر اگر کسی این سوره را ۳ مرتبه صبح

بخواند مرادی حاصل گردد اگر خواهی کسیرا عقد اللسان

کنی بیاور پاره ریسمان که دختر نابالغ رشته باشد و سه مرتبه

این سوره را بر آن بخوان و بر آن بدم و ۳ گره هم بزن بر آن

و در خوانه آن کس پنهان کن زبان آنکس بسته گردد بدی نتوان گفت

و دیگر اگر کسیرا مار یا عقرب گزیده باشد این سوره را هفت نوبت

بخواند و بر آب بدمد و آن آب بخورد شفا یابد و اگر کسی نتواند

خواند بر پوست آهو نویسد و با خود نگاه دارد از او هیچ

گزنده باو نرسد و اگر صد خون کرده باشد کسی دشمنی

نتواند کرد و اگر همه عالم دشمن وی شوند یکجو ضرر

نتوانند رسانید و اگر خواهی میان دو کس جدائی

انداز بیاور پاره خاک چهار راه را و این سوره را
بخوان و بر آن بدم و در روز چهار شنبه این عمل را کند
در ساعت مریخ و در خوابگاه آنکس انداز البته از یکدیگر
جدا شوند بنوعیکه هرگز یکدیگر را نتوان دید و اگر خواهی
از عشق خود بقرار گردانی و دوست و محب خود گردانی
روز پنجشنبه در ساعت زهره یا مشتری این سوره را هفت بار
بخواند و بر شکر دمد و بانکس بخوراند در روز شنبه باشد
چنان محب او شود که بی او آرام نداشته باشد دیگر اگر
خواهی کسی را مطیع و فرمان بردار خود گردانی بیاور پاره جامه
آنکس را و یکبار این سوره را بر آن بخوان و بدم بر آن و در آتش
انداز آنکس چنان شود که یکدم نتواند آرام نگیرد و شرح این سوره
بسیار است بدین اختصار کردیم که خواننده و نویسنده را
ملال نگیرد و رغبت در نوشتن کند

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ

يٰسٓ وَالْقُرْاٰنِ الْحَكِيمِ اِنَّكَ لَمِنَ الْمُرْسَلِينَ
عَلٰى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ تَنْزِيلَ الْعَزِيزِ الرَّحِيمِ لِتُنْذِرَ
قَوْمًا

قوماً ما انذر آباؤهم فهم غافلون لقد حقّ
القول على اكثرهم فهم لا يؤمنون انا جعلنا
في اعناقهم اغلالاً فهي الى الاذقان فهم مقمحون
وجعلنا من بين ايديهم سدّاً ومن خلفهم سدّاً
فاغشيناهم فهم لا يبصرون وسواءٌ عليهم
ءانذرتهم ام لم تنذرهم لا يؤمنون انما
تنذر من اتبع الذكر وخشي الرحمن بالغيب فبشره
بمغفرة واجر كريم انا نحن نحيي الموتى ونكتب
ما قدموا وآثارهم وكل شيءٍ احصيناه في امامٍ مبين
وبعد يكو سبحان المفرج عن كل محزون
سبحان المنفس عن كل مشحون سبحان الميسر عن كل مديون
سبحان العالم بكل مكنون سبحان من جعل خزائنه
بين الكاف والنون سبحان الذي اذا اراد شيئاً
ان يقول له كن فيكون فسبحان الذي بيده ملكوت

كل شيء واليه ترجعون سبحانه سبحانه سبحانه

وتعالى عما يصفون فسبحان الله حين تمسون

وحين تصبحون وله الحمد في السموات وفي الارض

وعشيا وحين تظهرون يخرج الحي من الميت

ويخرج الميت من الحي ويحيي الارض بعد موتها

وكذلك تخرجون سبحان ربك رب العزة عما يصفون

وسلام على المرسلين والحمد لله رب العالمين

سوره فاتحة الكتاب را بخواند و بعد از آن بگوید اللهم يا مبين

يا مبين يا مبين اسئلك بحق اسمك الاعظم

ونبيك محمد صلى الله عليه وآله وسلم

الكريم المكرم ان تفعل بي ما انت اهله

بعد از آن حاجت خود را سؤال کند

واضرب لهم مثلا اصحاب القرية

اذ جاءها المرسلون اذ ارسلنا

إِلَيْهِمُ اثْنَيْنِ فَكَذَّبُوهُمَا فَعَزَّزْنَا بِثَالِثٍ فَقَالُوا
إِنَّا إِلَيْكُمْ مُرْسَلُونَ قَالُوا مَا أَنْتُمْ إِلَّا بَشَرٌ مِثْلُنَا
وَمَا أَنْزَلَ الرَّحْمَنُ مِنْ شَيْءٍ إِنْ أَنْتُمْ إِلَّا تَكْذِبُونَ
قَالُوا رَبُّنَا يَعْلَمُ إِنَّا إِلَيْكُمْ لَمُرْسَلُونَ وَمَا عَلَيْنَا
إِلَّا الْبَلَاغُ الْمُبِينُ و بعد این دعا را بخواند
سُبْحَانَ الْفَرَجِ عَنْ كُلِّ مَحْزُونٍ سُبْحَانَ الْمُنَفِّسِ عَنْ كُلِّ مَسْجُونٍ
سُبْحَانَ الْمُيَسِّرِ لِكُلِّ مَدْيُونٍ سُبْحَانَ الْعَالِمِ لِكُلِّ مَكْنُونٍ
سُبْحَانَ مَنْ جَعَلَ خَزَائِنَهُ بَيْنَ الْكَافِ وَالنُّونِ سُبْحَانَ الَّذِي
إِذَا أَرَادَ شَيْئًا أَنْ يَقُولَ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ سُبْحَانَ الَّذِي
بِيَدِهِ مَلَكُوتُ كُلِّ شَيْءٍ وَإِلَيْهِ تُرْجَعُونَ سُبْحَانَهُ
سُبْحَانَهُ سُبْحَانَهُ وَتَعَالَى عَمَّا يَصِفُونَ فَسُبْحَانَ اللَّهِ
حِينَ تُمْسُونَ وَحِينَ تُصْبِحُونَ وَلَهُ الْحَمْدُ فِي السَّمَوَاتِ
وَالْأَرْضِ وَعَشِيًّا وَحِينَ تُظْهِرُونَ

يُخْرِجُ الْحَيَّ مِنَ الْمَيِّتِ وَيُخْرِجُ الْمَيِّتَ مِنَ الْحَيِّ وَيُحْيِي

الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا وَكَذَٰلِكَ تُخْرَجُونَ سُبْحَانَ

رَبِّكَ رَبِّ الْعِزَّةِ عَمَّا يَصِفُونَ وَسَلَامٌ عَلَى

الْمُرْسَلِينَ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وسوره حمد را تا آخر

بخواند و هر حاجت که دارد از خدا مسئول نماید البته بر آورده میشود

و بعد از حاجت این دعا بخواند اَللّٰهُمَّ يَا مُبِينُ يَا مُبِينُ يَا مُبِينُ

أَسْئَلُكَ بِحَقِّ اسْمِكَ الْعَظِيمِ الْأَعْظَمِ وَنَبِيِّكَ

مُحَمَّدٍ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ الْكَرِيمِ الْمُكَرَّمِ

أَنْ تَفْعَلَ بِي مَا أَنْتَ أَهْلُهُ و بگو قَالُوا إِنَّا تَطَيَّرْنَا

بِكُمْ لَئِنْ لَمْ تَنْتَهُوا لَنَرْجُمَنَّكُمْ وَلَيَمَسَّنَّكُمْ مِنَّا عَذَابٌ أَلِيمٌ

قَالُوا طَائِرُكُمْ مَعَكُمْ أَئِنْ ذُكِّرْتُمْ بَلْ أَنْتُمْ قَوْمٌ مُسْرِفُونَ

وَجَاءَ مِنْ أَقْصَى الْمَدِينَةِ رَجُلٌ يَسْعَى قَالَ يَا قَوْمِ اتَّبِعُوا الْمُرْسَلِينَ

اتَّبِعُوا مَنْ لَا يَسْئَلُكُمْ أَجْرًا وَهُمْ مُهْتَدُونَ

و بعد بگوید

و بعد بگوید سُبْحَانَ الْمُفَرِّجِ عَنْ كُلِّ مَحْزُونٍ سُبْحَانَ

الْمُنَفِّسِ عَنْ كُلِّ مَسْجُونٍ

سُبْحَانَ الْمُيَسِّرِ لِكُلِّ مَدْيُونٍ سُبْحَانَ الْمُخَلِّصِ عَنْ كُلِّ

مَشْحُونٍ سُبْحَانَ الْعَالِمِ لِكُلِّ مَكْنُونٍ سُبْحَانَ

مَنْ جَعَلَ خَزَائِنَهُ بَيْنَ الْكَافِ وَالنُّونِ سُبْحَانَ

الَّذِي إِذَا أَرَادَ شَيْئاً أَنْ يَقُولَ لَهُ كُنْ فَيَكُونَ

فَسُبْحَانَ الَّذِي بِيَدِهِ مَلَكُوتُ كُلِّ شَيْءٍ وَإِلَيْهِ

تُرْجَعُونَ سُبْحَانَهُ سُبْحَانَهُ سُبْحَانَهُ وَتَعَالَى

عَمَّا يَصِفُونَ فَسُبْحَانَ اللَّهِ حِينَ تُمْسُونَ وَحِينَ

تُصْبِحُونَ وَلَهُ الْحَمْدُ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ

وَعَشِيّاً وَحِينَ تُظْهِرُونَ يُخْرِجُ الْحَيَّ مِنَ الْمَيِّتِ

وَيُخْرِجُ الْمَيِّتَ مِنَ الْحَيِّ وَيُحْيِي الْأَرْضَ

بَعْدَ مَوْتِهَا وَكَذَلِكَ تُخْرَجُونَ سُبْحَانَ رَبِّكَ

رَبِّ الْعِزَّةِ عَمَّا يَصِفُونَ وَسَلَامٌ عَلَى الْمُرْسَلِينَ

وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ و بعد سوره حمد را تا آخر بخواند

و هر حاجت که خواهد بخواند که ان شاء الله برآورده است و بعد از آن اسم اعظم را بخواند

اللهم یا مبین یا مبین یا مبین اسئلک بحق اسمک العظیم

الاعظم و نبیک محمد صلی الله علیه و آله

و سلم الکریم الکرم ان تفعل بی ما انت اهله

و بعد حاجت را سؤال کند و بگوید وما لی لا اعبد الذی

فطرنی و الیه ترجعون ءاتخذ من دونه آلهة

ان یردن الرحمن بضر لا تغن عنی شفاعتهم شیئا

ولا ینقذون انی اذا لفی ضلال مبین

انی امنت بربکم فاسمعون قیل ادخل الجنة

قال یا لیت قومی یعلمون بما غفر لی ربی و جعلنی

من المکرمین و حاجت خود را بخواهد پس بگو یا مالک الملک

یا ذا الجلال والاکرام الهنا و اله کل شیء الها واحدا

لا اله الا انت یا حی یا قیوم یا بدیع السموات

والارض یا ذا الجلال والاکرام اللهم اکرمنی

من فیض

مِن فیضِ جودِکَ وَکَرَمِکَ اِفعَل بی ما اَنتَ اَهلُهُ

فِی الدّارَین وَلا تَفعَل بی ما اَنَا اَهلُهُ پس حاجت را در خاطر

آورد و بگوید اَجِبنی و سی هفت نوبت بگوید یا قاضِیَ الحاجاتِ

اِقضِ حاجَتی و هیجده نوبت بگوید وَما اَنزَلنا عَلی قَومِهِ

مِن بَعدِهِ مِن جُندٍ مِنَ السَّماءِ وَما کُنّا مُنزِلینَ اِن کانَت

اِلّا صَیحَةً واحِدَةً فَاِذا هُم خامِدُونَ یا حَسرَةً عَلَی

العِبادِ ما یَأتیهِم مِن رَسُولٍ اِلّا کانُوا بِهِ یَستَهزِؤُنَ

اَلَم یَرَوا کَم اَهلَکنا قَبلَهُم مِنَ القُرُونِ اَنَّهُم اِلَیهِم

لا یَرجِعُونَ وَاِن کُلٌّ لَمّا جَمیعٌ لَدَینا مُحضَرُونَ

وَآیَةٌ لَهُمُ الاَرضُ المَیتَةُ اَحیَیناها وَاَخرَجنا

مِنها حَبّاً فَمِنهُ یَأکُلُونَ وَجَعَلنا فیها جَنّاتٍ

مِن نَخیلٍ وَاَعنابٍ وَفَجَّرنا فیها مِنَ العُیُونِ

لِیَأکُلُوا مِن ثَمَرِهِ وَما عَمِلَتهُ اَیدیهِم اَفَلا یَشکُرُونَ

سُبحانَ الَّذی خَلَقَ الاَزواجَ کُلَّها مِمّا تُنبِتُ الاَرضُ

وَمِن اَنفُسِهِم وَمِمّا لا یَعلَمُونَ وَآیَةٌ لَهُمُ اللَّیلُ نَسلَخُ

مِنْهُ النَّهَارَ فَإِذَا هُمْ مُظْلِمُونَ وَالشَّمْسُ تَجْرِي لِمُسْتَقَرٍّ

لَهَا چهارده مرتبه بگوید ذَلِكَ تَقْدِيرُ الْعَزِيزِ الْعَلِيمِ

چهارده مرتبه بگوید یَا قَدِیرُ یَا عَزِیزُ یَا عَلِیمُ یازده مرتبه بگوید

بِسْمِ اللهِ الرَّحْمنِ الرَّحِيمِ بِسْمِ اللهِ رَبِّ الْعَظَمَةِ وَالْكِبْرِيَاءِ

وَالْجُودِ وَالْبَهَاءِ وَالنُّورِ وَالثَّنَاءِ بِسْمِ اللهِ الَّذِي

تَدَكْدَكَتْ مِنْ مَخَافَتِهِ صُمُّ الصُّخُورِ الصِّلَابِ وَخَضَعَتْ

لِهَيْبَتِهِ وَعِزَّتِهِ رَوَاسِي الْجِبَالِ الرَّاسِيَاتِ وَجَاءَ

بِقُدْرَتِهِ حُرُوفٌ أَظْهَرَتْ آثَارَ الْعَجَبِ وَالْعُجَابِ

سَلْفًا سَلْفًا عَجْلَانَهُ اهُوِيَهُ بِهِ اهٍ اهٍ هُوَ اللهُ

لَا إِلٰهَ إِلَّا هُوَ الْفَرْدُ الْوِتْرُ الْفَرْدُ الصَّمَدُ دوازده مرتبه بگوید

حَيٌّ قَيُّومٌ یازده مرتبه بگوید فَفَسْتَلْمِسَاخِ الِ الِ حَمْلَلْ

مطيع لَكَ يَا الٰ يَا حَيُّ يَا قَيُّومُ اهِيًّا شَرَاهِيًّا اذونی

اصْبَاوُتِ الِ رُشْدِي الرَّحْمٰنُ عَلَى الْعَرْشِ اسْتَوٰى

رَبِّ هُوجِ دِبَرِ وَهَلِ هُولِ كَهُ يَا صَعْصَعَاثُ

يَا صَعْهَيُوثِ اهُوثُ اهُوثِ اثِ هَلِمْ تَعْلَمُ

لَهُ

لہ سمیا الحی القیوم حیا قیوما یا ذو الجلال والاکرام

اینید عار یازده مرتبه بخوانند یا بدیع السموات والارض هل ان توصف

ذاتک بدلالات اسمک بمشکلات من اجل هیبتک و

کفت لعقول حتی خمدت فالسن حتی جمدت

واخطات الابصار والافکار تتقلقت بذکرک

والقلوب تنطق بسرک ان الذین عند ربک

لا یستکبرون عن عبادته وله یسجدون

اللهم اعطف علی قلوب عبادک لهند المحبة

و بعطفک العظیم فانه لا عطف یا مالک ذی الجلال

والاکرام پس حاجت خود را بخواهد و ۳ مرتبه اینید عار را بخواند

باسمک الله الحی القیوم ذی الجلال والاکرام

بدیع السموات والارض ارحم الراحمین وبعد بگوید

والقمر قدرناه منازل حتی عاد کالعرجون القدیم

لا الشمس ینبغی لها ان تدرک القمر ولا اللیل سابق النهار

وَكُلٌّ فِي فَلَكٍ يَسْبَحُونَ قصد مطلب نموده بگوید وَآيَةٌ

لَهُمْ أَنَّا حَمَلْنَا ذُرِّيَّتَهُمْ فِي الْفُلْكِ الْمَشْحُونِ وَخَلَقْنَا

لَهُمْ مِنْ مِثْلِهِ مَا يَرْكَبُونَ وَإِنْ نَشَأْ نُغْرِقْهُمْ فَلَا صَرِيخَ

لَهُمْ وَلَا هُمْ يُنْقَذُونَ إِلَّا رَحْمَةً مِنَّا وَمَتَاعًا إِلَىٰ حِينٍ

وَإِذَا قِيلَ لَهُمُ اتَّقُوا مَا بَيْنَ أَيْدِيهِمْ وَمَا خَلْفَهُمْ لَعَلَّكُمْ

تُرْحَمُونَ وَمَا تَأْتِيهِمْ مِنْ آيَةٍ مِنْ آيَاتِ رَبِّهِمْ إِلَّا كَانُوا

عَنْهَا مُعْرِضِينَ وَإِذَا قِيلَ لَهُمْ أَنْفِقُوا مِمَّا رَزَقَكُمُ اللَّهُ

قَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا لِلَّذِينَ آمَنُوا أَنُطْعِمُ مَنْ لَوْ يَشَاءُ اللَّهُ

أَطْعَمَهُ إِنْ أَنْتُمْ إِلَّا فِي ضَلَالٍ مُبِينٍ وبعد اسید عار الجواند

سُبْحَانَ الْمُفَرِّجِ عَنْ كُلِّ مَحْزُونٍ سُبْحَانَ الْمُنَفِّسِ عَنْ كُلِّ

مَشْحُونٍ سُبْحَانَ الْمُبَشِّرِ عَنْ كُلِّ مَدْيُونٍ سُبْحَانَ الْمُخَلِّصِ

عَنْ كُلِّ مَسْجُونٍ سُبْحَانَ الْعَالِمِ بِكُلِّ مَكْنُونٍ سُبْحَانَ

مَنْ جَعَلَ خَزَائِنَهُ بَيْنَ الْكَافِ وَالنُّونِ سُبْحَانَ الَّذِي

إِذَا أَرَادَ شَيْئًا أَنْ يَقُولَ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ فَسُبْحَانَ الَّذِي

بِيَدِهِ

بيده ملكوت كل شيء واليه ترجعون سبحانه

سبحانه سبحانه وتعالى عما يصفون فسبحان

الله حين تمسون وحين تصبحون وله الحمد

في السموات والارض وعشيا وحين تظهرون

يخرج الحي من الميت ويخرج الميت من الحي ويحيي

الارض بعد موتها وكذلك تخرجون

سبحان ربك رب العزة عما يصفون وسلام

على المرسلين والحمد لله رب العالمين الرحمن الرحيم

مالك يوم الدين اياك نعبد واياك نستعين

اهدنا الصراط المستقيم صراط الذين انعمت عليهم

غير المغضوب عليهم ولا الضالين وحاجت را سؤال کن وعده بگو

اللهم يا مبين يا مبين يا مبين اسئلك بحق اسمك

الاعظم الاعظم ونبيك محمد صلى الله عليه واله وسلم

الکریم المکرم ان تفعل بی ما انت اهله و لا تفعل بی
ما انا اهله حاجت اسئل کن و یقولون متی هذا
الوعد ان کنتم صادقین ما ینظرون الا صیحة
واحدة تاخذهم و هم یخصمون فلا یستطیعون
توصیة و لا الی اهلهم یرجعون و نفخ فی الصور
فاذا هم من الاجداث الی ربهم ینسلون قالوا یا ویلنا
من بعثنا من مرقدنا هذا ما وعد الرحمن و صدق
المرسلون ان کانت الا صیحة واحدة فاذا هم
جمیع لدینا محضرون فالیوم لا تظلم نفس شیئا
و لا تجزون الا ما کنتم تعملون ان اصحاب الجنة
الیوم فی شغل فاکهون هم و ازواجهم فی
ظلال علی الارائک متکئون لهم فیها فاکهة
و لهم ما یدعون حاجت بخواهد و ۳ بار بگوید

سلام قولا

سلام قولا من رب رحیم و شانزده مرتبه بگوید

اللهم اغننی واعف عنی واغفر لی وهب لی

وافعل بی ما انت اهله فی الدارین ولا تفعل بی

ما انا اهله فی الدارین سلام قولا من رب رحیم

پس حاجت را سؤال کن اللهم اغننی واعف عنی وکن

حظی من الدارین پس شانزده بار بگوید یا سلام

یا رب یا رحیم بعد از آن ۳ مرتبه بگوید ات نور جلیل

یا دار سلام قولا من رب رحیم غاب اغلیوب

غنیل سلام قولا من رب رحیم اغل تام دنوم

قائم هنش زغات سلام قولا من رب رحیم یا الهنا

واله کل شیء الهنا واحدا لا اله الا انت

بحقک بحق ابن سلفا اهیبوا عجلایه وامتازوا

الیوم ایها المجرمون الم اعهد الیکم یا بنی آدم

ان لا تعبدوا الشیطان انه لکم عدو مبین

وبعد از آن بگوید سُبْحَانَ الْمُنَفِّسِ عَنْ كُلِّ مَشْحُونٍ
سُبْحَانَ الْمُفَرِّجِ عَنْ كُلِّ مَحْزُونٍ سُبْحَانَ الْمُيَسِّرِ عَنْ كُلِّ
مَدْيُونٍ سُبْحَانَ الْمُخَلِّصِ لِكُلِّ مَسْجُونٍ سُبْحَانَ
الْعَالِمِ لِكُلِّ مَكْنُونٍ سُبْحَانَ مَنْ جَعَلَ خَزَائِنَهُ
بَيْنَ الْكَافِ وَالنُّونِ سُبْحَانَ إِذَا أَرَادَ شَيْئاً أَنْ
يَقُولَ لَهُ كُنْ فَيَكُونَ فَسُبْحَانَ الَّذِي بِيَدِهِ
مَلَكُوتُ كُلِّ شَيْءٍ وَإِلَيْهِ تُرْجَعُونَ سُبْحَانَهُ سُبْحَانَهُ
سُبْحَانَهُ وَتَعَالَى عَمَّا يَصِفُونَ سُبْحَانَ اللَّهِ
حِينَ تُمْسُونَ وَحِينَ تُصْبِحُونَ وَلَهُ الْحَمْدُ فِي
السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَعَشِيّاً وَحِينَ تُظْهِرُونَ
يُخْرِجُ الْحَيَّ مِنَ الْمَيِّتِ وَيُخْرِجُ الْمَيِّتَ مِنَ الْحَيِّ
وَيُحْيِي الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا وَكَذَلِكَ تُخْرَجُونَ
سُبْحَانَ رَبِّكَ رَبِّ الْعِزَّةِ عَمَّا يَصِفُونَ
وَسَلَامٌ عَلَى الْمُرْسَلِينَ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ

دلواره فاخر

و سوره فاتحه را بخواند اَللّٰهُمَّ یا مُبینُ یا مُبینُ یا مُبینُ

بِحَقِّ اِسْمِکَ الْاَعْظَمِ الْاَعْظَمِ وَ بِنَبِیِّکَ مُحَمَّدٍ صَلَّی اللّٰهُ

عَلَیْهِ وَ اٰلِهِ وَ سَلَّمَ الْکَرِیمِ الْاَکْرَمِ اَنْ تَفْعَلَ بی

ما اَنْتَ اَهْلُهُ وَ اَنِ اعْبُدُونی هٰذا صِراطٌ مُسْتَقیمٌ

وَ لَقَدْ اَضَلَّ مِنْکُمْ جِبِلًّا کَثیراً اَفَلَمْ تَکُونُوا تَعْقِلُونَ

هٰذِهِ جَهَنَّمُ الَّتی کُنْتُمْ تُوعَدُونَ اِصْلَوْهَا

الْیَوْمَ بِما کُنْتُمْ تَکْفُرُونَ اَلْیَوْمَ نَخْتِمُ عَلیٰ اَفْواهِهِمْ

وَ تُکَلِّمُنا اَیْدیهِمْ وَ تَشْهَدُ اَرْجُلُهُمْ بِما کانُوا

یَکْسِبُونَ وَ لَوْ نَشاءُ لَطَمَسْنا عَلیٰ اَعْیُنِهِمْ فَا

سْتَبَقُوا الصِّراطَ فَاَنّیٰ یُبْصِرُونَ وَ لَوْ نَشاءُ

لَمَسَخْناهُمْ عَلیٰ مَکانَتِهِمْ فَمَا اسْتَطاعُوا مُضِیًّا وَ لا

یَرْجِعُونَ وَ مَنْ نُعَمِّرْهُ نُنَکِّسْهُ فِی الْخَلْقِ اَفَلا

یَعْقِلُونَ وَ ما عَلَّمْناهُ الشِّعْرَ وَ ما یَنْبَغی لَهُ

اِنْ هُوَ اِلّا ذِکْرٌ وَ قُرْآنٌ مُبینٌ و بعد اسد عالی بخوان

سُبْحَانَ الْمُفَرِّجِ عَنْ كُلِّ مَحْزُونٍ سُبْحَانَ الْمُنَفِّسِ عَنْ كُلِّ

مَشْحُونٍ سُبْحَانَ الْمُبَشِّرِ عَنْ كُلِّ مَدْيُونٍ سُبْحَانَ

الْمُلَخِّصِ لِكُلِّ مَشْحُونٍ سُبْحَانَ الْعَالِمِ لِكُلِّ مَكْنُونٍ

سُبْحَانَ مَنْ جَعَلَ خَزَائِنَهُ بَيْنَ الْكَافِ وَالنُّونِ سُبْحَانَ الَّذِي

إِذَا أَرَادَ شَيْئًا أَنْ يَقُولَ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ فَسُبْحَانَ الَّذِي

بِيَدِهِ مَلَكُوتُ كُلِّ شَيْءٍ وَإِلَيْهِ تُرْجَعُونَ سُبْحَانَهُ

سُبْحَانَهُ سُبْحَانَهُ وَتَعَالَى عَمَّا يَصِفُونَ فَسُبْحَانَ اللهِ

حِينَ تُمْسُونَ وَحِينَ تُصْبِحُونَ وَلَهُ الْحَمْدُ فِي

السَّمٰوَاتِ وَالْأَرْضِ وَعَشِيًّا وَحِينَ تُظْهِرُونَ

يُخْرِجُ الْحَيَّ مِنَ الْمَيِّتِ وَيُخْرِجُ الْمَيِّتَ مِنَ الْحَيِّ وَيُحْيِي

الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا وَكَذَٰلِكَ تُخْرَجُونَ سُبْحَانَ

رَبِّكَ رَبِّ الْعِزَّةِ عَمَّا يَصِفُونَ وَسَلَامٌ عَلَى

الْمُرْسَلِينَ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ سوره فاتحه را

تا آخر بخواند و بعد بگوید اَللّٰهُمَّ

اَللّٰهُمَّ یا مُبینُ یا مُبینُ یا مُبینُ اَسْئَلُکَ بِحَقِّ اِسْمِکَ

العَظیمِ الاَعْظَمِ وَ نَبِیِّکَ مُحَمَّدٍ صَلَّی اللّٰهُ عَلَیْهِ

وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ الکَریمِ الاَکْرَمِ اَنْ تَفْعَلَ بی مٰا اَنْتَ

اَهْلُهُ وَ لاٰ تَفْعَلْ بی مٰا اَنَا اَهْلُهُ حاجترا ذکر کن و بگو

لِیُنْذِرَ مَنْ کانَ حَیّاً وَ یَحِقَّ القَوْلُ عَلَی الکافِرینَ

اَوَ لَمْ یَرَوْا اَنّا خَلَقْنا مِنْ نُطْفَةٍ لَهُمْ مِمّا عَمِلَتْ

اَیْدینا اَنْعاماً فَهُمْ لَها مالِکُونَ وَ ذَلَّلْناها لَهُمْ

فَمِنْها رَکُوبُهُمْ وَ مِنْها یَاْکُلُونَ و ۳ مرتبه بگوید

اَللّٰهُمَّ مَکِّنّی خَیْراً فِی الدُّنْیا وَ الآخِرَةِ وَ ذَلِّلْنی

صِعابَها بِحَقِّ هٰذِهِ السُّورَةِ الشَّریفَةِ یا اَرْحَمَ

الرّاحِمینَ و بعد بگوید وَ لَهُمْ فیها مَنافِعُ وَ مَشارِبُ

اَفَلا یَشْکُرُونَ وَ اتَّخَذُوا مِنْ دُونِ اللّٰهِ آلِهَةً

لَعَلَّهُمْ یُنْصَرُونَ لا یَسْتَطیعُونَ نَصْرَهُمْ وَ هُمْ

لَهُمْ جُنْدٌ مُحْضَرُونَ وَ لا یَحْزُنْکَ قَوْلُهُمْ

إنّا نعلم ما يُسِرّون وما يعلنون أوَلم يرَ الإنسانُ
أنّا خلقناه من نطفةٍ فإذا هو خصيمٌ مبين
و حاجت خود را بخواهد و بگوید سبحان المفرّج عن كلّ
محزونٍ سبحان المنفّس عن كلّ مشحونٍ سبحان
الميسّر لكلّ مذنوبٍ سبحان الملخّص لكلّ مشحونٍ
سبحان العالم لكلّ مكنونٍ سبحان من جعل خزائنه
بين الكاف والنون سبحان الذي بيده ملكوت
كلّ شيءٍ وإليه ترجعون سبحانه سبحانه سبحانه
وتعالى عمّا يصفون و
فسبحان الله حين تمسون وحين تصبحون
وله الحمد في السموات والأرض وعشيًّا وحين
تظهرون يخرج الحيّ من الميّت ويخرج الميّت
من الحيّ ويحيي الأرض بعد موتها وكذلك
تخرجون سبحان ربّك ربّ العزّة عمّا يصفون
والسلام

وَسَلامٌ عَلَى الْمُرْسَلِينَ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ

فاتحه را تا آخر بخواند و بگوید اَللّٰهُمَّ يَا مُبِينُ يَا مُبِينُ يَا مُبِينُ

اَسْئَلُكَ بِحَقِّ اِسْمِكَ الْعَظِيمِ الْأَعْظَمِ وَنَبِيِّكَ

مُحَمَّدٍ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ الْكَرِيمِ الْمُكَرَّمِ

اَنْ تَفْعَلَ بِي مَا اَنْتَ اَهْلُهُ وَلَا تَفْعَلْ بِي مَا اَنَا اَهْلُهُ

و بعد بگوید وَضَرَبَ لَنَا مَثَلاً وَنَسِيَ خَلْقَهُ قَالَ

مَنْ يُحْيِي الْعِظَامَ وَهِيَ رَمِيمٌ قُلْ يُحْيِيهَا الَّذِي

اَنْشَأَهَا اَوَّلَ مَرَّةٍ وَهُوَ بِكُلِّ خَلْقٍ عَلِيمٌ ۳ مرتبه بگوید

يَا مَنْ يُحْيِي الْعِظَامَ وَهِيَ رَمِيمٌ اَحْيِ قَلْبِي وَرُوحِي

بِمَحَبَّتِكَ وَاَحْيِ رِزْقِي وَمَحَبَّتِي فِي قُلُوبِ خَلْقِكَ

اَجْمَعِينَ فَاِنَّهُ لَا مَحَبَّةَ اِلَّا مَحَبَّتُكَ پنج مرتبه

بلا و الله قادر تيسر امري وقضاء حوائجي حاجت

و بعد اَلَّذِي جَعَلَ لَكُمْ مِنَ الشَّجَرِ الْأَخْضَرِ نَاراً

فَاِذَا اَنْتُمْ مِنْهُ تُوقِدُونَ اَوَلَيْسَ الَّذِي

خَلَقَ السَّمٰواتِ وَالارْضَ بِقادِرٍ عَلیٰ اَنْ یَخْلُقَ مِثْلَهُمْ

بَلیٰ وَهُوَ الْخَلّاقُ الْعَلیمُ ۲ مرتبه بگوید اِنَّما

اَمْرُهُ اِذا اَرادَ شَیْئاً اَنْ یَقُولَ لَهُ کُنْ فَیَکُونُ

۳ مرتبه بگوید یا مَنْ اَمْرُهُ بَیْنَ الْکافِ وَالنُّونِ

بَلْ اَسْرَعَ وَاَقْرَبَ مِمّا یَکُونُ کُنْ لی ما

اَرْجُوهُ مِنْ کَرَمِکَ وَفَضْلِکَ یا اَکْرَمَ الاَکْرَمینَ

وبعد بگوید وَ یا اَکْرَمَ الْمَسْئُولینَ یا اَرْحَمَ الرّاحِمینَ

بعد بگوید فَسُبْحانَ الَّذی بِیَدِهِ مَلَکُوتُ کُلِّ شَیْءٍ وَاِلَیْهِ

تُرْجَعُونَ بعد بگوید سُبْحانَ الْمُفَرِّجِ عَنْ کُلِّ مَحْزُونٍ

سُبْحانَ الْمُنَفِّسِ عَنْ کُلِّ مَشْحُونٍ سبحان المیسّر بکلّ مدیون

سُبْحانَ الْمُخَلِّصِ عَنْ کُلِّ مَسْجُونٍ سُبْحانَ الْعالِمِ بِکُلِّ مَکْنُونٍ

سُبْحانَ مَنْ جَعَلَ خَزائِنَهُ بَیْنَ الْکافِ وَالنُّونِ سُبْحانَ الَّذی

اِذا اَرادَ شَیْئاً اَنْ یَقُولَ لَهُ کُنْ فَیَکُونُ سُبْحانَ الَّذی

بِیَدِهِ مَلَکُوتُ کُلِّ شَیْءٍ وَاِلَیْهِ تُرْجَعُونَ وبعد بگوید

بعد بماند

سُبْحَانَهُ سُبْحَانَهُ سُبْحَانَهُ وَ تَعَالَى عَمَّا يَصِفُونَ

فَسُبْحَانَ اللّٰهِ حِينَ تُمْسُونَ وَحِينَ تُصْبِحُونَ

وَ لَهُ الْحَمْدُ فِي السَّمٰوَاتِ وَالْأَرْضِ وَعَشِيًّا

وَ حِينَ تُظْهِرُونَ يُخْرِجُ الْحَيَّ مِنَ الْمَيِّتِ وَيُخْرِجُ

الْمَيِّتَ مِنَ الْحَيِّ وَيُحْيِي الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا وَكَذٰلِكَ

تُخْرَجُونَ سُبْحَانَ رَبِّكَ رَبِّ الْعِزَّةِ عَمَّا يَصِفُونَ

وَسَلَامٌ عَلَى الْمُرْسَلِينَ وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ

و سوره حمد را تا آخر بخواند و اینده عا را تا آخر بخواند يَا مُبِينُ

يَا مُبِينُ يَا مُبِينُ اَسْأَلُكَ بِحَقِّ اِسْمِكَ الْعَظِيمِ الْأَعْظَمِ

وَنَبِيِّكَ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ الْكَرِيمِ

الْمُكَرَّمِ اَنْ تَفْعَلَ بِي مَا اَنْتَ اَهْلُهُ وَلَا تَفْعَلْ بِي مَا اَنَا اَهْلُهُ

حوائج خود را سئوال کند و بگوید يَا مُفَرِّجُ فَرِّجْ ده مرتبه

يَا مُغِيثُ اَغِثْنِي یازده مرتبه يَا غِيَاثَ الْمُسْتَغِيثِينَ

بِرَحْمَتِكَ يَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ اِسْتَغِيثُ مِنْ عَذَابِكَ

استجیر و بو بسم الله الرحمن الرحیم الحمد لله

الذی خلق السموات والارض وجعل الظلمات والنور

ثم الذین کفروا بربهم یعدلون هو الذی خلقکم

من طین ثم قضی اجلا واجل مسمی عنده ثم انتم

تمترون هو الله وفی السموات وفی الارض

یعلم سرکم وجهرکم ویعلم ما تکسبون

بسم الله الرحمن الرحیم

الحمد لله الذی انزل علی عبده الکتاب ولم یجعل له عوجا

قیما لینذر باسا شدیدا من لدنه ویبشر المومنین

الذین یعملون الصالحات ان لهم اجرا حسنا ماکثین

فیه ابدا وینذر الذین قالوا اتخذ الله ولدا

ما لهم به من علم ولا لابائهم کبرت کلمة تخرج

من افواههم ان یقولون الا کذبا

بسم الله

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ

اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِي لَهُ مَا فِي السَّمٰوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ

وَلَهُ الْحَمْدُ فِي الْآخِرَةِ وَهُوَ الْحَكِيمُ الْخَبِيرُ يَعْلَمُ مَا يَلِجُ

فِي الْأَرْضِ وَمَا يَخْرُجُ مِنْهَا وَمَا يَنْزِلُ مِنَ السَّمَاءِ

وَمَا يَعْرُجُ فِيهَا وَهُوَ الرَّحِيمُ الْغَفُورُ

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ

اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ فَاطِرِ السَّمٰوَاتِ وَالْأَرْضِ جَاعِلِ الْمَلَائِكَةِ

اُولِي اَجْنِحَةٍ مَثْنَىٰ وَثُلَاثَ وَرُبَاعَ يَزِيدُ

فِي الْخَلْقِ مَا يَشَاءُ اِنَّ اللّٰهَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ

كتبه نصرالله ابن خير الحاج حاجى ملا احمد صادق

تخته فولادى الاصفهانى

فى ٢٤٢٥

سنه ١٣٢٧

برای مثلث پر کردن این است که عدد را گرفته دوازده عدد را طرح نماید و مابقی را ثلث گرفته در مثلث پر نماید و مثلث که پر نمی‌دارد مثلثات را از چهار عناصر پر نماید بر این طریق پر نماید این است

مثلث آتشی دفعه ۱۵ — مثلث بادی — مثلث آبی

مثلث آتشی

۸	۱	۶
۳	۵	۷
۴	۹	۲

مثلث بادی

۲	۷	۶
۹	۵	۱
۴	۳	۸

مثلث آبی

۶	۷	۲
۱	۵	۹
۸	۳	۴

مثلث خاکی

۴	۹	۲
۳	۵	۷
۸	۱	۶

اما مربع می‌باشد انچه هست سی عدد را طرح نماید و مابقی را بر چهار قسمت نماید اگر کسر دار دو هم اگر یکی باشد در خانه سیزدهم زیاد نماید اگر کسر دو عدد باشد در خانه نهم اگر سه عدد کسر داشته باشد در خانه پنجم زیاد نماید و عدد مربع این است

دفعه ۳۴

۸	۱۱	۱۴	۱
۱۳	۲	۷	۱۲
۳	۱۶	۹	۶
۱۰	۵	۴	۱۵

برای بستن نزله در روز چهارشنبه بر تخم مرغ بنویسید و در جامه از پشت پیراهن تقیه صاحب نزله بپیچید و بگذارید سیاه ببافد و بپرد بقسمی که باد او نو حرکت دهد رفع خواهد شد بسم الله الرحمن الرحیم بسم الله الشافی بسم الله الکافی بسم الله المعافی بسم الله الذی لا یضر مع اسمه شیء فی الارض ولا فی السماء وهو السمیع العلیم اللهم بحق محمد و علی و فاطمة والحسن والحسین والتسعة المعصومین من ذریة الحسین علیهم السلام اشفع [illegible]

الله لا اله الا هو الحی القیوم

برای دفع تب با خود دارد خوب شود باذن الله وکفی بالله ولیا

وکفی بالله نصیرا وکفی بالله حسیبا وکفی بالله علیما وکفی بالله

شهیدا وکفی بالله وکیلا

برای زیادی حافظه

حضرت رسول صلی الله علیه و آله بحضرت امیرالمؤمنین علیه السلام

تعلیم نمودند که یا علی اگر بخواهی علم را یاد گیری

وحفظ نمائی بعد از هر نماز یکمرتبه این دعا را

بخوان سُبحانَ مَن لا یَعتَدی علی اهلِ

مَملَکَتِهِ سُبحانَ مَن لا یَأخُذُ اهلَ

الأرضِ بِألوانِ العَذابِ سُبحانَ

الرَّؤوفِ الرَّحیمِ اللّهُمَّ اجعَل لی

فی قَلبی نُوراً وَبَصَراً وَفَهماً اِنَّکَ

عَلی کُلِّ شَیءٍ قَدیرٌ

بسم الله الرحمن الرحیم

قاعده اگر خواهی بدانی که مقصودی که داری درست میشود یا نه بگیر دو سه قبضه از قبیله او هر یک را علی حده بگیر و جفت جفت طرح کنی مطلب را از دایره معلوم کند مجرب است دایره اینست

یک و یک و یک	یک و یک و دو	یک و دو و دو	دو و دو و دو
البته که مراد برسی انشاء الله تعالی بزودی مراد خواهی رسید	مراد میرسد اما قدری طول دارد	احتمال ضعیفی و امید بعیدی هست که درست شود	این مطلب درست نمی شود البته

برای صلح و زن و مرد آیه لقد جائکم الی آخر سوره برائت و آیه ولسلیمان الریح الی مغلوبون در سوره در چهار پاره کاغذ نوشته در چهار گوشه اطاق دفن نماید در ساعت سعد دیگر آیه زین للناس الی حسن مآب بر شیرینی چهل بگم بخورانند بخورد در ساعت سعد

اگر خواهی کسی را محب خود کردن بنویس این آیه را بر پوست نارنج با اسم مطلوب و مادرش و در آب روان اندازد محبت گردد بسیار مجربست

لو انفقت ما فی الارض جمیعا ما الفت بین
قلوبهم ولکن الله الف بینهم انه عزیز حکیم

که مجرب است بنویس در کنار آب روان دفن که

بسیار مجرب است [illegible]

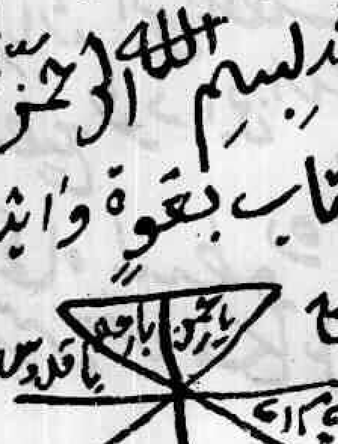
[illegible]

ایضا اگر زنی را فرزند نشود این آیات را بر دو کاغذ بنو
یسد و یکی را بر بازوی زن بندد و یکی را شوهر بندد و زن
و شوهر هر دو بخورند و جمع شوند و زند بهم رسد اگر چه
عقیم باشد بسم الله الرحمن الرحیم یا یحیی خذ الکتاب بقوة و آتیناه الحکم صبیا

بفرمان خداوند تعالی حامله شود

او بندد و شوهر با او جمع

اگر زنی را فرزند نشود بنویسد و بر



هو ۹ بار الله ۹ بار الحی
۹ بار القیوم و صلی الله علی محمد و آله
اجمعین

دعوت حروف بسم الله الرحمن الرحیم نوزده حرف یعنی
بالا تا بیست و سه روز هر روز بسم الله الرحمن الرحیم
الف پنج هزار و هفتصد و نود و پنج بار
بگوید هر روز بهمین طریق از سحر تا طلوع
آفتاب برای هر مهمی بر آورده است
هرگاه روزه باشد و ترک حیوانی و بخور
نماید بهتر است عث

تلمسنا أطف بهم حجر
الوبا المشكل واحتر
وبندهم فلهم
هرگاه کسی در مهمی گرفتار باشد این بگفت نام
نوشته زیر سر خود گذارد مطیع شود این است
عث
المالها و طها الحاه بسطوث لله
مثل سر شل المکامل

بجهت مراد مرد عه هر روز بعد از نماز صبح

قبل از تکلم بجه دو جهته بکوید یس و القرآن

الحکیم ص والقرآن ذی الذکر ق و

القرآن المجید ن والقلم وما یسطرون

اگر کسی خواهد دون مرد هند این مهر را در آب

انداز و آن آب را در خانه انکس بریز در

حال ذهوا بوی دهد طهطا یا

کعسا یا طعفلما

از جهته تفریق

از جهته احفا نوشته در زیر زانو گذارد

	۱۹	
۱۴		۱۲
۱۳	۱۵	۱۷
۱۸	۱۱	۱۶

۶	۷	۲
۱	۵	۹
۸	۳	۴

طریقه ختم الم نشرح در جهت برآمدن
حاجات بغایت مجربست از شیخان
معتبر این ختم را گرفته اند و بمراد
رسیده اند بجهت برآمدن حاجات
و مهمات و گشایش کارها و از برای
دفع دشمنان و دفع بیماری
طریقه اینست که هفت نوبت سوره
فاتحه را بخواند و صد مرتبه صلوات
فرستد و هفتاد بار سوره الم
نشرح را بخواند و صد مرتبه صلوات
فرستد از سه روز نگذرد که مرادش
حاصل شود انشاالله تعالی

واز جملهٔ نمازها نماز ظفر است جهه برآمدن
حاجت گذارند وآن دو رکعت است که در
هر رکعتی بعد از حمد سورهٔ قل هو الله یکبار
واذا جاء نصر الله بیست وپنج بار بخواند
وبعد از آن که فارغ شود پیشانی بر زمین
نهد وبگوید بسم الله الرحمن الرحیم
ولا حول ولا قوة الا بالله العلی العظیم
هزار بار بعد از آن حاجت خواهند که برآ
ورده شود انشاء الله تعالی اگر نتوانند هزار
بار را در سجده گفتن نشسته گوید حمل
هر کس که بعد از نماز صبح این دعا را چهار
بار بخواند در هر خواندن دست بر یک طرف
خود بزند تا شب در عنایت حقتعالی باشد
ودشمنان بر او ظفر نیابند واگر بزد دو دشمن

عقب او باشد باز این دعا را همچنان بخواند
او را نتوانند دیدن زنهار جهة فساد نخواند
اینست اللهم صحا صحا وحا حا حم
لا یبصرون طه لا یبصرون وجعلنا من
بین ایدیهم سدا ومن خلفهم سدا
فاغشیناهم فهم لا یبصرون کهیعص
حمعسق یا رب یا رب یا رب لا یصدعون
عنها ولا ینزفون

با	دال	واو	حا
۳	۳۵	۱۳	۹

بدوح ۲۰

حمد ۶۰

وقبه ۶۰ مثلث بدوح اینست
نقش ملفوظی بدوح

۱۹	۲۴	۱۷
۱۸	۲۰	۲۲
۲۳	۱۶	۲۱